



سازگاری

دکتر احمد رستمی

۱۱۸۴ سال عاشقانه

بارنگاهی بر امامت امام دوازدهم شیعیان
بر اساس منابع معتبر تاریخی و حدیثی

دکتر احسان کسری

سرشناسه: رستمی، راحله
عنوان و نام پدیدآور: ۱۱۸۴ سال عاشقانه / با نگاهی بر امامت
امام دوازدهم شیعیان بر اساس منابع معتبر تاریخی و حدیثی
مشخصات نشر: تهران: مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری: ۱۶۸ ص.
شابک: ۱-۶۴۷-۵۳۹-۹۶۴-۹۷۸
وضعیت فهرست‌نویسی: فیپا.
موضوع: موضوع: محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ ق.
غیبت، مهدویت، انتظار.
رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۷ ح ۴ ۹۳ ب / ۴ / ۲۲۴ BP
رده‌بندی دیویی: ۲۹۷ / ۴۶۲
شماره‌ی کتابشناسی ملی: ۵۱۲۶۶۳۶



شابک ۱-۶۴۷-۵۳۹-۹۶۴-۹۷۸ ISBN 978 - 964 - 539 - 647 - 1

۱۱۸۴ سال عاشقانه

راحله رستمی

ناشر: مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر

نوبت چاپ: اول / ۱۳۹۸

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

ویراستار: ریحانه رستمی، هدی موسوی

طراح جلد: مهرناز کیانی مفرد

صفحه‌آرایی: مشکاة

چاپ: بهمن



اینستاگرام:
monir_publisher

تهران، خیابان مجاهدین، چهارراه آبسردار، ساختمان پزشکان، واحد ۹

تلفن و فاکس: ۷۷۵۲۱۸۳۶ (۶ خط)

پست الکترونیک:
info@monir.com



کانال تلگرام:
telegram.me/monirpub

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حضرت محمد ﷺ می فرمایند:

الْمَهْدِيُّ طَاوُوسٌ أَهْلُ الْجَنَّةِ عَلَيْهِ جَلَابِيبُ النُّورِ

مہدیؑ طاووسِ اهلِ جنتِ طاووسِ اهلِ بہشتِ است

کہ جامہ یابی از نور اور ادر بر گرفتہ است.

(بیابح المودۃ: ۱۶۴: ۱۴۱۶)

فهرست مطالب

دییآچه	۱۱
پیشگفتار	۱۳
مقدمه	۱۵
فصل اول: زندگی نامه امام حسن عسکری <small>علیه السلام</small>	۲۷
۱ - ۲ - ولادت امام حسن عسکری <small>علیه السلام</small>	۲۹
۲ - ۲ - فعالیت‌های امام عسکری <small>علیه السلام</small>	۳۳
ایجاد شبکه ارتباطی با شیعیان	۳۳
فعالیت‌های سزای سیاسی	۳۴
تقویت و توجیه سیاسی رجال و عناصر مهم شیعه و فراهم آوردن بستری مناسب برای شیعیان در امر غیبت	۳۵
۳ - ۲ - زندگی نامه همسر امام عسکری <small>علیه السلام</small> شاهزاده‌ی روم	۳۶
۴ - ۲ - ولادت حضرت امام مهدی <small>علیه السلام</small> عجل الله تعالی فرجه الشریف	۴۷
۱ - ۴ - ۲ - نتیجه‌ی اعلان ولادت	۵۶

- ۲ - ۴ - ۲ - نتیجه کتمان ولادت ۵۶
- ۲ - ۵ - حکام معاصر امام عسکری علیه السلام ۵۸
- ۱ - ۵ - ۲ - المعتر بالله ۵۸
- ۱ - ۵ - ۲ - المهتدی بالله ۵۹
- ۲ - ۵ - ۲ - المعتمد بالله ۶۰
- فصل دوم: تاریخچه زندگانی حضرت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه
 الشریف ۶۵
- ۱ - ۳ - معرفی ولادت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف توسط پدر
 بزرگوارشان امام عسکری علیه السلام ۶۷
- ولادت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ۶۷
- ۲ - ۳ - مسئله ولادت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از دیدگاه
 اهل سنت - شیعه ۷۳
- ۳ - ۳ - عقیقه و اطعام ۷۶
- ۴ - ۳ - دوران غیبت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ۷۷
- حکمت اول: علت احساس بیم از سوی حکومت نسبت به جان امام
 مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ۷۸
- ۱ - ۴ - ۳ - حکمت دوم: آزمایش و امتحان ۸۱
- ۲ - ۴ - ۳ - حکمت سوم: سرالهی بودن غیبت ۸۲
- ۳ - ۴ - ۳ - حکمت چهارم: عدم بیعت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه
 الشریف با ستمگران ۸۳
- ۵ - ۳ - تئوری غیبت ۸۳

فهرست مطالب □ ۹

- ۶-۳ - دو دوره مهم غیبت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف .. ۸۵
- ۱-۶-۳ - غیبت صغری نائبان خاص چهارگانه سال ۲۶۰ ۸۶
- نائب اول (ابو عمرو عثمان بن سعید العمری) ۸۷
- نائب دوم (محمد بن عثمان بن سعید العمری) ۸۹
- نائب سوم (ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی) ۹۰
- نائب چهارم (ابوالحسن علی بن محمد سمری) ۹۱
- ۲-۶-۳ - شروع غیبت کبری سال ۳۲۹ هـ. ق ۹۲
- ۳-۶-۳ - غیبت کبری ۹۳
- ۱-۷-۳ - توقیعات ۹۷
- ۱-۷-۳ - توقیعات بر حسب موضوع ۹۷
- ۲-۷-۳ - توقیعات بر حسب مسائل اعتقادی ۹۹
- ۳-۷-۳ - توقیعات مربوط به اموال رسیده به امام عجل الله تعالی فرجه الشریف ۱۰۰
- ۴-۷-۳ - امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و علم غیب در توقیعات ۱۰۰
- ۸-۳ - زمانه ی خلفای بنی العباس در زمان ولادت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ۱۰۲
- ۱-۸-۳ - سرداب سامراء ۱۰۵
- فصل سوم: امامت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از منظر برخی از آیات قرآن کریم ۱۱۱
- ﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا

اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لَيْمَكَنَّ لَهُمْ دِينُهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَ لِيَبَدَّلَهُمْ
مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَ مَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ
فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ ﴿ (نور / ٥٥) ١١٤

﴿الم، ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ، الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ
وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ﴾ (بقره ١ - ٢ - ٣) ١٢٢
﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ﴾
(نساء / ٥٩) ١٢٦

﴿وَ لَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ
الصَّالِحُونَ﴾ (انبیاء / ١٠٥) ١٣٠

﴿وَ نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ
الْوَارِثِينَ﴾ (قصص / ٥) ١٣٣

﴿وَ قُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَ زَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا﴾ (اسراء / ٨١) ١٣٨
﴿وَ لَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَ مَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا
لِوَلِيِّهِ سُلْطَانًا فَلَا يُسْرِفُ فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مَنْصُورًا﴾ (اسراء / ٣٣) ١٤٠

فحوای سوره عصر ١٤٤
﴿وَالْعَصْرِ * إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ * إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَ
تَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَ تَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ﴾ (عصر / ١ - ٢ - ٣) ١٤٤

نتیجه گیری ١٥٥

منابع و مأخذ ١٥٩

دیباچه

هر روز که می‌گذرد، بشر امروزی با پرسش‌های جدید و مشکلات تازه‌تر روبرو می‌شود. به راستی تا به کی قرار است در دریای سؤالات بی‌پایان خرد غرق باشیم؟

تا به کی باید بدویم و به هیچ‌کجا نرسیم؟ تا به کی باید صدها نسل بیایند و بروند و تجربه و آزمایش کنند تا به پاسخ تنها گوشه‌ای از بی‌شمار سؤالات خود برسند؟ و تا به کی...

به راستی تا کی قرار است بشر در جهل مرکب خود بماند و صدها و هزارها و میلیون‌ها انسان به سبب جهالت و از آن‌رو که پاسخ بسیاری از مسائل را نمی‌دانند بمیرند و بروند و حسرت رسیدن در این چهار دیواری دنیا تا همیشه و همواره به دلشان بماند؟

اما من از پدران خود شنیده‌ام که کسی هست که به اراده‌ی خداوند پاسخ تمامی پرسش‌های ما را می‌داند و اگر بیاید که البته می‌آید. برای هر سؤالی جواب کافی خواهد داشت.

و او هنگامی که بیاید، با خویش کوله‌بار عظیمی از جواب‌ها خواهد داشت و پاسخ هزاران راز علم که بشر امروز در خواب به

دنبال آنهاست....

آن روز که آن موعود بیاید، دیگر هیچ دانشمندی آرزوی دانستن پاسخی را به گور نخواهد برد.

و آرزوی حل مسئله‌ای را و رؤیای کشف مجهولی را...

و من به یاد دارم که از پدرم پرسیدم: پدر جان! بگوئید بدانم نام این دانشمند بزرگ چیست؟ و پدرم پاسخ داد: فرزندم! او نه دانشمند، که فرستاده خداست و امام هدایت... او کسی است که همه پیامبران به آمدنش وعده داده‌اند و تمامی پاگان...

سپس با نام تو - که زیباترین نام عالم است برای من - گام در این راه گذاشتم و تو را می‌خوانم و تو را خواهم خواند... و تو را می‌گویم و تو را خواهم گفت که نام تو گره‌گشای کورترین گره‌های عالم است برای من. ای انتهای تمامی جاده‌های بی‌انتهای

مهدی جان!

و اما کتاب حاضر که در پیش‌رو و در منظر و نگاه تیزبین خوانندگان فهیم و آگاه قرار گرفته است اثر ارزنده‌ی سرکار خانم دکتر راحله رستمی است که در این روزها و شب‌های مبارک که اختصاص به آن یگانه‌ی خلقت دارد به زیور طبع آراسته گشته است. امیدوارم که خوانندگان محترم و مطالعه‌کنندگان این کتاب از مواهب آن بهره‌مند باشند. بنده چندسالی است که افتخار آشنایی با سرکار خانم را در دانشگاه داشته‌ام و خواندن این کتاب را به دوستان و عزیزان هم‌کیش و هم‌باورم توصیه می‌نمایم.

سید محمد رضوی

۱۴ شعبان ۱۴۴۰

مطابق با ۳۱ فروردین ۱۳۹۸

پیشگفتار

روزی که قلمم ایستاد به احترام نامت و شکوفه زدن کلمات درخت علم و باور در بیان نام تو دقیق به خاطر دارم، آسمان زیبایی اش را به زخم کشید و ستاره‌ها در گوشم رازی را گفتند به بلندای رنگین کمان. با عمق احساسی از تحسین و شگفت زدگی به نجوای نوشتن برایت شب را تا به صبح سپری کردم. هرچه پیشتر رفتم این باور بیشتر در من رسوخ یافت که نوشتن درباره موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف گنجی گران است که از تفسیر گرفته تا کلام، عقاید، فقه، سیره، تاریخ از کتاب‌های گسترده و دایرةالمعارف گونه، تا تک‌نگاری‌های بلند و کوتاه.

برایم اما شگفت‌آورتر این بود، نگاه تاریخی و حدیثی خود را با باوری عاشقانه به شوق شناخت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نظاره گر شوم. ثمره جوانی حسن عسکری علیه السلام که نسیمی از ایشان وزیدن گرفت از سُرِّ مَنْ رَأَى تَأْسِرُ زَمِينَ رُم، بال زدن پروانه محبتشان به

قلب بانوملیکا نشست، و چه زیبا بود که به یک باره جرقهٔ عشق
پاکشان نمایان شد. آسمان جهان مسیحیت و اسلام بیش از پیش به هم
پیوند خورد و بانوملیکا، شاهزادهٔ رُم، فرشتهٔ عروس خانهٔ حسن
عسکری رحمته الله شد و سرانجام عاشقانه‌ای زیبا سرود.

مقدمه

انسان‌های اندیشمند از روزی که پا به عرصه گیتی نهاده‌اند در آرزوی یک صلح جهانی و سرزمینی آرام بوده‌اند. بدین سان، در راه رسیدن به این آرمان بشریت تلاش و کوشش کرده‌اند و همیشه از عمق جانشان، خواستار تشکیل یک حکومت خالی از ظلم و ستم هستند. ضروری‌ترین نیازهای انسان برقراری امنیت در جامعه است.

زیرا زندگی در محیط ناامن، تلخ و دشوار است که با استقرار حکومت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف امنیت در سراسر عالم حکم فرما می‌شود علم و دانش بشری با تمام دستاوردها و مظاهر شکفت‌انگیزش، هنوز دوران کودکی خود را سپری می‌کند که با تحقق ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به بلوغ کامل می‌رسد پروفیسور اسمیت تاریخ‌نگار استاد دانشگاه کلمبیا می‌گوید:

همان‌گونه که سرانجام دیوار صوتی شکسته شده و وسایل نقلیه‌ای با سرعتی ما فوق صوت به وجود آمد، یک روز دیوار سنّ انسانی نیز

شکسته خواهد شد و از آنچه تا کنون دیده‌ایم فراتر خواهد رفت.
(مورتون اسمیت تاریخ‌نگار)^۱

گروهی از پزشکان عقیده دارند، پیری یک نوع بیماری است که بر اثر تَصَلَبِ شَرایین و یا اختلال متابولیسم بدن پدید می‌آید و اگر ما بتوانیم از طریق تغذیه صحیح و داروهای مؤثر بر این عوامل پیروز شویم پیری را شکست خواهیم داد. و از یک عمر طولانی برخوردار می‌گردیم.

در مورد گیاهان، به عنوان مثال، در مناطق استوایی زمین، درختانی با عمر جاویدان وجود دارند یعنی مرتب در حال ریشه زدن و جوانه زدن هستند و هیچ‌گاه عمرشان پایان نمی‌پذیرد.

در باره غیبت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف که در فصول کتاب به طور مفصل به آن پرداختیم، حال شباهت آن را به پیامبر خدا حضرت صالح علیه السلام بیان می‌داریم که می‌فرمایند؛ از امام صادق علیه السلام نقل است حضرت صالح علیه السلام مدتی از میان قومش پنهان شد.^۲ سپس به سوی آنها آمد در حالی که به سه دسته تقسیم می‌شدند؛ دسته‌ای که او را انکار کردند و به او معتقد نگشتند، گروهی که به او شک داشتند و عده‌ای که جز، ایمان به صالح علیه السلام و فادار باقی ماندند. حضرت صالح علیه السلام ابتدا به سوی گروه دوم رفت و به آنان گفت: من صالح هستم آنان او را تکذیب کردند و از خود راندند.

سپس به سوی دسته اول رفت آنان نیز او را نپذیرفتند و به شدت وی را رد کردند. بعد از آن به طرف گروه دیگر رفت، فرمود؛ من صالح

۱. Morton smith Historian .۱

۲. کمال الدین و تمام النعمة، ۱۳۶ - ۱۳۷: ۱۴۰۵ ه.ق.

هستم، به آنان گفتم، من همان صالحی هستم که نامه را برایتان آورد. آنان گفتند، راست گفتی، حال نامه صالح چه نشانه‌ای داشت؟ او پاسخ داد، یک نوبت آشامیدن آب مال شما و یک نوبت هم مخصوص ناقه بود. آنان عرضه داشتند: به خداوند و به آنچه تو آوردی ایمان داریم.

سپس امام صادق علیه السلام فرمود: همانا قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف مانند صالح علیه السلام خواهد بود که غیبتش موجب می‌شود عده‌ای از پیروانش در او به تردید افتند و عده‌ای نیز انکارش نمایند. و همه آنان نمی‌توانند از آزمایش غیبت موفق بیرون آیند.

غیبت حضرت صالح علیه السلام پس از هلاک شدن قومش به عذاب الهی واقع شد و پس از سپری شدن زمان غیبت، به سوی قومی آمد که پیشتر به خاطر ایمان به صالح علیه السلام از عذاب رها شده بودند.

سیر نظریه پردازی غیبت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مأموریتی خاص برای هر یک از انسان‌ها مشخص شده است که هدف خود را مطابق میل امام عجل الله تعالی فرجه الشریف تنظیم کنند، نه از روی میل شخصی. در واقع راز غیبت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف همان راز غیبت حجت‌های پیش از اوست و حکمت واقعی (غیبت) بعد از ظهور به اذن الهی آشکار می‌گردد.

چنان که راز کارهایی که پیامبر خدا خضر علیه السلام انجام داد، بعد از جدایی او از موسی علیه السلام روشن گردید. و حضرت موسی علیه السلام قبل از جدایی، راز آنها را نمی‌دانست و از آن رو به خضر علیه السلام نیز اعتراض نمود. بنابراین امر غیبت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به اذن پروردگار است و از اسرار و امور غیبیه الهی است.^۱

حضرت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در شأن هدایت تشریحی که شأنی از شؤون امامت است، غایب و پنهان است. اما در دیگر شؤون امامتش در جهان حاضر، ناظر، فعال و نافذ است. امام عجل الله تعالی فرجه الشریف به دلیل ویژگی امام زنده و حی بودنشان در دوران غیبت هم به طور مداوم مراقب حال عالمیان هستند.

از امام محمد باقر علیه السلام روایت است که فرموده‌اند، مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از گردنه کوه طوی با ۳۱۳ مرد به عدد رزمندگان بدر فرود می‌آید تا آنکه وارد مسجد الحرام می‌شود و چهار رکعت نماز در مقام ابراهیم می‌خواند سپس با تکیه بر حجر الاسود، حمد و ثنای الهی به جای آورده و بر پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله درود می‌فرستد نخستین کسانی که با او دست بیعت می‌دهند، جبرئیل و میکائیل خواهند بود. یاران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف شبانگاه به اذن الهی از بستر بیرون آمده و همگی در یک ساعت نزد آن حضرت عجل الله تعالی فرجه الشریف در مکه اجتماع می‌کنند سپس ایشان ظهور می‌کند و با یارانش وارد مسجد الحرام می‌شود. آنان هم پس از بیعت جبرئیل، با آن حضرت عجل الله تعالی فرجه الشریف بیعت می‌کنند و حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف رسالت خود را اعلام می‌کند تا اینکه تعداد یارانش افزایش می‌یابد؛ وقتی که به قریب ده هزار نفر رسیدند، آن حضرت از مکه خارج می‌شود تا زمین را از لوث ستمکاران پاکسازی کند.

امام صادق علیه السلام فرمود: آیه «أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعًا». هر کجا باشید خداوند همگی شما را می‌آورد.^۱

در مورد یاران قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف نازل شده، آنان شب از بسترشان بیرون می آیند، در حالی که صبح در مکه هستند.^۱

یاران مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مردانی که قلب‌هایشان همانند تکه‌های آهن است، زیرا از ایمانی راسخ برخوردارند. هرگز در مورد خداشکی به دلشان راه نیافته است. اگر به کوه‌ها حمله کنند، آن‌ها را از جایشان می‌کنند. آنان گرد امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را گرفته و در جنگ‌ها خود را سپر بلای ایشان می‌کنند و امام هر آنچه از آن‌ها بخواهد، به طور رسا و کامل انجام می‌دهند، اطاعت از امر امام را سرلوحه کار خویش قرار دادند. مردانی که شب را نمی‌خوابند و در نمازشان پیوسته به یاد خدا هستند شب را به عبادت سپری کرده و صبح‌گاهان بر اسب‌های خود سوارند، راهبان شب و شیراز روزند، برافروخته و نورانی و آماده هستند، گویی در قلبشان چراغی روشن است، از خداوند بیمناکند. آرزو می‌کنند در راه خدا کشته شوند و هدفشان، خونخواهی جدّ امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، حضرت حسین بن علی علیه السلام است. آنها یاوران حقیقی امام عجل الله تعالی فرجه الشریف هستند. معامله و تجارتشان با خدا است، مثل آنان مثل مردان خداپرستی است که هیچ امری از امر دنیا آنان را از سمت خدا غافل نکرده است. رَجَالٌ لَا تُلْهِهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَ إِقَامِ الصَّلَاةِ وَ إِيْتَاءِ الزَّكَاةِ يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَ الْأَبْصَارُ. مردانی که، نه تجارت و نه معامله‌ها آنان را از یاد خدا و برپاداشتن نماز و ادای زکات غافل نمی‌کند. آن‌ها از روزی می‌ترسند که در آن،

دل‌ها و چشم‌ها زیر و رو می‌شود.^۱

در میان همهٔ ادیان و مذاهب تنها مذهب تشیع، مذهبی زنده است زیرا شیعه، همواره نظر به آینده دارد، برخلاف پیروان دیگر ادیان و مذاهب که به گذشته نظر دارند.^۲

روزی فلاسفه قافله سالار این کاوش بوده‌اند، روزگاری کلام و عرفان.

اکنون رهاورد تاریخی و حدیثی مورد توجه قرار گرفته است. تاریخ که از پیچیده‌ترین و در عین حال شورانگیزترین علوم است در تار و پود خود آمیزه‌ای از اندیشه و خرد و عشق و شور و نشاط پرورانده است. انگیزه‌ای شد برای رسیدن به کسب معرفت بیشتر تا آوای خوش و دلنشین آن امام که مقامات بی‌شمار دارد، به اذنش گوش جان به همهٔ نغمه‌های عاشقانه‌اش بسپاریم و این بار عطر امامت را از مأوای وجودمان استشمام می‌نماییم.

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف که سخن گفتن از ایشان مشخص نمودن از موضوعی دینی و اعتقادی و تاریخی مستند است دارای نهایت اهمیت برای جامعه بشری دارد.

با توجه به اینکه وعدهٔ آمدن منجی، در تمامی ادیان الهی به نحوی خاص اعلام شده است. بنابراین وظیفهٔ انسانی، انسان‌ها است از این حقیقت که از مهم‌ترین اصول می‌باشد، به سادگی نگذرند.

شناختن امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را بر خود امری واجب دانستم. زیرا بدون تردید ایشان حقی برگردن همهٔ ما دارد. خداوند

۱. نور / ۳۷.

۲. کربن، تاریخ فلسفه اسلامی، ۱۳۷۲.

معرفتشان را مُتَمَّم دین ما و اعتقاد به ایشان را مکمل یقین ما و انتظار فرجش را بهترین اعمال ما قرار داده است.

پژوهش حاضر تنها مقدمه‌ای است برای شناخت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نگرشی تحلیلی است در پی سبک روش شناختی و واقع‌گرایانه، و هدف آن تحقق آگاهی فرد و خواننده از مؤلفه‌های زیبایی شناختی امامت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌باشد به همین دلیل رویکرد علمی و ساختارگرایانه را در بررسی آن به کار بسته‌ایم به منابع متعدد مراجعه کردیم تا آن زیبایی‌شگرف را پی ببریم. ولادت امام دوازدهم شیعه عجل الله تعالی فرجه الشریف با توجه بر مخفیانه به دنیا آمدنشان که بی‌شبهت به ولادت حضرت موسی علیه السلام نیست. سبب سؤالات فراوانی برای جهانیان شده است. امام مهدی علیه السلام در نیمه شعبان دویست و پنجاه و پنج قمری در سامرا در حالی که مأموران خلیفه عباسی تمام وقایع خانه پدر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، حضرت امام عسکری علیه السلام را زیر نظر داشتند، در کمال امنیت از بانویی به نام حضرت نرجس علیها السلام قدم به جهان هستی گذاشتند.

در سال دویست و شصت قمری به دنبال شهادت پدر بزرگوارشان، همچون دو پیامبر الهی حضرت عیسی علیه السلام و حضرت یحیی علیه السلام که در کودکی عهده‌دار نبوت شده بودند. در پنج سالگی مذهب امامت شیعیان را عهده‌دار شدند. سپس غیبت امام عجل الله تعالی فرجه الشریف که به عنوان رهبری امت بودند، از بزرگترین امتحان‌ها و آزمایش‌هایی شد که تا عصر حاضر برای امت اسلامی به صورت عام و برای اتباع اهل بیت علیهم السلام به صورت خاص نمایان شد. وقتی مسأله‌ای تا این حد

استمرار پیدا نماید، طبیعی است با این وسعت در معرض انواع آسیب‌ها قرار گیرد. و اگر تهاجمات سیاستمداران بر آن افزوده شود، حتی برای اهل تفکر و تأمل نیز دشوار خواهد شد.

و همان‌طور که در فصول مختلف کتاب حاضر به آن می‌پردازیم از ولادت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف جز چند تن از یاران خاص امام حسن عسکری علیه السلام پدر ایشان کسی امام دوازدهم را مشاهده نکرد. ایشان همان منجی آخرالزمان و مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف است. امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به اذن پروردگار عمری طولانی دارند و دورانی از عمرشان را در غیبت صغری و سپس در غیبت کبری در حال زندگی می‌باشند. و سرانجام طبق روایات و آیات قرآنی و منابع تاریخی - حدیثی، ظهور و قیام می‌کنند و به عدل و برجهانیان حکومت خواهند کرد.

توقعیاتی که منصوب به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است که عموماً خطاب به شیعیان نوشته می‌شد و توسط نائبان خاص به اطلاع مردم می‌رسید، که موجب تثبیت بعد از تشکیک در باور مردم در مذهب تشیع شد. پس از به دنیا آمدن امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در دویست و پنجاه و پنج، که حدود دوازده قرن از آن تاریخ می‌گذرد. این‌طور به نظر می‌رسد این طول عمر، همسان با طول عمر عادی انسان‌ها نباشد. اما ایشان حاضرند و در بین مردم هستند دارای جسمند با مردمند لیکن مردم ایشان را نمی‌شناسند مانند هزاران غریبه‌ای که نمی‌شناسیم. و خداوند اگر بخواهد کاری را انجام دهد، قدرت آن را دارد و کافی است اراده الهی به امری تعلق گیرد تا آن کار انجام شود. در قرآن کریم می‌خوانیم که اگر خدا بخواهد امری ایجاد

شود، به او می‌گویید باش، پس به وجود می‌آید: *كُنْ فَيَكُونُ* پس هیچ چیز عجیب نیست که خداوند بخواهد حجتش را زنده‌نگه دارد و این کار را انجام دهد. زیست‌شناسان بر این باورند، اختلالات و آسیب‌هایی که به انسان می‌رسد و موجب کوتاهی عمر او می‌شود اگر رفع گردد، عمر او به سیصد - چهارصد سال می‌رسد. اینکه فردی شصت، هفتاد سال عمر می‌کند، بر اثر آن است که عضوی از او فرسوده شده و به عضوهای دیگر سرایت می‌کند. براساس نظر دانشمندان، پیری جز فرسوده شدن سلول‌های بدن نیست و اگر روزی بشر بتواند سلول‌های بدن انسان را جوان‌نگه دارد، خواهد توانست به راز طول عمر دست یابد و از عمری دراز برخوردار گردد. از نظر دانش جدید، جسم انسان برای سالیانی دراز، دارای قابلیت حیات و بقاء است. و همه‌ی بافت‌های اصلی در جسم انسان تا بی‌نهایت قابلیت دارد و از این جهت کاملاً ممکن است که انسانی هزاران سال زنده بماند. البته مشروط به اینکه عوارضی بر او عارض نشود که ریسمان حیات او را پاره کند.^۱

حکما و فلاسفه هم نیز بر این باورند بهترین دلیل بر امکان هر چیزی واقع شدن آن چیز است همین که طول عمر در میان پیشینیان تاریخ روی داده و تاریخ، افراد زیادی را ثبت کرده است که عمری طولانی داشته‌اند، خود دلیل روشنی است بر اینکه طول عمر، از دیدگاه عقل، امری ممکن باشد. بنابراین طول عمر امام مهدی *عجل الله تعالی فرجه الشریف* امکان‌پذیر است. علامه طباطبایی هم معتقدند، هیچ قاعده و برهان عقلی وجود ندارد که بر محال بودن طول عمر دلالت کند به

۱. منتخب الاثر، ص ۲۸۱.

همین جهت نمی‌توانیم، طول عمر را انکار کنیم^۱ که براساس بررسی‌های مختلف در علم زیست‌شناسی، بر این باور رسیدیم که زیست‌شناسان عمر زیاد را برای انسان ممکن می‌دانند. و دانشمندان نقل می‌کنند که از نظر علم زیست‌شناسی انسان می‌تواند تا بالای هزاران سال عمر کند.

غیر از عمر طبیعی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، در تورات، در تورات فعلی، در سفر تکوین^۲ افرادی از پیغمبران و دیگران را نام برده و عمرهای طولانی هر یک را - که متجاوز از چهارصد تا نهصد سال بوده به صراحت بیان داشته است. و در ادیان باستانی دیگر (زرتشتی و بودایی) نیز از عمرهای طولانی جمعی از افراد بشر خبر داده شده است که همه قائل به طول عمر، بلکه بقای حیات اشخاص تا این زمان هستند. و در انجیل و قرآن، با توجه به نصوص معتبر روایی و آیات مستندات قرآنی، آمده است همان خدایی که آتش را برای ابراهیم علیه السلام سرد و وسیله سلامتی قرار می‌دهد، عیسی علیه السلام و خضر علیه السلام را پس از قرن‌ها زنده‌نگه می‌دارد، می‌تواند مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف را نیز با قدرت بی‌کران خود زنده‌نگه دارد. بدین ترتیب، حضرت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با قدرت الهی زنده است. در انجیل و قرآن از انسان‌هایی نام برده شده که عمری طولانی داشته‌اند. قرآن سال‌های دعوت نوح را نهصد و پنجاه سال می‌شمرد. اصحاب کهف - و بیدار شدنشان به اذن الهی.

از امام سجاد علیه السلام نقل شده است. قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف ما

۱. المیزان، ج ۱۲، ص ۵۲ - ۳۵.

۲. اصحاح ۵، ۹ و ۱۱.

سنت‌هایی از پیامبران دارد، سنت او از آدم و نوح علیهم‌السلام، طول عمر است. امام صادق علیه‌السلام نیز امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را به ابراهیم علیه‌السلام پیامبر یکتا پرست که از پیامبران اولوالعزم هستند تشبیه کرده‌اند که ایشان صد و بیست سال عمر کرد ولی همچون جوانی سی ساله به نظر می‌رسیدند. و از امام حسن علیه‌السلام نیز نقل شده است، که خداوند عمر نهمین فرزند برادرم حسین علیه‌السلام را طولانی می‌کند سپس با قدرت خویش ایشان را در صورت جوانی با سن کمتر از چهل سال، ظاهر می‌کند.

اینک ۱۱۸۴ سال عاشقانه از زمان تولد تنها عاشق، عشق به پروردگار می‌گذرد. همان که از روی عشقی ناب، روزها، ساعت‌ها، دقیقه‌ها، ثانیه‌ها را صبر کرده است برای قرار عاشقی‌اش. او که ۱۱۸۴ سال عاشقانه، منتظر است تا کوچه‌های دلتنگی را لبریز کند با نسیم شادی بخش شاپرک‌ها، چتری باشد برای دلخوشی شمعدانی‌ها. هزار و این همه سال است که خنده‌ای بر لبانت نیامده. هزار و این همه سال است که در حسرت بهار آمدنت نشسته‌ای! و چه جانانه و عاشق، برای این عاشقی، عاشقانه‌ای زیبا سروده‌ای.

هزار و این همه سال است، پرستوها را نظاره گر بوده‌ای که چگونه از سرزمین وجودشان کوچ می‌کنند! و هزار و این همه سال است که معلوم می‌شود عاشق زنده بر روی این زمین تنها شما هستی.

این کتاب به سه فصل تقسیم شده است که نهایت سعیمان را داشته‌ایم تا مسئله امامت را از منظر آیات قرآن کریم، احادیث مستند و روایات و منابع معتبر تاریخی به نحو احسن تبیین نماییم. فصل اول درباره زندگی نامه امام حسن عسکری علیه‌السلام تعلق داده شده است. و فصل

دوم درباره تاریخچه زندگانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و فصل سوم امامت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را از منظر برخی آیات قرآن کریم بررسی کرده‌ایم و همچنین برای به نگارش آوردن این کتاب تعداد زیادی از منابع دست اول کتابخانه‌های متعددی را مورد مطالعه و بررسی قرار داده‌ایم و برای تکمیل اطلاعات خود به سفرهای مختلفی پرداختیم. و کتابخانه‌های تخصصی زیادی همچون آستان قدس رضوی، مرحوم آیت الله مرعشی نجفی، ملی و مجلس و... و مطالعه متون اسناد و روایات تاریخی و حدیثی مخصوص مربوط به امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف را در طول مدت فراوانی مورد ارزیابی قرار داده‌ایم تا بتوانیم در توان خود به طور علمی و مستند هر آنچه که مربوط به امامت امام دوازدهم عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌باشد را در حوزه امامت ایشان به طور کامل و جامع انتقال دهیم. تا نکات مهم آن‌ها را مورد تحلیل قرار دهیم.

حال اگر در این کار توفیقی بوده است به فضل خداوند و علاقه اینجانب به غایت شریفی بوده است که به مدت هفت سال به آن مشغول بوده‌ام.

توفیق از اوست

راحله رستمی

چهارم شعبان المعظم ۱۴۳۵

فصل اول

زندگی نامہ امام حسن عسکری علیہ السلام

۱ - ۲ - ولادت امام حسن عسکری علیه السلام

امام حسن عسکری علیه السلام تنها بیست و هشت بهار را پشت سر گذاشتند. ایشان بیست و دو سال از دوران زندگی شان را با پدر بزرگوارشان امام هادی علیه السلام سپری کردند، سپس با شهادت ایشان در سال ۲۵۴ به امامت رسیدند. امامت ایشان شش سال بیشتر به طول نینجامید. در این زمان کوتاه حوادث مهمی رخ داد. اهمیت دوران امامت ایشان زمانی که به مسئله غیبت و اهمیت آن پی ببریم، آشکار می شود. زیرا آن حضرت در این مدت کوتاه، مقدمات لازم را برای انتقال شیعه از مرحله حضور به مرحله غیبت فراهم کردند.

مشهور است ولادت یازدهمین امام شیعه، حضرت امام حسن عسکری علیه السلام جمعه هشتم ربیع الثانی سال ۲۳۲ در مدینه است، در تعیین روز آن اختلاف نظر وجود دارد. زیرا برخی دهم و برخی دیگر شب چهارم ربیع الثانی را ذکر کرده اند. آمده است از دختری ایرانی یا ترک که سوسن نامیده می شد، پسری پا به خاندان نبوت نهاد و وی را

حسن نامیدند. مادر آن گرامی که حدیثه - سلیل و نیز جده می گفتند در نهایت پارسایی و تقوی بود. ایشان « کانت من العارفات الصالحات » از بانوان عارفه و صالحه بودند. هنگامی که این بانو بر امام هادی علیه السلام وارد شدند امام فرمودند: « حدیثه از هر آفت بیرون کشیده شد و بعد به او فرمود زود است که حق تعالی به تو حجت خود را بر خلق عطا فرماید که پر کند زمین را از عدل، همچنان که پر شده باشد از جور. آنگاه همسر امام هادی علیه السلام به امام حسن عسکری علیه السلام باردار شد و ایشان در مدینه متولد شدند.^۱ از مشهورترین القاب امام حسن عسکری علیه السلام نقی و زکی^۲ و کنیه اش ابو محمد است. از آنجا که حضرت به دستور خلیفه عباسی در سامرا در محله عسکر سکونت اجباری داشتند به همین جهت عسکری نامیده شدند.^۳ از برترین دلایل نقلی امامت امام یازدهم علیه السلام روایات امام هادی علیه السلام است که به دو دسته تقسیم شده است.

دسته نخست، روایاتی که امام هادی علیه السلام در پاسخ به اطرافیان مبنی بر معرفی امام بعدی برای رفع تصور اشتباه مردم که محمد، فرزند دیگرشان را امام بعدی می دانستند، امام حسن عسکری علیه السلام را به عنوان امام یازدهم، به شیعیان معرفی کردند.

دسته دوم، روایاتی که شامل وصایا، مکتوبات و سفارش های امام هادی علیه السلام است که در آن امام عسکری علیه السلام را به عنوان امام بعدی معرفی کرده اند. درباره امامت رسیدن امام عسکری علیه السلام آمده است که امام

۱. مجلسی، بحار الانوار، ۲۳۶: ۱۴۰۳ ق.

۲. طبری، دلائل الامامة، ۲۲۳: ۱۳۸۳ ق.

۳. صدوق، علل الشرايع، ۲۳۰: ۱۴۰۸ ق.

هادی علیه السلام چهار پسر داشتند. بزرگ‌ترین فرزندشان ابو جعفر محمد بن علی بود و در سر رسیدن به امامت را می‌پروراند. اما مقدرات الهی اینگونه رقم زده شد که در حیات پدر رخت از این جهان بر بندد و باروند این جریان، اصحاب امام این حادثه را به مرگ اسماعیل، فرزند بزرگ امام صادق علیه السلام تشبیه نمودند؛ گمانه زنی‌های مردم این چنین جلوه می‌کرد که او امام هفتم خواهد بود! ولی مرگ نابهنگام او، این گمان را باطل کرد و امام هفتم شیعه اثنی عشر، امام کاظم علیه السلام را به مردم شناسانید.^۱ در بصائر الدرجات به سندش از علی بن عبدالله بن مروان بدین شرح آمده است که در موقع وفات ابو جعفر فرزند ابوالحسن الهادی علیه السلام حاضر بودم هنگامی که ابوالحسن علیه السلام آمد، برای ایشان احترام نمودند و ابو محمد عسکری علیه السلام در کناری ایستاده بود. تا اینکه امام ابوالحسن هادی علیه السلام به ایشان فرمودند: «یا بنی احدث الله شکرا فقد احدث فیک امرا». پسرم به درگاه پروردگار سجده شکر بگذار زیرا در سرنوشت تو تقدیر تازه‌ای پدید آمده است. در یافتیم این جوان فرزند امام علیه السلام است. ایشان که به خاطر شرایط حزن پیش آمده، خاطری پریشان داشتند تا این سخن را از پدر شنیدند گریه کنان فرمودند: «انا لله و انا الیه راجعون الحمد لله رب العالمین و ایاه اسئل تمام النعمة علینا» ما که سخت مشتاق بودیم این ذات گرانمایه را بشناسیم، نامش را پرسیدم، گفته شد: ابو محمد حسن بن علی هادی علیه السلام.^۲ درباره امامت امام عسکری علیه السلام، امام هادی علیه السلام بر این باور بودند که تمامی فضایل و مکارم از قبیل علم، عصمت، زهد، کمال در

۱. قمی، منتهی الامال، ۴۴۹: ۱۳۷۱ ق.

۲. فروخ الصفار، ۹۲: ۱۴۰۴، حدیث ۱۳.

عقلانیت و تدبیر در امام عسکری علیه السلام جمع شده بود. ایشان شایسته ترین فرد در زمان خویش برای تصرّی مقام امامت بودند.^۱ در همین راستا امام هادی علیه السلام در یکی از نامه های خود به ابوبکر فهفکی اشاره می کند که شایسته ترین فرد در میان آل محمد، فرزندم حسن (ابومحمد) است. او خلیفه پس از من است و امر امامت بعد از من به او منتهی می شود پس از من هر آنچه را که نیاز داری از او بپرس.^۲

شیخ صدوق از صقربن دلف این چنین روایت می کند:

«شنیدم ابا جعفر محمدبن علی جواد علیه السلام می فرماید: امام بعد از من فرزندم علی است. امر او امر من است و قول او قول من و طاعت او طاعت من است. امامت بعد از او به فرزندش حسن علیه السلام است. که امر او امر پدرش و طاعت او طاعت پدرانش است تا به آخر».

و نیز آورده است:

«ابوهاشم داودبن القاسم جعفری که شنیدم ابوالحسن هادی علیه السلام می فرماید: خلف بعد از من فرزندم حسن است. پس چگونه خواهد بود برای شما از خلف بعد از خلف؟ پس گفتم بعد از حسن علیه السلام به چه شکل آوریم نام ایشان را؟ فرمودند: چون شما شخص او را نمی بینید برای شما ذکر اسم او جایز نیست عرضه داشتیم چگونه او را ذکر کنیم؟ فرمود: بگوئید: حجت از آل محمد صلوات الله علیهم».^۳

۱. حلی، ۵۳۹: ۱۴۲۲ ق.

۲. اربلی، ۹۱۲: ۱۴۰۵ ق.

۳. صدوق، علل الشرایع، ۳۷۸: ۱۴۰۸ ق.

۲ - ۲ - فعالیت‌های امام عسکری علیه السلام

باتوجه به مطالبی که در ادامه مطرح خواهد شد، امام عسکری علیه السلام با وجود شرایطی که حکومت وقت آن زمان برای ایشان ایجاد کرده بود سلسله فعالیت‌هایی در جهت حفظ اسلام و مبارزه با افکار ضد اسلامی انجام می‌دادند که می‌توان بطور خلاصه بیان کرد. کوشش‌های علمی، ایجاد شبکه ارتباطی با شیعیان، فعالیت‌های سری سیاسی، تقویت و توجیه سیاسی رجال و عناصر مهم شیعه و فراهم آمدن بستری مناسب برای شیعیان در امر غیبت، کوشش‌های علمی.

امام عسکری علیه السلام باتوجه به محدودیت‌هایی که حکومت عباسی فراهم کرده بود، موفق به گسترش معارف دامنه‌دار خود در سطح کلی نشدند؛ اما باتوجه به اوضاع وقت آن روز شاگردانی تربیت کردند که هر کدام به سهم خود در نشر و گسترش معارف اسلامی نقش مؤثری داشتند. همچنین مصائبی که برای مسلمانان پیش می‌آمد، تنها حضرت بود که در پرتو علم امامت و تدابیر خاصه‌شان مشکل را حل می‌کردند. شیخ طوسی، تعداد شاگردان حضرت را متجاوز از صد نفر ثبت کرده‌اند زندگینامه آنان را می‌توان در کتب رجال مطالعه کرد.^۱

ایجاد شبکه ارتباطی با شیعیان

در زمان امام حسن عسکری علیه السلام تشیع در مناطق مختلف و شهرهای متعددی گسترش و شیعیان در نقاط فراوانی تمرکز یافته بودند. شهرها و مناطقی؛ مثل کوفه، بغداد، نیشابور، قم، خراسان، یمن، ری و سامرا از پایگاه‌های شیعیان بشمار می‌رفتند. در میان این مناطق سامرا، کوفه،

۱. طوسی، رجال، ۴۲۷: ۱۴۱۱ ق.

بغداد، قم و نیشابور از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود.^۱

گسترده‌گی و پراکندگی مراکز تجمع شیعیان و وجود سازمان ارتباطی منظمی را ایجاد کرد تا پیوند شیعیان را با حوزه امامت از یک طرف و ارتباط آنان را با یکدیگر از طرفی دیگر برقرار سازد، از این رهگذر آنان را از نظر دینی و سیاسی، رهبری و سازماندهی کند.

این نیاز از زمان امام جواد علیه السلام احساس شد و شبکه ارتباطی و کالت و نصب نمایندگان در مناطق گوناگون از آن زمان مورد اجرا گذاشته شد. در رأس سلسله مراتب و کلای امام، محمد بن عثمان عمری قرار داشت که وکلای دیگر، به وسیله او با امام در ارتباط بودند. عمری بعدها به وکالت از طرف حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف منصوب شد، در فصل آینده، به شرح ایشان خواهیم پرداخت.^۲

فعالیت‌های سری سیاسی

به نظر می‌رسد، امام حسن عسکری علیه السلام به رغم تمام محدودیت‌های موجود، فعالیت‌های سری سیاسی را رهبری می‌کرد که از چشم عوامل حکومت پنهان می‌ماند. به عنوان مثال، امام اسناد، نامه‌هایی که سری بودند را در میان چوب، جاسازی می‌کردند و برای عثمان بن سعید که از نزدیک‌ترین یاران امام بوده و برای بر ملا نشدن این مسئله زیر پوشش روغن فروشی فعالیت می‌کرد، می‌فرستادند. دیگر رجال داوود بن اسود که از خدمت‌گذاران امام بود و حضرت در پی آن بودند که هر کدام از یاران ایشان به بهترین شکل در این صراط گام

۱. المظفر، ۷۸: بی تا.

۲. طوسی، اختیار معرفة الرجال (رجال کشی)، ۵۳۲: بی تا.

بردارند تا دین و مسلمین به دلیل شرایط خفقان آن زمان در امان بمانند.^۱

تقویت و توجیه سیاسی رجال و عناصر مهم شیعه و فراهم آوردن بستری مناسب برای شیعیان در امر غیبت

از نکات مهم فعالیت های سیاسی امام عسکری علیه السلام تقویت و توجیه سیاسی رجال مهم شیعه در جهت حمایت از آرمان های بلند تشیع بود. نظارت و راهنمایی های حضرت بر آنان به نحوی بود تا بتوانند مسئولیت بزرگ اجتماعی - سیاسی و مسئولیت دینی خود را به شایستگی انجام دهند.

نمونه ی نامه ای که در این راستا، امام عسکری علیه السلام به فقهای شیعه ارسال داشتند و حضرت این چنین یادآوری فرمودند:

«صبر نمایید و منتظر فرج باشید که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرموده است برترین اعمال امت من انتظار فرج است.»

ایشان با قدردانی از عناصر مهم شیعه جرعه امید را در دل آنها پدید می آورد و آنان را برای تلاش هرچه بیشتر در راه گسترش فرهنگ شیعه امیدوارتر می ساختند. همچنین می فرمودند:

«شیعیان ما پیوسته در انتظار خواهند بود تا فرزندم (امام دوازدهم) ظاهر شود؛ همان کسی که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بشارت دادند زمین را از قسط و عدل پر خواهد ساخت همچنان که از ظلم و جور پر شده باشد.»^۲

۱. ابن شهر آشوب، ۴۲۷: ۱۴۱۲ ق.

۲. قمی، تنمة المنتهی فی وقایع ایام خلفاء، ۲۹۹: ۱۳۳۳ ق.

از آنجا که غائب شدن امام و رهبر هر جمعیتی یک امر نامانوس است و باور آن برای نوع مردم دشوار می‌باشد، اما برنامه بشرطوری پی‌ریزی شد که در پیرامون آن پیامبر اسلام ﷺ و امامان پیشین به تدریج مردم را با این موضوع آگاه ساخته و تفکر آنان را برای قبول این امر مهم آماده کردند.

۳ - ۲ - زندگی‌نامه همسر امام عسکری علیه السلام شاهزاده‌ی روم

به قدرت خدای متعال دختری از تبار پادشاه روم که روند جریان زندگی، ایشان را به سرزمین اسلامی و به شریف‌ترین خانواده‌هایی که از هرگونه گناه و پلیدی پاک بودند، وارد کرد. چنانچه قرآن کریم می‌فرماید:

﴿إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا﴾.

﴿خدا می‌خواهد که هرگونه پلیدی را از شما اهل بیت دور کند و شما را از هر عیب پاکیزه سازد﴾.^۱

در اینجا منظور آیه این است که هرکس منصوب به اهل بیت باشد مورد عنایت خداوند است، چنانچه بانو «ملیکا» که شاهزاده‌ای رومی بود توسط خداوند به اعتبار نائل شده و همسر امام حسن عسکری علیه السلام و مادر منجی عالم بشریت گردد.

برای بانو ملیکا اسامی مختلفی ذکر کرده‌اند نرجس خاتون علیها السلام، سوسن صیقل یا صقیل، حدیثه، حکیمه، ملیکه، ریحانه،

خَمَط. ^۱ مشهورترین اسامی ایشان نرجس خاتون علیها السلام می باشد (روایت شده از بشرین سلیمان نخاس (برده فروش) از نسل ابویوب انصاری از دوستان ابوالحسن علیه السلام و ابو محمد علیه السلام «در سُرْمَن رَای» همسایه آنها بود. گفت: «مولایم ابوالحسن علی بن محمد علیه السلام مسائل برده فروشی را به من آموخت و جز با اجازه ایشان خرید و فروش نمی کردم سعی در کناره گیری موارد شبهه می نمودم، با گذشت زمان معرفتم درباره آن کامل شد و فرق میان حلال و حرام رانیکو دانستم. تا اینکه در شبی مرا به دیدار امام عسکری علیه السلام دعوت کردند. آن حضرت فرمودند: «ای بشر تو از اولاد انصاری و این دوستی ما، مدام در میان شما بوده و این مهم را به میراث می برید. اکنون می خواهم تو را به سَری مطلع نمایم به خریدن کنیزی با مشخصات معلوم شده امر می نمایم». ^۲ حضرت نامه ای به خط و زبان رومی نوشتند با انگشتی خود بر آن مهر زدند و دو بیست و بیست اشرفی نزد من سپردند و فرمودند با این اشرفی ها به سوی بغداد روانه شو. پیش از ظهر در محلی به نام پل صُراه ^۳ سکنی می گزینی ^۴ از دور نظر انداز شخصی به نام عمر بن یزید نخاس را می بینی، در تمام روز همان جا باش، تا آن که کنیزی را رؤیت می نمایی از عفت و حیا سرآمد است. به نظر می رسد یکی از دلایل لقب بانو نرجس خاتون علیها السلام این است که یک شاهزاده به چه اندازه می تواند مقامی والا داشته باشد و

۱. خَمَط نوعی درخت که دارای میوه ای خوراکی است. خدای تعالی می فرماید: «ذَوَاتِی أُكُلُ خَمَطٍ» (سبا / ۱۵).

۲. طبرسی نوری، نجم الناقب، ۳۱ - ۲۶: ۱۴۱۵ ق.

۳. اسم دو نهر است در بغداد که عبارتند از صُراه کبری و صُراه صغری.

۴. حموی، ۱۵۴: ۱۳۹۹ ق.

در پوشش یک کنیز خود را در معرض اسارت قرار دهد و بپذیرد این مصائب را تحمل کند تا به وصال حقیقی و رضایت پروردگار دست یابد. این نیست مگر به لطف و توجه و عنایت خداوند چنانکه می‌فرماید:

﴿يَا أَيَّتُهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ اِرْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً﴾.^۱

﴿ای نفس آرمیده بازگرد به سوی پروردگارت خشنود و پسندیده﴾.

ایشان از شاخه‌ای از نفس مطمئنه‌ای برخوردار بودند که هدف اصلی و امیدشان رضایت و لقاء الله است. زیرا انسان‌های به معرفت رسیده خود را دارای مأموریتی الهی می‌دانند و گمشده‌ای دارند و به دنبال آن هستند تا به حد اعلای کمال در این راستا دست یابند. سپس امام هادی علیه السلام فرمودند: «وقتی کنیز را مشاهده نمودی، نزد عمرو بن یزید برده فروش برو و به او بگو: من نامه سر بسته‌ای از یکی از اشراف که به زبان و خط رومی که با سخاوت آن را نوشته است دارم، پس نامه را به کنیز ده تا در وصف گفتار آن تأمل نماید. اگر رضایت داشت اعلام کن من وکیل او هستم در خریدن آن کنیز از تو. بشر بن سلیمان گفت: تمام آنچه را که امام هادی علیه السلام به من امر فرموده بود درباره کنیز اجرا نمودم. کنیز به محض نظر نمودن در نامه، سخت بگریست و گفت به عمرو بن یزید که مرا به صاحب این نامه بفروش! پس از مدت زمانی و سختگیری‌هایی که با صاحب کنیز داشتم در امر بها، تا آن فرد با همان

دویست و بیست اشرفی راضی شد که مولایم با من روانه نموده بود، زرها را دادم و کنیز را تسلیم گرفتم. آن کنیز با اراداتی که به بیانات نامه نشان دادند، رفتارشان برای من مثل کسی بود که به یقین رسیده بود. گویا سالهاست از آشنایی شان با امام می گذرد. من از روی تعجب گفتم! نامه ای را بر دیدگانت می نهی که صاحبش را نمی شناسی؟ و این مسئله سبب شد تا بانو نرجس خاتون علیها السلام زندگی خود را اینگونه برایم شرح دهد.^۱ «من ملیکا! دختر یشوعای فرزند قیصر پادشاه روم هستم. مادرم از فرزندان شمعون وصی حضرت عیسی علیه السلام بود. هنگامی که سیزده ساله بودم جدم خواست مرا به عقد برادرزاده خود درآورد، دستور داد تا بهترین تشریفات را برای این مراسم رقم زنند. تختی فرمود از خزانه قصر بیرون آورند که در ایام پادشاهی خود به انواع جواهرهای قیمتی مَرصَع گردانیده بود بر جایگاهی بلند قرار دادند. آنگاه برادرزاده خود را روی تخت نشانید. کشیش ها به دعا برخاستند و انجیل ها را گشودند تا بخوانند. کاخ به لرزه در آمد. تخت پادشاهی واژگون شد. جدم از این پیشامد فال بد زد و به کشیشان اشاره کرد: این تخت را بار دیگر برپا کنید برادر دیگر را بیاورید تا دختر را به او تزویج کنیم، چون چنین نمودند آن برادر دیگر را بر بالای تخت نشانیدند، همین که شروع به خواندن انجیل نمودند این بار هم تخت از لرزه قصر، سرنگون شد. در همان لحظه حاضرین همه اندوهگین و متفرق شدند. اما سَرّ این کار را ندانستند که این از حکمت پروردگار و سعادت بندگی است.^۲ در آن

۱. طبرسی نوری، نجم الثاقب، ۳۳ - ۳۲: ۱۴۱۵ ق.

۲. طوسی، الغیبه، ۲۰۹: ۱۴۱۱ ق.

شب به خواب رفتم، در عالم رؤیا دیدم حضرت مسیح علیه السلام با حواریین جمع شدند و منبری نصب نمودند و در همان موضع قرار دادند که جدم، تخت را گذاشته بود. در آن وقت حضرت رسالت صلی الله علیه و آله با وصی و دامادش علی بن ابی طالب علیه السلام با جمعی از امامان فرزندان ایشان قصر را منور ساختند. در این میان حضرت مسیح علیه السلام از روی ادب به استقبال خاتم الانبیا صلی الله علیه و آله به مَقَدَم ایشان شرفیاب شد. پس حضرت رسالت صلی الله علیه و آله فرمودند: یا روح الله! آمده‌ام که ملکه فرزند وصی تو شمعون الصفا را برای این فرزند سعادت‌مند خود حضرت عسکری علیه السلام خواستگاری نمایم. حضرت عیسی علیه السلام نظر افکند به سوی شمعون و فرمود شرف دو جهانی به تو رو آورده. با پیوند دُخت تو با نسل محمدی صلی الله علیه و آله. سپس در عالم رؤیا می‌دیدم همگی بر آن منبر برآمدند و حضرت رسول صلی الله علیه و آله خطبه‌ای انشاء نمودند و به همراه حضرت مسیح علیه السلام مرا با حضرت عسکری علیه السلام عقد بستند و فرزندان حضرت رسالت صلی الله علیه و آله با حواریین گواه بودند. وقتی از خواب برخوایم خواب را برای کسی تعریف ننمودم. این سر را در مأوای خود پنهان نمودم، تا جایی که شعاع خورشید حضرت عسکری علیه السلام هر روز مرا بی‌تاب‌تر از روز قبل می‌کرد. اما اطمینانی در قلبم طنین‌انداز شده بود که روزی خواب من تعبیر خواهد شد.^۱ بعد از چهار شب حضرت مریم علیه السلام که با حوریان بهشتی در خدمت بانوی عالمیان حضرت فاطمه زهرا علیه السلام بودند در خواب دیدم مریم علیه السلام رو به من فرمود: این خاتون مادر شوهر تو حضرت عسکری علیه السلام می‌باشد! تا ایشان را دیدم اشک از

۱. مجلسی، بحارلأنوار، ۱۱: ۱۴۰۳ ق.

دیدگانم جاری شد و شکوه کنان به ایشان عرض نمودم، پس چرا حضرت عسکری علیه السلام به دیدن من نمی آید؟ حضرت فاطمة الزهرا سیده النساء العالمین علیها السلام فرمودند: فرزند من چگونه به دیدن تو آید حال آنکه متوجه دین اسلام نیستی و پیرو مذهب نصاری هستی؟ این خواهر من مریم علیها السلام از دین توبه خداوند پناه می برد. اگر میل داری که حق تعالی و حضرت مسیح علیه السلام و مریم علیها السلام از تو خشنود گردند دین اسلام را اختیار نما، تا به زیارت حسن عسکری علیه السلام نائل شوی. گفتم از جان و دل حاضرم. در همین بین صدای بانویم را شنیدم که فرمودند، بگو: «اشهدان لا اله الا الله و اشهدان محمد رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم» و من نیز شهادتین را جاری نمودم. چون شب آینده رسید ابو محمد علیه السلام به خوابم آمد. خطاب به آن بزرگوار عرضه داشتم که ای محبوب من! شما که دلم را به محبت خویش اسیر و مجذوب گردانیدی، چرا از مفارقت جمال خود مرا چنین جفا دادی؟ امام علیه السلام فرمودند: دیر آمدن من نزد تو، نبود مگر برای آنکه به آیین ختمی مرتبت نبودی؟ حضرت در ادامه فرمودند: اکنون که مسلمان شده ای هر شب به ملاقات تو می آیم تا روزی که حق تعالی فراق ما را مبدل به وصال گرداند. ^۱ بدین ترتیب شبی نبود که ابو محمد عسکری علیه السلام را به خواب نبینم. تا اینکه حضرت در شبی از شب ها به من فرمودند: جدّ تو بزودی لشکری را به جنگ مسلمانان خواهد فرستاد و خود نیز فرماندهی لشکر را به عهده خواهد گرفت. لازم است به صورت کنیزان در آیی و بطور ناشناس با جمع کنیزکان از فلان راه بروی تا ما به تو برسیم. پس چنان کردم که دستور

فرموده بودند ناگاه طلیعة لشکر مسلمانان به ما بر خوردند، تا کارم به اینجا رسید به عنوان غنیمت نصیب برده فروش پیری به نام عمرو بن زید شدم که او نام مرا پرسید و من گفتم نام من نرجس خاتون رضی الله عنها است او گفت: این نام، نام کنیزان است! به صحبت ادامه نداده یکدفعه متوجه شدم که کشتی ما بر کناره پل فرات پهلو گرفت. تا حال کسی به غیر تو ندانسته من دختر پادشاه روم هستم. بشر گوید که: چون ایشان را به «سُرَّ مَنْ رَأَى» به خدمت حضرت امام علی النقی رضی الله عنه رسانیدم. آن حضرت اشاره به نرجس خاتون رضی الله عنها فرمودند می خواهم هدیه ای دهم تو را. کدامیک را ترجیح می دهی ده هزار درهم؟ یا مژده شرافت ابدی را؟ نرجس خاتون رضی الله عنها عرض نمودند: مژده شرف می خواهم. آن حضرت فرمودند: بشارت باد تو را به فرزندی که پادشاه شرق و غرب عالم شود و زمین را پر از عدل و داد نماید. پس از آنکه پر از ظلم و جور شده باشد. نرجس خاتون رضی الله عنها عرض نمود: این فرزند از چه کسی به وجود خواهد آمد؟ فرمودند: از آن کسی که حضرت رسالت صلی الله علیه و آله و سلم تو را برای او خواستگاری نمود. سپس امام رضی الله عنه از او پرسید: حضرت مسیح و وصی او، تو را به عقد که در آوردند؟ گفت به عقد فرزند شما، امام حسن عسکری رضی الله عنه. فرمود آیا او را می شناسی؟ گفت: از شبی که به دست حضرت زهرا رضی الله عنها مسلمان شدم. شبی نگذشته است که او به دیدن من نیامده باشد. حضرت، خادم خود کافور را طلبید و فرمود: برو خواهرم حکیمه رضی الله عنها را نزد من بخوان! چون حکیمه رضی الله عنها آمد، حضرت فرمود: ای خواهر این است آن دختری که در انتظار دیدار او بودی ایشان را ببر به خانه خود واجبات و سنت ها را به او بیاموز که او همسر حضرت امام حسن عسکری رضی الله عنه و مادر خاتم او صیاء مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

خواهد بود.^۱

به نظر می‌رسد، خداوند متعال در قرآن کریم به مسائل مهم از دیدگاه‌های مختلفی نگریسته است. معجزه، خواب و رؤیای صادقه و همچنین تمامی ابعاد زندگی انسان را تشریح نموده است. معجزه کاملاً با افسانه و خرافات تفاوت دارد. اینکه اگر اتفاقی خارج از چهار چوب نظام طبیعت رخ دهد و انسانی از درک آن تا حدی ناتوان باشد، مصداقی نمی‌شود که آن پدیده را افسانه و یا قصه بدانیم. به عنوان مثال مادر حضرت موسی علیه السلام و انداختن این نوزاد توسط مادرش در آب و به سلامت ماندن این پیامبر الهی. یا رفتن حضرت یونس علیه السلام داخل شکم ماهی و نجواهای پر از امید یونس علیه السلام با خدا پس از اعلام پشیمانی، در نتیجه به سلامت از شکم ماهی بیرون آمدن ایشان، جز از معجزه ساخته نیست. یا همان رؤیای نرجس خاتون علیها السلام و تقدیری که برای او در عالم خواب رقم خورد و وصال ایشان به حضرت عسکری علیه السلام خود نشانی از معجزه را برای تمامی عصرها جلوه گر می‌سازد. اگر ایمان به تمامی فصول قرآن داشته باشیم، قرآن خواب را از وسایل اخبار می‌داند.

خواب حضرت یوسف علیه السلام با رؤیایی از ستارگان شروع می‌شود و با تفسیر و تعبیر آن پایان می‌پذیرد. در میان رؤیا، خواب پادشاه بازگو می‌شود. رؤیای متعلق به حضرت یوسف بن یعقوب علیه السلام و دو جوانی که همراه با او وارد زندان شدند.^۲

۱. طبرسی نوری، نجم‌الثاقب، ۶۱ - ۵۵: ۱۴۱۵ ق.

۲. یوسف / ۴ / ۳۶ / ۳۷ / ۴۲.

رؤیای رسول الله ﷺ که حضرت در خواب دیدند، مردانی مانند حیواناتی روی منبر ایشان بالا و پایین می‌روند. رسول خدا ﷺ پس از این خواب اندوهگین شدند تا اینکه جبرئیل امین عَلَيْهِ السَّلَام همراه بانزول این آیه آمدند:

﴿وَمَا جَعَلْنَا الرُّؤْيَا الَّتِي أَرَيْنَاكَ إِلَّا فِتْنَةً لِلنَّاسِ وَالشَّجَرَةَ الْمَلْعُونَةَ فِي الْقُرْآنِ وَنُخَوِّفُهُمْ فَمَا يَزِيدُهُمْ إِلَّا طُغْيَانًا كَبِيرًا﴾^۱.

﴿رؤیایی که به تو نشان دادیم و درخت لعنت شده در قرآن را، فقط برای آزمایش نمودن مردم بود و ما آنان را می‌ترسانیم، ولی جز طغیانی بزرگ بر آنان چیزی نخواهد افزود﴾.

اگر بر این باور باشیم، رؤیا و جریان زندگی نرجس خاتون عَلَيْهَا السَّلَام در چهار چوب حرکت الهی رسالت قرار گیرد، انسجام در زندگی ایشان پدیدار می‌شود. قرآن نیز پر از شواهد درخشان در این باره است. برای نمونه، موسی عَلَيْهِ السَّلَام در چه شرایط سختی به دنیا آمد و چگونه مادر موسی عَلَيْهَا السَّلَام فرزند را به دریا سپرد. داستان حضرت مریم عَلَيْهَا السَّلَام و چگونگی تولد فرزندش عیسی عَلَيْهِ السَّلَام زیر شاخه درخت. زمانی که فرشته وحی شبیه به جوانی بر او جلوه کرد، مریم عَلَيْهَا السَّلَام از صحبت با او ممانعت نمود. زیرا مادران پیامبران وجودشان طنین‌انداز پاکی است. حضرت ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَام که در دل آتش افتاد اما به امر پروردگار آتش برایش برداً سلاماً شد.

﴿قُلْنَا يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَ سَلَامًا عَلٰى اِبْرَاهِيْمَ﴾.

﴿گفتیم: ای آتش! برای ابراهیم سرد و سلامت باش﴾.^۱

مسئله مهم ذبح اسماعیل علیه السلام جد رسول اکرم صلی الله علیه و آله بود. اما به امر پروردگار گوسفند ذبح شد. خداوند علت این رویداد را پایان انسان‌کشی اعلام کرد. وجود حضرت نبی اکرم محمد صلی الله علیه و آله که در هنگام هجرت با قتل فاصله‌ای نداشت. اما به اذن خدا میان ایشان و دشمنانشان چند تار عنکبوت مانع ریخته شدن خون پیامبر صلی الله علیه و آله شد. حال چه کسی می‌تواند بگوید این وقایع داستان و تخیل بشر است؟ آیا چون از درک ما خارج و با عقل ما سازگار نیست از حقیقت به دور است؟

به نظر می‌رسد، احوالات دختر پادشاه روم نرجس خاتون علیها السلام با مصائبی که متحمل شد حقیقتاً کمتر از مادران انبیاء گذشته نبوده است. رؤیای نرجس خاتون علیها السلام رؤیای صادقه‌ای بود، حتی می‌توان رؤیای ایشان را نوعی مکاشفه دانست. نبی اکرم صلی الله علیه و آله در عالم رؤیا از ایشان خواستگاری کردند و حضرت فاطمه زهرا علیها السلام کلمه شهادتین را به ایشان تسلیم فرمودند. نرجس خاتون علیها السلام اسلام آورد. آن بانوی بزرگوار هر شب پس از اسلام آوردنشان با امام عسکری علیه السلام ملاقات داشتند تا اینکه در شبی امام پیامی در خواب به نرجس خاتون علیها السلام دادند با این مضمون جد وی قیصر قصد پیکار با مسلمین را دارد. امام به وی فرمودند با خدمتکاران هم شکل شده و همراه بالشکر حرکت کنید تا ایشان از این طریق به شهرهای اسلامی برسند.

بحث ارتباط نرجس خاتون علیها السلام با امام عسکری علیه السلام نشان از شاهد و ناظر بودن امام علیه السلام است و این امر علنی می باشد. در اصول کافی این ویژگی امام علیه السلام به تشریح آمده است. در جایی با اشاره به درخواست دعا از طرف یکی از یاران امام رضا علیه السلام آمده است، «فردی از حضرت رضا علیه السلام تقاضای دعا دارد و گاه می بینیم امام علیه السلام در بیت خود نشسته اما از همه امور به اذن خدا آگاه است. علت آن روح با عظمتشان است که در امام علیه السلام نظاره گر شده». زمانی که امام رضا علیه السلام به امامت می رسند بین خدا و امام عمودی از نور قرار می گیرد. امام در آن عمود نور، نه فقط ظاهر بلکه اسرار عالم در ایشان تجلی می نماید. در تفاسیر طبق آیه قرآن آمده: «هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ»^۱.

اولین ایمان آورنده به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، علی بن ابیطالب بود و آخرین فردی که از ایشان جدا شد نیز امیرالمؤمنین علیه السلام بود. کسی که به وسیله خدمات و شمشیر ایشان دین ظاهر شد و باطن نبوت، علی علیه السلام است. اموری که به نرجس خاتون علیها السلام ابلاغ می شد از سوی امام عسکری علیه السلام بود. این امور تماماً تدبیر شده از سوی پروردگار عالمیان بود. در اینجائیکه اعتقاد به غیب مطرح است. از امام صادق علیه السلام درباره فرموده خدای عزوجل پرسیده شده است. «امام علیه السلام عن قول الله عزوجل: الم. ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ، هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ. الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ»^۲. فقال: المتقون شيعة علي علیه السلام و الغيب فهو الحجة الغائب، در علم این کتاب هیچ تردیدی نیست. روشنگر راه پرهیزکاران است. آنان که به غیب ایمان آورده اند.

۱. حدید / ۳.

۲. بقره / ۱ - ۲ - ۳.

مقیان، شیعیان علی علیه السلام هستند و غیب همان حجت غائب^۱ است».

۴ - ۲ - ولادت حضرت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

اخبار فراوانی از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم و هریک از امامان شیعه علیهم السلام درباره تولد و سایر ویژگی های امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نقل شده است. در واقع سالها پیش از تولد آن حضرت خصوصیات ایشان در کتب روایی و حدیثی ذکر شده بود، که حضرت از خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از فرزندان حضرت فاطمه علیها السلام و از نسل حسین بن علی علیه السلام هستند و با قیام جهانی و مهر و لطف خویش عدالت را در زمین می گسترانند. مورخان و محدثان، بانگه و ویژه خود به این مهم پرداخته اند. در همین راستا امام حسن عسکری علیه السلام با درایتی که داشتند، دشمن را متوجه نرجس خاتون علیها السلام مادر امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نکردند. زیرا اگر دشمن متوجه می شد، ایشان را می کشتند و از تولد امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف جلوگیری می کرد. به این سبب، جز اندکی از صدیقان و مخلصان حضرت از وجود مادر امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف اطلاع نیافتند.

﴿وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعَفُوا فِي الْأَرْضِ وَ
نَجْعَلَهُمْ أُمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ﴾.

﴿خداوند در این آیه می فرماید: ما می خواهیم به مستضعفان
زمین نعمت بخشیم و آنان را از پیشوایان و وارثان زمین قرار
دهیم﴾.^۲

۱. بحرانی، المَحَجَّة، ۱۶: ۱۴۱۳ ق.

۲. قصص / ۵.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام راجع به مژده آمدن امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می فرمایند:

«پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرمود: عمر جهان به پایان نمی رسد مگر آن که مردی از نسل حسین علیه السلام امور امت مرا در دست می گیرد و دنیا را پر از عدل می کند همچنان که پر از ظلم شده است»^۱.

در نهج البلاغه آمده است:

«دنیا همچون شتر چموشی که از دوشیدن شیرش جلوگیری می کند (و به سراغ بچه اش می رود) پس از چموشی به ما روی می آورد. لتعطفن الدنيا علينا عطف الضروس علی ولدها»^۲.

یکی از اصحاب محمد بن عبدالله این چنین نقل می کند: «چندی پس از شهادت حضرت عسکری علیه السلام به خدمت حکیمه علیها السلام دختر امام جواد علیه السلام رفتم تا از ایشان درباره حجت و امام پس از امام عسکری علیه السلام و از اختلافی که میان مردم بر اثر حیرت در این امر به وجود آمده بود، سؤال کنم. عرض کردم آیا حضرت عسکری علیه السلام را فرزندی است؟ فرمودند: اگر برای حضرت عسکری علیه السلام فرزندی نباشد پس حجت پس از وی کیست؟ به درستی که خدای تعالی خالی نمی گذارد زمین را از

۱. طبری، دلائل الامامة، ۲۴۰: ۱۳۸۳ ق.

۲. ابن ابی الحدید، حکمت ۲۰۵، ۲۹: ۱۳۸۷ ق لازم به یادآوری است که جماعتی از جمله طبری در کتاب دلائل الامامة، ۴۹۹: ۱۳۸۳ ق، صدوق، بابویه قمی در کمال الدین و تمام النعمة، ۴۲۶: ۱۴۰۵ ق طوسی در کتاب الغیبة، ۲۳۴: ۱۴۱۱ ق، مفید در کتاب الارشاد، ۳۵۱: ۱۴۱۳ ق کیفیت ولادت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را به سند صحیح از محمد بن عبدالله از حکیمه علیها السلام روایت می کنند.

حجت خویش. قرار نداده آن را در دو برادر بعد از حسن و حسین علیهما السلام پس از حسن و حسین علیهما السلام، امامت در دو برادر قرار نمی‌گیرد.^۱ بدین طریق بیان حکیمه علیها السلام امامت دروغین جعفر کذاب که پس از برادر خود در نظر داشت را نفی می‌کند. شیعه معتقد است که امام حسن عسکری علیه السلام به جز مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف فرزند دیگری نداشت. حسن بن علی العسکری علیه السلام به جزء صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف فرزند دیگری از خود، به جای نگذاشته است.^۲ به نظر می‌رسد با توجه به اهمیت موضوع امامت، بحث حدیث ثقلین از دیدگاه رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم که فریقین هم به تأیید آن پرداخته‌اند مناسب می‌باشد. حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم این چنین می‌فرمایند: «انی تارکم فیکم الثقلین کتاب الله و عترتی» این حدیث در منابع شیعه و اهل سنت همچنین صحیح ترمذی آورده شده است. «انی تارکم فیکم الثقلین» من ترک کننده هستم در میان شما امت. اما دو چیز گران بها کتاب الله و عترتی را در میان شما به امانت می‌گذارم. این قرآن ثقلی است ترک شده از طرف پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم و در جای دیگر بحث عترت مطرح شده است. یعنی حضرت فاطمه زهرا علیها السلام به عنوان عنصر اصلی و سیزده نفر، بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ثقل دوم است. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند اینجا هم تراز هم هستند و در ادامه فرمودند: «لَنْ یَفْتَرِقَا حَتَّى یَرِدَا الْحَوْضَ». این دو از هم جدا نمی‌شوند. در راستای این بحث احمد بن حنبل از ائمه فرقه چهارگانه اهل سنت در کتاب خود با عنوان مسند

۱. طبرسی نوری، نجم‌الناقب، ۶۲: ۱۴۱۵ ق.

۲. مفید، الارشاد، ۳۲۹: ۱۴۱۳ ق.

آورده است «از ابوسعید خدری از صحابه پیامبر حدیثی را تحت عنوان ثقلین که حضرت رسول اکرم ﷺ در این منبع به اهل سنت هم اشاره دارند به جدایی ناپذیر بودن کتاب الله و عترتی تا کید می کند. پس از شهادت امام حسن عسکری علیه السلام عده ای از اهل سنت بر این باور بودند حسن عسکری علیه السلام فرزند پسر ندارد. به نظر می رسد آن روزی که گفتند حسن عسکری علیه السلام پسر ندارد، پس قول پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که فرمودند «لن یفترقا» چه خواهد شد؟ اگر از قول رسول اکرم صلی الله علیه و آله مطلب را بسنجیم، موعود حتماً خواهد آمد چون اگر حسن عسکری علیه السلام جانشین بر حق نداشته باشند، از شهادت حسن عسکری علیه السلام از ۲۶۰ به بعد تا حال افتراق بین دو ثقل کتاب الله و عترتی ایجاد شده را چه کسی می توانست پُر کند، جز وجود امام غائب عجل الله تعالی فرجه الشریف. احمد بن حنبل از ائمه فرقه اهل سنت طبق اسناد خود تا کید بر جدا نشدن این مهم داشت. در مسند احمد است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: من بعد از خود دو جانشین نزد شما به جای می گذارم یکی کتاب خدا و دیگری اهل بیتم و این دو از هم جدا نمی شوند تا بر سر حوض بر من وارد شوند^۱ «اینها از هم جدا نمی شوند تا در حوض کوثر به هم رسند که دیدار اهل بیت کنار حوض کوثر با قرآن در کنار پیامبر صلی الله علیه و آله و همراه با وجود حجت است». در سنن ترمذی وارد شده است پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

انی تارك فيكم ما ان تمسكتم به لن تضلوا بعدى ، احدهما اعظم من الاخر، كتاب الله حبل ممدود من السما الى

۱. احمد بن حنبل، المسند، ۱۳۴: ۱۴۲۹ ق.

الارض و عترتی اهل بیتی، و لن یفترقا حتی یردا علی
الحوض فانظروا کیف تخلفونی فیهما.^۱

صدوق در کمال‌الدین از حکیمه علیها السلام دخت امام جواد علیه السلام نقل می‌فرماید: «من طبق دستور برادرم آن شاهزاده رومی را به خانه خود بردم و برای اینکه جاسوسان حکومتی از شخصیت ایشان مطلع نشوند همواره سعی می‌کردم مشخصات ایشان آشکار نشود. زیرا آینده پر اهمیت ایشان باعث می‌شد تا در هر شرایطی برای حفظ جان و موقعیت ایشان احساس مسؤولیت کنم. تا اینکه برادرزاده امام حسن عسکری علیه السلام به خانه ما آمدند و نظری طولانی همراه با تعجب به ایشان داشتند. گفتم: تو را چه به شگفت آورد از او؟ فرمود: زود است که بیرون آورد خداوند از او فرزندی که ارجمند است نزد خدای عزوجل و کسی است که پر نماید به اذن الله زمین را از عدل و داد، چنانچه پر شده باشد از جور و ظلم. گفتم او را به سوی تو بفرستم؟ فرمود: رخصت گیر در این امر از پدرم. جامه خود را پوشیدم و رفتم به منزل امام هادی علیه السلام پس سلام نمودم و بنشستم. ابتدا فرمود: ای حکیمه! بفرست نرجس خاتون علیها السلام را برای پسرم ابو محمد علیه السلام». ^۲ در ادامه حکیمه علیها السلام می‌فرماید: «بی درنگ برخاسته و به خانه برگشتم و نرجس خاتون علیها السلام را برای همسری امام عسکری علیه السلام آماده کردم». ^۳ زمانی نگذشته بود تا اینکه وجود برادر بزرگوارم امام هادی علیه السلام به شهادت رسید پس امام

۱. ترمذی، سنن، ۲۵۸: ۱۴۱۹ ق.

۲. صدوق، کمال‌الدین، ۴۲۷: ۱۴۰۵ ق.

۳. مجلسی، بحارالانوار، ۲۱: ۱۴۰۳ ق.

عسکری علیه السلام در امامت جانشین امام ایشان شد و من پیوسته به عادت مقرر زمان پدرشان به خدمت امام زمانم امام حسن عسکری علیه السلام می رسیدم و از آنان دلجویی می کردم. هر بار نرجس علیها السلام با مهربانی از من استقبال می کرد. هر وقت خدمت امام علیه السلام مشرف می شدم دعا می کردم که خداوند فرزندی به وی موهبت فرماید.^۱ پس روزی چون دست به دعا برداشتم حضرت امام حسن عسکری علیه السلام فرمودند: عمه جان! آگاه باش که آن را که دعا می فرمودی خداوند به من روزی نماید، عطا شده است از جانب پروردگارم.^۲ حکیمه علیها السلام فرمود: داخل شد بر من به جهت این بشارت، سرور شدیدی. آنگاه چشم خود را در میان کنیزان ابو محمد علیه السلام سیر دادم ندیدم کنیزی را که در او اثری از حمل باشد. حتی در نرجس خاتون علیها السلام! به همین جهت به امام حسن عسکری علیه السلام عرض نمودم: من اثری از بارداری در وی نمی بینم! حضرت تبسمی نموده و فرمودند: عمه جان! مثل نرجس خاتون علیها السلام مثل مادر حضرت موسی علیه السلام است که حمل در او ظاهر نشد و کسی آنرا ندانست تا زمان ولادتش زیرا فرعون زنهای آبستن را به ستوه در آورده بود.

امام علیه السلام فرمودند: «ما ائمه نیز در بطنها نیستیم بلکه در پهلوهای مادران می باشیم زیرا مائیم نورهای خدا که نمی رسد به آنها پلیدیها». ^۳ حکیمه علیها السلام اشاره به امام عسکری علیه السلام فرمودند: «به من وعده فرمودی آن جناب امشب متولد می شود. پس در چه وقت است؟ فرمود در وقت طلوع فجر، نیمه شعبان، سنه ۲۵۵ متولد می شود.

۱. طبرسی نوری، نجم الثاقب، ۶۴: ۱۴۱۵ ق.

۲. مسعودی، اثبات الوصیه الامام علی بن ابیطالب، ۲۵۷: ۱۴۱۷ ق.

۳. طبرسی نوری، ۶۰ - ۵۹: ۱۴۱۵ ق.

مولودی را که ما منتظر او بودیم. سپس امام علیه السلام از من تقاضا فرمودند: که عمه جان امشب را نزد ما افطار نما. چرا که امشب شب نیمه شعبان است و خداوند در امشب حجت را آشکار خواهد فرمود. وقتی نماز مغرب و عشا را به جا آوردم سپس من و نرجس خاتون علیهما السلام در یک اتاق افطار کردیم. چون نیمه شب فرا رسید برخاستم به نماز و همین که از نماز فارغ شدم نرجس خاتون علیهما السلام در خواب بود،^۱ ناگهان نرجس خاتون علیهما السلام از خواب برخاستند از اتاق بیرون رفته و وضو ساختند. آنگاه برگشته نماز شب را به جا آوردند. در این هنگام در دل من افتاد که فجر نزدیک است، برخاستم تا به افق بنگرم، دیدم که فجر اول طلوع کرده است. در دلم نسبت به وعده‌ای که حسن عسکری علیه السلام داده بود تردیدی پیدا شد حضرتش مرا از درون اطاق ندا داد که «تردید مکن!» وقتی نرجس خاتون علیهما السلام نمازش را قطع کرد نزدش رفتم و به او عرض کردم: از تولد فرزندی بزرگوار در امشب امری را حس می‌نمایی؟ فرمود آری عمه جان، امری بزرگ را می‌یابم. دست مرا در دست گرفته و به شدت فشرد. آنگاه نجوایی نمود و کلمه شهادت را بر زبان جاری ساخت. حضرت عسکری علیه السلام بانگ برآوردند که بروی ﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ﴾^۲ بخوان. به امر حضرت عمل نمودم همان گونه که من می‌خواندم جنین نیز از درون شکم مادر می‌خواند از آنچه می‌شنیدم شگفت زده شدم امام عسکری علیه السلام فرمودند از امر خدای عزوجل تعجب مکن؛ چرا که خدایی که زبان ما را در طفولیت به حکمت می‌گشاید در بزرگی ما را حجت خود در زمینش قرار می‌دهد. هنوز

۱. طوسی، الغیبة، ۲۳۵: ۱۴۱۱ ق.

۲. قدر / ۱.

سخن حضرت به پایان نرسیده بود که نرجس خاتون علیها السلام از نظرم غایب شد. گویا او را ندیدم و پرده‌ای میان من و او زده شد.^۱ وقتی اینطور مشاهده کردم شتابان نزد امام عسکری علیه السلام رفتم. امام فرمودند: ای عمه جان به جایگاه خود برو او را در جای خود خواهی یافت. مراجعت نمودم و دیدم که پرده برداشته شد و نرجس خاتون علیها السلام را در هاله‌ای از نور مشاهده نمودم و در آن هنگام ولی خدا را دیدم که به سجده افتاده بود. بر بازوی راست او نوشته بود: «وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَ زَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا: حق آمد و باطل از بین رفت یقیناً باطل از بین رفتنی است».^۲ در حالی که در سجده بود چنین فرمود: «اشهدان لا اله الا الله و ان جدی مُحَمَّدَ رَسُولِ الهِ وَاَنَّ ابی امیرالمؤمنین علیه السلام» آن گاه یک یک امامان را شمرد تا به خود رسید، پس فرمود: «اللَّهُمَّ أَنْجِزْ لِي مَا وَعَدْتَنِي وَ اَتِمِّمْ لِي امْرِي وَ ثَبِّتْ وَ طَاتِي وَ اَمَلَاءِ بِي الْاَرْضِ قِسْطًا وَ عَدْلًا. خداوندا وعده‌ام را تحقق بخش و امر (قیامم) را تمام گردان و گامم را استوار ساز و زمین را به (ظهورم) پراز عدل و داد کن».^۳ حکیمه علیها السلام گوید: طفل را در آغوش گرفتم و از اینکه در آن روز با شکوه افتخار نصیبم شده بود تا به عنوان اولین نفر شاهد تولد موعود باشم بسیار خرسند بودم. سپس امام عسکری علیه السلام به من فرمودند: عمه جان حجت خدا را نزد من آورید؟ موعود پس از آنکه در بالین پدر قرار گرفت، سلام بر حضرت رسالت صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام و جمیع امامان پدر بزرگوار خویش شمرد تا آن جناب بعد از آن امام

۱. صدوق، کمال‌الدین و تمام النعمة، ۴۳۱: ۱۴۰۵ ق.

۲. اسراء / ۸۱.

۳. مجلسی، بحارالانوار، ۲۰۵: ۱۴۰۳ ق.

عسکری علیه السلام فرمودند بخوان، ولی خدا عجل الله تعالی فرجه الشریف استعاذه نمودند از شیطان رجیم فرمودند:

﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَ نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ وَ نُمَكِّنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَ نُرِيَ فِرْعَوْنَ وَ هَامَانَ وَ جُنُودَهُمَا مِنْهُمْ مَا كَانُوا يَحْذَرُونَ﴾.

﴿به نام خداوند بخشنده مهربان. می خواهیم منت گذاریم بر جماعتی که ستمکاران، ایشان را در زمین ضعیف گردانیده اند و بگردانیم ایشان را پیشوایان دین و وارثان زمین و تمکین و استیلا بخشیم ایشان را در زمین و بنماییم به فرعون و هامان و لشکران ایشان از آنچه که حذر می کردند﴾.^۱

در شرایطی که دشمنان، وضعیت را برای امام حسن عسکری علیه السلام ناامن کردند. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف متولد شدند. با ولادت ایشان، امام عسکری علیه السلام به لحاظ سیاسی - اجتماعی با توجه به مسؤلیت این مسئله مهم حضرت بین دو امر خطیر در اذهان جامعه قرار گرفتند. بدین ترتیب امام حسن عسکری علیه السلام در اندیشه خویش چنین تدبیر کردند که اگر مسئله وجود ولادت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را اعلان کند چه می شود؟ و اگر کتمان و یا پنهان کند چه می شود؟^۲

۱. قصص / ۵ - ۶.

۲. طوسی، الغیبة، ۲۳۶: ۱۴۱۱ ق.

۱ - ۴ - ۲ - نتیجه‌ی اعلان ولادت

با متولد شدن امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و بیدار شدن دشمنان و آماده شدن برای کشتن ایشان برحسب ظاهر و معنی آن، این است که امام حسن عسکری علیه السلام بستر کشته شدن امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را فراهم نمودند که این امر با بحث اصلی امامت متضاد است. این مسئله باعث قطع خط امامت و مسدود شدن آیات قرآنی که به امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تأویل شده است می‌شود. همچنین احادیث بشارت‌دهنده به موعود که رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه معصومین علیهم السلام روایت کرده‌اند می‌شد کتمان ولادت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف باعث مشکلی بس بزرگ و مصیبت عقاید عظیمی می‌گشت. زیرا او امر الهی بر هر امامی واجب است که امام بعد از خودش را تصریح کند و در حد امکان به آنهایی که در مسیر اطاعت امر الهی هستند معرفی کند. امت اسلامی در خط صراط‌المستقیم از گزند حوادث، نابودی و گمراهی در امان باشند. امامان علیهم السلام طبق سنت اجداد گذشته به بیان پیرامون نص بر امام بعد از خودشان پرداختند. بدین طریق امام عسکری علیه السلام علی‌رغم جو پراکنده‌ی زمان خویش به این امر مهم توجه فرمودند.^۱

۲ - ۴ - ۲ - نتیجه کتمان ولادت

کتمان ولادت امام بسیار مهم است زیرا باعث تباه کردن مهم‌ترین اصول مذهب بود. همان‌طور که در حدیث متفق‌القول بین دو فرقه اهل

۱. بیهقی، ۱۵۶: ۱۴۱۶ ق.

سنت و شیعه آمده است. ^۱ کسی که بمیرد و امام زمانش را نشناسد به مرگ جاهلیت مرده است. ^۲ این مسئله به این معنی نیست که امام عسکری علیه السلام گروه بزرگ اسلامی را در حیرت قرار داده و باعث شده که در گمراهی و مرگ جاهلیت بمیرند؟ امام عسکری علیه السلام حد اعتدال را گرفتند نه اعلام عمومی و نه کتمان تام.

حضرت بعضی از شیعه هایشان را به ولادت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با خبر کردند. ایشان در حالی که مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف کودک بودند به آنها نشان دادند. محمد بن عثمان العمری می گوید: ابو محمد حسن عسکری علیه السلام فرزندش را به ما نشان داد و ما در منزل او حدود چهل مرد بودیم. سپس امام فرمودند: این امام شما بعد از من است و خلیفه من است بر شما است از او اطاعت کنید و در دینتان متفرق نشوید. اما شما از امروز به بعد ایشان را نمی بینید. ^۳ روایت شده است به سندی از جماعت شیعه، گفتند: «جمع شدیم ما نزد ابو محمد الحسن عسکری علیه السلام تا از او درباره حجت بعد از خودشان سؤال نماییم و در مجلس او چهل نفر مرد بودند. پس عثمان بن سعید عمری بلند شد و گفت: ای فرزند رسول خدا، می خواهیم از امری از شما سؤال کنیم. بهتر از همه می دانید؟ امام عسکری علیه السلام فرمودند: آمده اید از حجت بعد از من بپرسید جواب دادند، بلی. پس در آن موقع پسری که گویا پاره ای از ماه بود شبیه ترین مردم به ابو محمد علیه السلام آمد. حضرت فرمودند: به اذن پروردگار این امام شما بعد از من است. پس به نزد عثمان بن سعید رفته

۱. فُشیری، ۲۲: بی تا.

۲. حنبل شیبانی، ۱۰۶: بی تا.

۳. صدوق، کمال الدین، ۴۳۵: ۱۴۰۵ ق.

و از آنچه سؤال دارید از او پرسید در آنچه می‌گویید و گفته او را قبول
نمایید.^۱

۵ - ۲ - حکام معاصر امام عسکری علیه السلام

فشارها و محدودیت‌های زمان امام عسکری علیه السلام به گونه‌ای بود
که در زمان آن حضرت، شیعه به صورت قدرتی عظیم در عراق
درآمده بود. مردم می‌دانستند این گروه به خلفای وقت معترض بوده
و حکومت عباسیان را مشروع نمی‌دانند بلکه معتقد است امامت،
الهی و در فرزندان علی علیه السلام باقی است. در آن زمان شخصیت امام
عسکری علیه السلام نمونه بارز آن بود که در بطن اصلی تشیع نمایان شد.
خلفای عباسی روز نخست به نام حمایت از علویان و به عنوان
اخذ انتقام آنان از بنی‌امیه به پا خواستند آنچه را که پیش از آن به
مردم وعده داده بودند، چشم‌پوشی کردند. امام عسکری علیه السلام در
مدت امامت خویش با سه نفر از خلفای عباسی المعتز بالله (۲۵۲ -
۲۵۵)، المهتدی بالله (۲۵۵ - ۲۵۶)، المعتمد بالله (۲۵۶ - ۲۷۹) معاصر
بودند.

۱ - ۵ - ۲ - المعتز بالله

خلفای عباسی همواره امامان شیعه را در محدودیت قرار می‌دادند.
این فشارها در دوران محمد بن علی علیه السلام علی بن محمد علیه السلام و حسن بن
علی علیه السلام در سامرا به اوج خود رسید. تعقیب و مراقبت از امام دهم و
یازدهم به قدری بود که آنان را در میان لشکریان جای داده بودند و به

۱. طوسی، الغیبة، ۲۱۷: ۱۴۱۱ ق.

همین دلیل این دو امام را عسکریین لقب داده‌اند.^۱ زمان خلافت معتز چهار سال و شش ماه و چند روز بود، بعد از آن او را خلع و سپس جریانات کشته شدن او انجام شد.^۲ وی فرزند متوکل عباسی پس از برکناری المستعین بالله در سال ۲۵۲ زمام امور را به دست گرفت و راه پیشینیان را تعقیب کرد. پس از قتل متوکل عباسی، ترکان بر امور کشور مسلط شدند؛ به جای اینکه خلیفه فرمانده آنان باشد خلیفه را به زیر فرمان خود درآوردند. در این میان روزی مادر معتز به همراه گروهی از اطرافیان او اموالی را که از کشورها می‌رسید، تحویل می‌گرفتند و به خانه‌های خود می‌بردند. زمانی که لشکر مطالبه حقوق خود را می‌کردند در بیت‌المال مبلغی برای پرداخت حقوق آنان نبود، روشن شد اموال نزد آنها جمع شده است. سرانجام لشکر به معتز حمله برد. او را مجبور کردند که خودش را خلع کند، نامه خلعت را نوشتند. عذابش کردند تا اینکه او را کشتند.^۳

۱ - ۵ - ۲ - المهتدی بالله

همان‌طور که اشاره شد شرایط جامعه در زمان معتز و در زمان مهتدی به دوران امام عسکری علیه السلام آشفته بود. هنگام حکومت مهتدی امام عسکری علیه السلام به زندان فرستاده شدند. تا کشته شدن مهتدی امام علیه السلام در زندان به سر برد.^۴ ابواسحاق محمدبن واثق بن معتصم، معروف به

۱. مجلسی، بحار الانوار، ۱۱۳: ۱۴۰۳ ق.

۲. مسعودی، مروج الذهب، ۹۷: بی تا.

۳. ابن الطقطقا، ۲۴۰: ۱۳۸۶ ق.

۴. مسعودی، اثبات الوصیة، ۲۴۵: ۱۴۱۷ ق.

المهتدی بالله، چهاردهمین خلیفه عباسی است که به تخت خلافت تکیه زد. مهتدی بالله در چهل سالگی به خلافت رسید. وی پس از خلع معتز عباسی از سوی امیران ترک نژاد لباس خلافت پوشید.^۱ مهتدی در زمامداری خویش بر این پندار بود که در میان خلفای اموی حداقل یک فرد پا کدامن (عمر بن عبدالعزیز) وجود داشت. برای ما شرم آور است که در میان خلفای عباسی کسی شبیه او نباشد. از این رو به لحاظ ملاحظات اجتماعی - سیاسی سعی داشت به تقلید او برخی کارهایش را همچون خلیفه اموی انجام دهد.^۲ پافشاری امام حسن عسکری علیه السلام در راه حق و عدالت در زمان خلفای عباسی همواره موجب شدت عمل آنان نسبت به آن حضرت شد. از این رو آن حضرت را بارها زندانی کردند. پس از آنکه مردم با مهتدی بالله بیعت نمودند. او در پی این بود تا دست ترکان را از دربار کوتاه کند. کاری که پیشینیان او جرأت آنرا نداشتند. اما هنگام اجرای این سیاست مردم او را یاری نکردند و پیش از آنکه خلیفه فرصتی دیگر برای این کار به دست آورد به دست غلامان ترک کشته شد.^۳

۲ - ۵ - ۲ - المعتمد بالله

معتمد با اتفاق نظر مردم روی کار آمد. در زمان معتمد جنگ های داخلی از جمله خوارج و صاحب الزنج اتفاق افتاد. یعقوب لیث صفاری که در این زمان تمرد کرده بود دارای پیروان زیادی شده بود. در زمان

۱. خطیب بغدادی، ۱۱۷: ۱۴۱۷ ق.

۲. ابن اثیر، ۲۳۴: ۱۴۰۳ ق.

۳. ابن عساکر، ۳۱۳: بی تا.

حکومت او مردم امنیت نداشتند. اموال‌ها به سرقت می‌رفت و در آرامش نبودند به دلیل آشفتگی‌هایی که در زمان حکومت معتمد، مردم شاهد آنها بودند از او روی گردان شدند. زیرا معتمد مشغول عیاشی بود و آنچه برای او مطرح نبود، رسیدگی به امور مردم بود.^۱ مردم چشم امید به برادر او موفق بستند. موفق زمام امور را به دست گرفت. مورخان در باب اقتدار او در عصر معتمد می‌نویسند: «گرچه زمام خلافت به ظاهر در دست معتمد بود اما در واقع گرداننده خلافت موفق بود و برای معتمد از خلافت نامی بیش نبود.^۲ امام عسکری علیه السلام نیز در هشت ربیع‌الاول سال ۲۶۰^۳ به زهر معتمد عباسی به شهادت رسیدند.^۴ در سامرا^۵ کنار پدر بزرگوارشان امام هادی علیه السلام به خاک سپرده شدند.^۶ در این مدت امام عسکری علیه السلام قوای لازم را برای پیکر اصلی تشیع آماده ساخته بود و گواه قدرت شیعیان اعتراف عبیدالله وزیر معتمد عباسی به این موضوع است. توضیح این‌که پس از شهادت حضرت عسکری علیه السلام برادرش جعفر کذاب نزد عبیدالله رفت و گفت: «منصب برادرم را به من واگذار، من در برابر آن سالیانه بیست هزار دینار به تو می‌دهم.^۷ وزیر به او گفت: ای نادان! خلیفه آنقدر به روی

۱. سیوطی، تاریخ خلفا، ۳۶۷ - ۳۶۶: ۱۳۷۱ ق.

۲. ابراهیم حسن، ۳۷۸: ۱۳۶۰ ق.

۳. مفید، الارشاد، ۳۴۵: ۱۴۱۳ ق.

۴. مجلسی، جلاء‌العیون، ۹۹۸: ۱۳۸۲ ق.

۵. ابن شهر آشوب، ۴۵۵: ۱۴۱۲ ق.

۶. صدوق، کمال‌الدین، ۴۷۳: ۱۴۰۵ ق.

۷. امین، ۴۳: ۱۴۰۶ ق.

کسانی که پدر و برادر تو را امام می‌دانند، شمشیر کشید تا بلکه بتواند آنان را از این عقیده برگرداند. اما نتوانست و با تمام کوشش‌هایی که کرد توفیقی به دست نیاورد، اینک اگر تو در نظر شیعیان امام باشی نیازی به خلیفه و غیر خلیفه نداری و اگر در نظر آنان چنین مقامی نداشته باشی کوشش ما در این راه کوچک‌ترین فایده‌ای نخواهد داشت.^۱ برای این باوریم خاندان عباسی و پیروان آنان طبق روایات اخبار متواتر می‌دانستند مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف از بین برنده کلیه حکومت‌های خودکامه است و از نسل حضرت عسکری علیه السلام خواهد بود. از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیده بودند پیرامون امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف اینکه ایشان از دوازدهمین امامان اهل بیت است. اینک امام عسکری علیه السلام مسؤلیتی بس بزرگ بر دوش خود داشتند و آن هم بحث مهم امامت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بود. ایشان به این حقیقت تصریح دارند و از فضل بن شاذان نقل می‌کند: عبدالله بن حسین بن سعد کاتب برای ما حدیث کرد و گفت: «ابو محمد علیه السلام گفت دشمنان ما شمشیرهایشان را به دو علت برای ما کشیدند یکی، آنها می‌دانستند که حقی به خلافت ندارند و می‌ترسیدند که ما از آنها مطالبه کنیم. دوم اینکه، آنها از اخبار متواتره می‌دانستند که با تولد قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف، عمر حکومت آنها به پایان می‌رسد، زیرا او مانند علی علیه السلام، در تشکیل طرفدار حق، و عدالت به معنای حقیقی آن است. زیرا از منظر امام عجل الله تعالی فرجه الشریف قدرت برتر فرماندهی دلیل بر تشکیل حکومت نیست، بنابراین هر آنچه در توان داشتند مانع

فصل اول: زندگی نامه امام حسن عسکری علیه السلام □ ۶۳

از تولد امام عجل الله تعالی فرجه الشریف می شدند. پس خداوند متعال
نخواست که امرش برای هریک از آنها آشکار شود مگر اینکه نور خود
را تمام کند، گرچه کافران را خوش نیاید.^۱

۱. حرّ عاملی، اثبات الهداة، ۵۷۰: ۱۳۶۰ ق.

فصل دوم

تاریخچه زندگانی حضرت امام مهدی
عجل الله تعالی فرجه الشریف

۱ - ۳ - معرفی ولادت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف توسط
پدر بزرگوارشان امام عسکری علیه السلام

ولادت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

معرفی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف توسط پدر بزرگوارشان
وظیفه سخت و مهم بر دوش امام عسکری علیه السلام بود که با مسؤلیت ائمه
پیشین تفاوت بسیار داشت. امامان قبل از ایشان با توجه به شرایطشان
تنها به اهداف امام و نشانه‌های ظهورش اکتفا می‌کردند. اما امام
عسکری علیه السلام دو وظیفه بر عهده داشت اول، اثبات ولادت حضرت
مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف برای آیندگان و رفع شبهاتی که در این
امر مهم مطرح است. دوم، حفاظت از جان ایشان در برابر
حکومت‌های آن زمان و کوشش برای پنهان‌نگه داشتن ولادت حضرت
عجل الله تعالی فرجه الشریف که این دو وظیفه مهم به لحاظ اجتماعی با
یکدیگر در تعارض است، در حالی که وظیفه اول ایجاب می‌کند که
وجود ولادت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف اثبات و علنی شود.

وظیفهٔ دوم مستلزم آن است که وجودش پنهان بماند و اسرارش بر ملا نگردد.

با بررسی‌های انجام شده دربارهٔ زندگی ائمهٔ پیشین امر مهمی به این مضمون وارد نگردیده که دنیا را از عدل و داد پر خواهد ساخت و بر تمام جهان جزء دربارهٔ امام دوازدهم شیعیان عجل الله تعالی فرجه الشریف حکم خواهد راند. در اینجا موضع حکومت‌های آن زمان در قبال شخصیت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و همچنین ولادت ایشان چه از دیدگاه شیعه و سنی در این فصل از کتاب مورد بحث می‌باشد. امام عسکری علیه السلام به فضل و عنایت پروردگار توانست دیوار هراسی را که دشمنان دربارهٔ ولادت امام دوازدهم برآورده بودند، فرو ریزد. حضرت خبر این ولادت را به اطلاع شیعیان خاص و بستگان خود رسانیدند. این سبب شد ریشهٔ شک و تردید برای نسل‌های آینده از بین برود. محمد بن علی بن بلال^۱ اشاره می‌کند ابو محمد علیه السلام دو سال قبل از شهادت نامه‌ای به من فرستاد که در آن از جانشین خودش به من خبر داده بود.^۲ محمد بن عبدالجبار می‌گوید: به امام حسن عسکری علیه السلام عرض کردم، یا بن رسول الله دوست دارم بدانم که بعد از شما امام و حجت خدا در میان مردم کیست؟ فرمود: امام و حجت خدا بعد از من فرزندانم، هم نام رسول الله صلی الله علیه و آله است.^۳ با مطالعه و بررسی در روایات تاریخی امام عسکری علیه السلام به سبب مسؤلیت رهبری که بعد از پدرش

۱. طوسی، الغیبه، ۴۰۱: ۱۴۱۱ ق.

۲. کلینی، اصول کافی، ۳۸۹: ۱۴۱۳ ق.

۳. عاملی، اثبات الهداة، ۱۳۷: ۱۳۶۰ ق.

فصل دوم: تاریخچه زندگانی حضرت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه □ ۶۹

امام هادی علیه السلام بر عهده او بود با توجه به شرایط خفقان آن زمان پیوسته با اصحاب خود ارتباط داشت. دوازدهمین پیشوای شیعیان، امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، در نیمه شعبان سال ۲۵۵ در شهر سامرا، دیده به جهان گشود.^۱ در برخی مآخذ تاریخ تولد حضرت سال ۲۵۶ ضبط شده است.^۲ ابو جعفر محمد بن جریر بن رستم طبری تاریخ ولادت ایشان را سال ۲۵۷ می داند.^۳ ابو محمد فضل بن شاذان بعد از ولادت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و پیش از شهادت امام عسکری علیه السلام وفات کرده است. او می گوید: از محمد بن علی بن حمزه بن حسین بن عبدالله عباس بن علی ابی طالب این چنین گفت: مرا شنیدم از امام عسکری علیه السلام که متولد شد ولی خدا و حجت خدا بر بندگان خدا و خلیفه من بعد از من در شب نیمه شعبان سال ۲۵۵ نزدیک طلوع فجر اول کسی که او را شست رضوان خازن بهشت بود با جمعی از ملائکه مقربین که او را به آب کوثر و سلسبیل شستند. بعد از آن عمه من دختر محمد بن علی.^۴ امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف همانام پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم هم کنیه آن حضرت ابوالقاسم می باشند.^۵

حکیمه خاتون علیها السلام یکی از بانوان عالم اسلام و تشیع است که در یکی از برهه های حساس تاریخ، یعنی در آستانه میلاد حضرت مهدی

۱. مفید، الارشاد، ۳۴۶: ۱۴۱۳ ق.

۲. صدوق، کمال الدین، ۴۳۲: ۱۴۰۵ ق.

۳. طبری، دلائل الامامه، ۲۷۲ - ۲۷۱: ۱۳۸۳ ق.

۴. طبرسی نوری، نجم الثاقب، ۵۳: ۱۴۱۵ ق.

۵. (م ح م د)

۶. طبرسی، اعلام الوری باعلام الهدی، ۴۱۸: ۱۴۱۷ ق.

عجل الله تعالى فرجه الشريف زندگی می کرده‌اند. پرستاری و آموزش نرجس خاتون علیها السلام را به امر الهی عهده‌دار بود. و جزء اولین کسانی است که حضرت امام مهدی عجل الله تعالى فرجه الشريف را رؤیت کرده است و همچنین راوی ازدواج ایشان با امام عسکری علیه السلام و تولد حضرت امام مهدی عجل الله تعالى فرجه الشريف می باشد.

سیره حکیمه خاتون علیها السلام همچون منطق عملی زنان بزرگ تاریخ ساز در طول زندگی حیات بشر که منجر به نهضت های مهمی در ادامه روند تاریخی شان، دوشادوش مردان قهرمان تاریخ بوده است، ایشان هم به سهم خویش درخشیده است.

این دسته از زنان از میدان خودسازی گرفته تا ساختن نسلی شایسته و پدید آوردن جامعه و تمدن مطلوب، به منظور رسیدن به آرمان های والا گام برداشته‌اند. مطالعه زندگی این حماسه سازان، علاوه بر تبیین فضای دینی، اجتماعی و فرهنگی روزگار عصر خویش، نقش اساسی در شناخت و پدیدار کردن مسیر حق و حکمت الهی را نیز داشته‌اند.

این زنان هدفمند حق طلب سینه شان، سینای اسرار و مخزن سر الهی و تفکر و اندیشه شان، اندیشه همیشه پشتیبان مسیر حق بوده است.

حکیمه خاتون علیها السلام عمه امام مهدی عجل الله تعالى فرجه الشريف از جمله این بانوان در عصر خویش بوده است اسرار ولادت و جمال امام عجل الله تعالى فرجه الشريف را مشاهده کردند و سفیر و راوی جریان مهم تاریخی شدند.

با بررسی زندگی حکیمه خاتون علیها السلام رفت و آمدهایی که به امر امام عسکری علیه السلام به خانه ایشان داشتند. حکیمه خاتون علیها السلام علاوه بر ارتباط خانوادگی، امین خاندان نبوت بود مستجاب شدن دعایش برای

فصل دوم: تاریخچه زندگانی حضرت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه □ ۷۱

روزی فرزند به امام عسکری علیه السلام سپس آگاهی و خبر دادن امام علیه السلام به ایشان جهت ولادت امام عجل الله تعالی فرجه الشریف در شب مقرر ایمان به سخن امام علیه السلام و شب را در انتظار ولادت به سر آوردن.

دیدار پی در پی با امام عجل الله تعالی فرجه الشریف شناخت و بصیرت حکیمه خاتون علیه السلام هنگامی که محضر امامان معصوم علیهم السلام می رسید، نگهداشتن اسرار الهی نزد خویش، و پنهان کردن مطالب از نااهلان روزگار، نشان از معرفت این بانوی اندیشمند داشت.

حکیمه خاتون علیه السلام خواهر امام هادی علیه السلام عمه بزرگوار امام عسکری علیه السلام ماجرای ولادت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را چنین گزارش می دهد. روز پنجشنبه چهاردهم شعبان به خانه برادرزاده ام امام عسکری علیه السلام رفتم. او هنگام بازگشت به من فرمود: امشب را در همین جانزد ما بمان. زیرا امشب فرزندی که خداوند سراسر زمین را به علم و ایمان و هدایتش زنده گرداند متولد می شود.^۱ در تفسیر المیزان در ارتباط با این مطلب آمده است، خداوند در کلام الله مجید اشاره به آیه قرآن، می فرماید:

﴿قُلْ فَلِلَّهِ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ فَلَوْ شَاءَ لَهَدَاكُمْ أَجْمَعِينَ﴾^۲

﴿بگو: برهان رسا و روشن مخصوص خداست و اگر اراده می کرد شما را جملگی (به جبر) هدایت می نمود﴾.

وجود امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف همچون امامان معصوم علیهم السلام دیگر برای مردم حجت است. گرچه ایشان در سن کودکی

۱. اربلی، ۴۰۶: ۱۴۰۵ ق.

۲. انعام / ۱۴۹.

به امامت رسیدند، ولی همان طور که شئون امامت در سن ۶۵ سالگی در امام صادق علیه السلام شکل گرفته بود در امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز شئون امامت موج می زد. بلوغی که در وجود امام بود در فرد دیگری حتی با کهنولت سن هم نمی توان دید. حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف همان حجت بالغه ای هستند که قرآن می فرماید: ﴿فلو شاء لهداكنم﴾ اگر خدا بخواهد به اذن الهی از پرده غیبت کبری بیرون می آیند و همه مردم در سراسر زمین هدایت می شوند، به بلوغ آشکار می رسند. خانم حکیمه علیها السلام در ادامه می فرمایند، من آن شب را در محضر برادرزاده ام ماندم هنگامی که سپیده سحر دمید حالت اضطراب در وجود حضرت نرجس خاتون علیها السلام پیدا شد. او را در برگرفتم. امام عسکری علیه السلام فرمود: «سورة قدر را بخوان. مشغول خواندن سورة قدر شدم در این هنگام پرده ای بین من و آنها افکنده شد دیگر نرجس خاتون علیها السلام را ندیدم سراسیمه از آنجا دور شدم امام عسکری علیه السلام به من فرمود برگرد، برگشتم. نوری را مشاهده کردم دیدم حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف رو به قبله به سجده افتاده اند سپس دستشان را بلند کردم و چنین فرمود: به یکتایی خدا گواهی می دهم که جدم پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم رسول خداست و پدرم امیرالمؤمنین علیه السلام وصی رسول خداست. سپس یک یک امامان را بر شمرده تا به خود رسید. تا اینکه امام عسکری علیه السلام حضرت را روی زانوی چپش بنشانید و دست بر سرشان کشیدند و فرمودند: ای پسر! به قدرت خدا سخن بگو سپس حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، آیه ۵ و ۶ سوره قصص را تلاوت کردند.^۱

۱. اربلی، ۴۰۶: ۱۴۰۵ ق.

فصل دوم: تاریخچه زندگانی حضرت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه □ ۷۳

۲ - ۳ - مسئله ولادت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از دیدگاه اهل سنت - شیعه

در رابطه با بحث ولادت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف اعتقاد به موضوع مهدویت، موضوعی است که به شیعه اختصاص ندارد. گرچه در این بحث از شیعه هم سخن به میان آمده براساس روایات فراوانی که از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رسیده، علمای اهل سنت نیز این موضوع را قبول دارند. آنان معتقدند: شخصیتی که پیامبر اسلام از قیام او پس از غیبت خبر داد هنوز متولد نشده است و در آینده تولد خواهد یافت.^۱ اینگونه به نظر می‌رسد تعداد قابل توجهی از مورخان و محدثان اهل سنت تولد آن حضرت را در کتب خود ذکر کرده‌اند و آنرا یک واقعیت دانسته‌اند. احادیث نقل شده در کتب اهل سنت دربارهٔ ائمه اثنی عشر عَلَيْهِمُ السَّلَام از جهت اجمال و تفضیل مختلف‌اند. در این باب احادیثی وجود دارد که فقط تعداد را ذکر می‌کنند بدون آنکه نام ائمه را برده و اشخاص آنرا معین کرده باشند. احادیثی موجود است که هم به تعداد و هم به نام‌های امامان عَلَيْهِمُ السَّلَام تصریح دارند. با بررسی منابع معتبر نویسنده به چند نمونه از آنها اشاره می‌کند. در مسند احمد بن حنبل این حدیث از جابر بن سمره از سی و چهار طریق نقل شده که می‌گوید: «از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ شنیدم که می‌فرمود: برای این امت دوازده خلیفه خواهد بود.^۲ شیخ سلیمان قندوزی حنفی از ابن عباس نقل می‌کند که رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل فرمودند: جانشینان و اوصیاء من و حجت‌های

۱. ابن ابی الحدید، ۹۴: ۱۳۸۷.

۲. حنبل شیبانی، ۱۰۶: بی‌تا.

خدا بر مردم پس از من دوازده نفرند. نخستین شان علی علیه السلام و آخرین شان فرزندان مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است. پس حضرت عیسی بن مریم علیه السلام از آسمان فرود آمده پشت سر مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است. آن هنگام زمین به نور پروردگارش روشن می شود و سلطنت او شرق و غرب عالم را فرا می گیرد.^۱ نیز بخاری در جلد چهارم صحیح خود از جابر بن سمره روایت می کند که گفت: از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که می فرمود: دوازده امیر خواهند بود اوصیای من. سپس کلمه ای را فرمود که آنرا نشنیدم. پس پدرم گفت پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: همه آنها از قریش هستند.^۲ حدیث فوق الذکر در تاریخ بغداد^۳ تاریخ خلفا^۴ ینابیع المودة^۵ یافت می شود. در فرائد السمطين جوینی آمده است رسول اکرم صلی الله علیه و آله اینگونه فرمودند: من سید و سرور پیامبرانم و علی بن ابیطالب سید و سرور اوصیاء است. اوصیاء پس از من دوازده نفرند. اول آنان علی بن ابی طالب علیه السلام و آخرین آنها مهدی علیه السلام است.^۶ در رابطه با اوصیای پیامبر از سلمان فارسی اینگونه نقل شده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله برای ما خطبه ای خواندند و چنین فرمودند: ای مردم! من به زودی از میان شما خواهم رفت در مورد عترت و خانواده ام سفارش می کنم که با آنان به نیکی رفتار کنید. شما را

۱. قندوزی حنفی، ۴۷۷: ۱۴۱۶ ق.

۲. البخاری، ۱۶: ۱۳۲۰ ق.

۳. خطیب بغدادی، ۳۵۳: ۱۴۱۷ ق.

۴. سیوطی، تاریخ خلفا، ۷: ۱۳۷۱ ق.

۵. قندوزی حنفی، ۴۴۴: ۱۴۱۶ ق.

۶. جوینی خراسانی، ۳۱۳: ۱۴۰۰ ق.

از بدعت‌ها بر حذر می‌دارم. زیرا هر بدعتی ضلالت است و هر ضلالتی همراه با پیروانش در آتش است. ای مردم! هر که خورشید را از دست داده باید به ماه چنگ زند و هر که ماه را از دست داد، به فرقدان متمسک گردد؛ و هر که فرقدان را از دست داد به ستارگان درخشان پس از من چنگ زند. سلمان گوید: وقتی از منبر پایین آمدند، دنبال ایشان رفتم، عرضه داشتند پدر و مادرم فدایت باد. ای رسول خدا ﷺ شنیدم که می‌فرمایید: اگر خورشید را از دست دادید به ماه تمسک جوید. خورشید و ماه و فرقدان و ستارگان درخشان کدام‌اند؟ فرمودند: خورشید منم و ماه علی ع است. هنگامی که من از دنیا رفتم باید به وی تمسک جوید. اما فرقدان حسن علیه السلام و حسین علیه السلام اند و وقتی ماه را از دست دادید به آن دو چنگ زنید. اما ستارگان درخشان آنان ائمه نه گانه‌اند که از صلب حسین علیه السلام اند. که نهمین آنها مهدی علیه السلام است.^۱ سلمان گفت: او صیایتان را برایم نام می‌برید؟ فرمودند: نخستین آنان علی بن ابی طالب ع است. سپس دو نواده من حسن علیه السلام و حسین علیه السلام بعد از آنان زین العابدین علی بن الحسین علیه السلام و بعد از او محمد بن علی علیه السلام پس از وی صادق جعفر بن محمد علیه السلام و سپس فرزندی که کاظم علیه السلام است که هم نام حضرت موسی بن عمران است. پس از او فرزندش علی علیه السلام است و بعد از او فرزندش محمد علیه السلام است و پس از وی علی الهادی علیه السلام و حسن العسکری علیه السلام و آنگاه حجت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف که در زمان غیبتش او را انتظار می‌برند.^۲ حضرت رسول ﷺ

۱. حسکانی حنفی، ۵۹: ۱۳۹۳ ق.

۲. صدوق، معانی الاخبار، ۱۱۴: بی تا.

اشاره می‌فرمایند که اهل بیت من عترت من و از خون و گوشت من هستند. علم آنان علم من و حکم آنان حکم من است. هر کس آنان را بیازارد، مرا آزرده و خدای تعالی شفاعت مرا به وی نرساند.^۱ در ادامه این بحث علمای دیگری از اهل تسنن نیز هستند که به ولادت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف معتقدند؛ به عنوان نمونه، محمد بن یوسف الکنجی الشافعی در کتاب خود به نام البیان فی اخبار صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف گوید: همانا مهدی پسر حسن عسکری علیه السلام است او زنده و موجود است. از زمان غائب شدنش تا کنون باقی است.^۲ نیز محمد بن احمد مالکی معروف به ابن صباغ در کتاب الفصول المهمة فی معرفة احوال الائمة علیهم السلام می‌گوید: ابوالقاسم محمد حجت فرزند (امام) حسن، الخالص، پاکیزه و ناب از القاب حضرت عسکری علیه السلام است در سامرا در نیمه شعبان سال ۲۵۵ به دنیا آمده است.^۳

۳ - ۳ - عقیقه و اطعام

در احکام دینی مستحب است که وقتی خداوند به انسان فرزندی اعطا می‌کند عقیقه کنند یعنی گوسفندی ذبح کند و غذایی از گوشت آن آماده کرده و مردم را به آن غذا دعوت کنند. امام حسن عسکری علیه السلام در مورد ولادت حضرت حجت علیه السلام به سیصد عقیقه قربانی کردند، بلکه به این نیت کمک‌های دیگر نیز کرد از جمله به نماینده‌اش عثمان بن

۱. طوسی، امالی، ۱۳۱: ۱۴۱۴ ق.

۲. الکنجی الشافعی، ۳۳۶: ۱۴۱۵ ق.

۳. مالکی، ۲۷۳: بی تا.

فصل دوم: تاریخچه زندگانی حضرت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه □ ۷۷

سعید عمری دستور داده هزار رطل (معادل سه هزار دویست و هفتاد و شش کیلو) نان و به همین مقدار گوشت خریداری کند و بین بنی هاشم تقسیم کند.^۱ انجام این کار هدفی را دنبال می کند که امام عسکری علیه السلام از این کار دو موضوع را پیگیری می کرد.

با عقیقه و اطعام سلامتی و طول عمر حضرت عجل الله تعالی فرجه الشریف را بیمه کند؛

و به شیعیان خبر دهد که دارای فرزند شده و حضرت منتظر علیه السلام تولد یافته است.

۴ - ۳ - دوران غیبت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

با بررسی منابع معتبر تاریخی و حدیثی با توجه به تلاش اکثریت مورخان و محدثان در رابطه با بحث غیبت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف قصد داریم تا بحث غیبت را بانگاہ دیگری مورد ارزیابی قرار دهیم. به نظر نویسنده کسی نمی تواند دلیل خاص و منحصر به فرد برای غیبت امام دوازدهم عجل الله تعالی فرجه الشریف ارائه کند. این درست است منابع معتبر تاریخی - حدیثی از طریق ائمه معصومین علیهم السلام در دست است که گاهی ترس از جان امام و گاهی حکمت الهی و زمانی عدم بیعت باستمگران و نظایر این عنوان ها را دلیل غیبت شمرده اند. این علاوه بر اجماعی است که مسیر امامت و نبوت را یکی می داند و معتقد است بودن و نبودن پیامبر و امام و غیبت او، امری الهی است که هیچ کس نمی تواند آنرا تغییر دهد. اسراری در نبوت و امامت نهفته است که به دست بشر عادی نمی توان به آن پی برد.

۱. صدوق، کمال الدین، ۴۳۱: ۱۴۰۵ ق.

در این فصل کتاب در رابطه با بحث غیبت به چند حکمت بطور خلاصه اشاره شده است. بعد از آن گذری به غیبت صغری - نواب حضرت عجل الله تعالی فرجه الشریف، غیبت کبری توقیعات داشته‌ایم.

حکمت اول: علت احساس بیم از سوی حکومت نسبت به جان امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

مسئله علت احساس بیم از سوی حکومت نسبت به جان امام عجل الله تعالی فرجه الشریف که در این باب می‌تواند به اهمیت موضوع بیفزاید. مورخان درباره نبردهایی که در طول تاریخ متوجه علویان شد تصویر روشنی را نمایان می‌کنند. وقتی منصور به خلافت رسید ابو مسلم را به بهانه توطئه علیه خود دستگیر کرد. اعتراف کرد که به من دستور دادند شمشیر بکشم و مظنون را بگیرم و به تهمت بکشم و عذری از کسی نپذیرم. من هم حرمت‌هایی را که خدا صیانت از آنها را واجب دانسته زیر پا نهادم و خون‌هایی ریختم که خداوند آنها را واجب کرده بود. این امر را از اهلش گرفتم و در غیر موضع آن نهادم.^۱ یا مورخان نوشته‌اند که منصور خزانه‌ای از خود به جا گذاشت که در آن سرهای علویان را نگه می‌داشت و به هر سری کاغذی آویخته بود که نام صاحب سر و پدرش بر آن نوشته بود. تعدادی از این سرها متعلق به کودکان و پیران بود.^۲ چون منصور بر علویان غلبه کرد به لقب منصور ملقب شد.^۳ بعد از او مهدی روی کار آمد شیعه و اصحاب ائمه را به زندقه متهم کرد. در

۱. خطیب بغدادی، ۲: ۱۴۱۷ ق.

۲. سیوطی، تاریخ الخلفاء، ۳۲۳: ۱۳۷۱ ق.

۳. مسعودی، تنبیه الاشراف، ۲۹۵: ۱۳۶۵ ق.

فصل دوم: تاریخچه زندگانی حضرت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه □ ۷۹

آن زمان اتهام زندقه تقریباً با انتساب به مذهب رافضه یکسان شمرده می شد.^۱

بعد از مهدی پسرش هادی به خلافت رسید. یعقوبی درباره او این چنین می گوید: در طلب و تعقیب علویان بود و آنها را سخت می ترساند و به سراسر بلاد دستور داد تا آنها را بیابند و نزد او بفرستند.^۲ هارون نیز که شیوه ترور آل ابوطالب^۳ و برانداختن پوشش و زیورآلات زنان را پیش گرفته بود،^۴ دستور داد همه طالبین را بزور از بغداد به مدینه تبعید کنند. همچنین به دستور او قبر امام حسین علیه السلام در کربلا تخریب و امام هفتم شیعیان امام کاظم علیه السلام را هم به شهادت رساندند.^۵ بدین وسیله وقتی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف متولد شدند پدرش او را مخفی کرد و ولادت او را به خاطر شرایط نامساعد زمانه و بیم از خلفای عباسی پنهان نگه داشت. زیرا در همان وقت بنی عباس در طلب و تعقیب هاشمیان بودند و عزم خود را بر حبس و قتل و نابودی آنان جزم کرده بودند.^۶

به نظر می رسد وقتی امام حسن عسکری علیه السلام تاریخ اجداد خود را ورق می زد به مسئله عمیقی پی می برد سخت گیری هایی که خلفای معاصر بر ایشان روا داشتند حضرت را بر آن داشت تا فرزندش را در

۱. بدوی، ۳۷: ۱۹۴۵ م.

۲. یعقوبی، ۱۴۸: ۱۳۹۴ ق.

۳. امین، ۲۹: ۱۴۰۶ ق.

۴. بابویه، عیون اخبار الرضا، ۴۷۹: ۱۴۰۴ ق.

۵. طبری، تاریخ طبری، ۲۳۵: ۱۴۰۹ ق.

۶. شبراوی، ۱۷۹: ۱۳۶۱ ق.

زمان حیات خود پنهان نگه دارد. بعد از شهادت ایشان غیبت، ضروری تر بود تا امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از دستیابی ستم حکومت و خویشاوندانی چون عمویش جعفر در امان بماند. جعفر از فرزندان امام هادی علیه السلام بود. او از مسیر پدران گرامی اش منحرف شد و این انحراف او مسلماً از انحراف فرزند نوح علیه السلام که پیامبر خدا بود عجیب تر نبود. آن کس که خدای تعالی درباره اش چنین می فرماید:

﴿قَالَ يَا نُوحُ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ﴾.

﴿ای نوح، او از اهل و خاندان تو نیست، عمل او ناشایسته است﴾.^۱

انحراف جعفر از خط پدران معصوم اش نه به علت اهمال پدر در تربیت وی بود و نه به خاطر محیطی که در آن زندگی می کرد بلکه این انحراف به علت مجالست با منحرفان در وی حادث شده بود. پانزده روز قبل از شهادت امام عسکری علیه السلام حضرت نامه هایی به شیعیان خویش از اهل مدائن نوشت. این نامه ها را به خادم خویش ابوالادیان تسلیم کردند و به وی فرمودند با این نامه ها به مدائن برو. تو مدت پانزده روز در اینجا نخواهی بود. روز پانزدهم وارد سامراء خواهی شد. از خانه من صدای گریه را خواهی شنید و برابر روی محل غسل خواهی یافت. گفتم: سرور من! اگر چنین شود امام بعد از شما کیست؟ فرمودند: آن کس که جواب نامه های مرا از تو بخواهد و بر جسم من نماز گذارد، قائم بعد از من اوست. روز پانزدهم به سامراء وارد شدم همان گونه که امام عسکری علیه السلام برایم فرموده بودند همان طور دیدم. نیز

فصل دوم: تاریخچه زندگانی حضرت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه □ ۸۱

ناگاه دیدم جعفر فرزند امام هادی علیه السلام و برادر امام عسکری علیه السلام بر درخانه است شیعیان گرد او جمع شده و شهادت برادر را به وی تسلیم و امامتش را تبریک و تهنیت می گویند. با خود گفتم: اگر جعفر امام است امامت باطل شده است، زیرا من می دانستم که جعفر در مسیر انحراف است. به حیاط خانه وارد شدم جسم امام عسکری علیه السلام را کفن کرده و در تابوت گذاشته بودند. جعفر پیش رفت تا بر جسم امام نماز گذارد، حتی خواست تکبیر نماز را بگوید، ناگاه کودکی گندمگون و سیاه موی که دندانهای پیشینش باهم فاصله داشت بیرون آمد و لباس جعفر را گرفت و او را کنار کشید، گفت: عمو! کنار برو من باید بر پدرم نماز بخوانم! جعفر در حالی که چهره اش دگرگون شده بود کنار رفت. آن کودک بر جسم امام علیه السلام نماز خواند و حضرت را در خانه خود در کنار قبر پدرش امام هادی علیه السلام دفن کردند. بعد امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف رو به ابوالادیان کرد و گفت: ای مرد بصری! جواب نامه ها را که همراه تو است بده! جواب نامه ها را به وی دادم و با خود گفتم: این همان نشانه هایی است که امام عسکری علیه السلام فرموده بودند.^۱

۱ - ۴ - ۳ - حکمت دوم: آزمایش و امتحان

امتحان یکی از سنن الهی است که خداوند نظام دین را بر آن بنا کرده است:

﴿أَحْسِبِ النَّاسُ أَنْ يَتْرُكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ﴾.

۱. صدوق، کمال الدین، ۴۷۵: ۱۴۰۵ ق.

﴿آیا مردم می‌پندارند همین که بگویند ما ایمان آورده‌ایم به حال خود رها می‌شوند و آزمایش نخواهند شد؟﴾
 آزمایش خوب و بد را از هم جدا می‌کند، همچنان که طلا را از دیگر فلزات جدا می‌کند.^۱

اینطور به نظر می‌رسد آزمودن مردم یکی از دلایل غیبت باشد. احادیثی در دست است که حاکی از این امر است. روایتی از امام صادق علیه السلام است که می‌فرماید: «صاحب این امر غیبتی اجتناب‌ناپذیر خواهد داشت که پیروان باطل در وجود او تردید خواهند کرد.»^۲

۲ - ۴ - ۳ - حکمت سوم: سرّ الهی بودن غیبت

غیبت یکی از اسرار الهی است. اینطور به نظر می‌رسد که چگونه ممکن است غیبت راز الهی نباشد حال آنکه خداوند اراده فرموده تا این پیشوای غائب کار جهان را سامان بخشد و به اذن الهی عدالت را روی زمین محقق سازد. امام صادق علیه السلام در پاسخ ابوالفضل عبدالله بن فضل هاشمی درباره حکمت غیبت امام عجل الله تعالی فرجه الشریف فرمود: «حکمت غیبت او همانند غیبت حجت‌های پیشین الهی است. همانگونه که حکمت کارهای حضرت خضر علیه السلام در آیات سوره کهف یعنی سوراخ کردن قایق و کشتن آن پسر بچه، مرمت دیوار زمانی بر حضرت موسی علیه السلام معلوم شد که می‌خواستند از هم جدا شوند. ای پسر فضل این یکی از رموز غیبی و اسرار الهی است.»^۳

۱. العنکبوت / ۲.

۲. صدوق، کمال الدین، ۴۸۲: ۱۴۰۵ ق.

۳. بابویه، علل الشرایع، ۲۴۶: ۱۴۰۸ ق.

فصل دوم: تاریخچه زندگانی حضرت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه □ ۸۳

۳ - ۴ - ۳ - حکمت چهارم: عدم بیعت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با ستمگران

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بیعت هیچ ستمگری را نپذیرد. ابوبصیر به نقل از ابو عبدالله روایت کرده که فرمود:

«ولادت حضرت صاحب عجل الله تعالی فرجه الشریف بر مردم

پوشیده و پنهان می ماند تا بیعت احدی را برگردن نگیرد.»^۱

امام صادق علیه السلام می فرماید:

«قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف در حالی قیام خواهد کرد که

بیعت هیچ کس را برگردن نداشته باشد.»^۲

۵ - ۳ - تئوری غیبت

با بررسی منابع تاریخی امام حسن عسکری علیه السلام مسئله مهم غیبت فرزندش امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را به عنوان امری مهم در نظر گرفتند و اصول نظری آنرا با در نظر گرفتن همه ابعاد آن آراسته اند. امام عسکری علیه السلام هنگامی که حجت بعد از خودشان را بر یاران شان معرفی کردند به دلیل آنکه قبول مسئله غیبت امری آسان نبود. آنان را به تحمل مسئولیت شان تشویق کردند.

احمد بن اسحاق یکی از یاران خاص امام عسکری علیه السلام بود این چنین می گوید: «به حضور امام عسکری علیه السلام رسیدم، می خواستم درباره امام بعد از او پرسش کنم، حضرت پیش از سؤال من فرمود: ای احمد بن اسحاق

۱. صدوق، کمال الدین، ۴۷۹: ۱۴۰۵ ق.

۲. بابویه، الامامة و التبصرة من الحيرة، ۱۱۶: ۱۴۱۸ ق.

خداوند از زمانی که آدم را آفریده تا روز رستاخیز هرگز زمین را از حجت خالی نگذاشته و نمی‌گذارد. خداوند از برکت وجود حجت در زمین بلا را از مردم جهان دفع می‌کند و برکات نهفته در دل زمین را آشکار می‌کند. عرض کردم پیشوا و امام بعد از شما کیست؟ حضرت به سرعت برخاست و به اتاق دیگر تشریف بردند. طولی نکشید که برگشتند، در حالی کودکی را که حدود سه سال داشت به همراه خود آوردند، فرمودند: او همانم و هم کنیه رسول خداست. همان کسی که منادی عدالت و مجری قسط و انصاف است هموست که جلوی نشرِ ظلم و ستم را خواهد گرفت. «نظام اسلامی نظامی است زوال‌ناپذیر که امیرالمؤمنین علی علیه السلام در این باب می‌فرماید: پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

عمر جهان به پایان نمی‌رسد مگر آنکه مردی از نسل حسین علیه السلام امور امت را در دست می‌گیرد و دنیا را پر از عدل می‌کند همچنان که پر از ظلم شده است.^۱

در این رابطه امام جواد علیه السلام به حضرت عبدالعظیم حسنی علیه السلام فرمود:

«قائم ما همان مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف منتظر است که در زمان غیبت باید در انتظارش بود و در زمان ظهورش باید اطاعت کرد ایشان را. سوگند به آن خدایی که محمد صلی الله علیه و آله و سلم را به پیامبری برگزید و امامت را ویژه خاندان نبوت قرار داد، اگر از عمر دنیا جز یک روز باقی‌نمانده باشد، خدا آن روز را طولانی

۱. طبری، دلائل الامامة، ۲۴۰: ۱۳۸۳ ق.

می‌گرداند تا مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ظاهر شود و زمین را از عدل و داد پُر کند چنانچه از ظلم و ستم پُر شده است. خداوند متعال کار وی را به یک شب اصلاح می‌کند همانطور که در آیات ابتدایی سوره طه آمده خداوند کار موسی کلیم الله ﷺ را در یک شب اصلاح فرمود؛ او رفت تا برای همسرش آتش بیاورد اما با منصب نبوت و رسالت برگشت. امام جواد ﷺ فرمودند: بهترین اعمال شیعیان ما انتظار ظهور و قیام اوست.^۱

موضوع غیبت و قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در اسلام به قدری قطعی و مسلم بوده که در جهت وجود اثبات امام دوازدهم عجل الله تعالی فرجه الشریف برخی از اصحاب ائمه ﷺ درباره آن حضرت و قیام ایشان با قلم خویش سعی در معرفی ایشان داشته‌اند از جمله ابراهیم بن صالح انماطی از یاران امام محمد باقر ﷺ^۲ حسن بن محمد بن سماعه از اصحاب امام موسی بن جعفر ﷺ^۳ فضل بن شاذان نیشابوری از شاگردان امام رضا ﷺ و امام جواد ﷺ و امام هادی ﷺ.^۴

۶ - ۲ - دو دوره مهم غیبت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

غیبت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به دو دوره تقسیم می‌شود غیبت صغری و غیبت کبری.

۱. مجلسی، بحار الانوار، ۱۵۶: ۱۴۰۳ ق.

۲. ابن داود، ۳۲: بی تا.

۳. نجاشی، ۱۱: بی تا.

۴. حسین، ۲۱ - ۲۲: ۱۳۷۶ ق.

۱ - ۶ - ۳ - غیبت صغری نائبان خاص چهارگانه سال ۲۶۰

غیبت صغری از سال ۲۶۰ سال شهادت امام یازدهم، حضرت عسکری علیه السلام، تا سال ۳۲۹ درگذشت آخرین نایب خاص امام یعنی حدود ۶۹ سال بود، که شیخ مفید آغاز غیبت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را از سال تولد حضرت سال ۲۵۵ حساب کرده است.^۱ به نظر می‌رسد با این محاسبه دوران غیبت صغری ۷۵ سال می‌شود که طبعاً نظریه شیخ مفید از این لحاظ بوده است که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در زمان حیات پدر نیز حضور و معاشرت چندانی با دیگران نداشته و به نوعی غائب محسوب می‌شدند. در این مدت غیبت صغری آن حضرت توسط نمایندگان خاصش که به نواب اربعه^۲ معروف‌اند با مردم به این طریق تماس داشتند. این دوره را می‌توان دوران آماده سازی شیعیان برای غیبت کبری دانست که طی آن ارتباط شیعیان با امام عجل الله تعالی فرجه الشریف حتی در همین حد نیز قطع شد. اگر غیبت کبری ناگهان رخ می‌داد، ممکن بود موجب انحراف افکار شود. اما با غیبت صغری سبب شد بتدریج ذهن‌ها آماده شود و مرحله غیبت کامل آغاز شد. در این اثناء ارتباط نائبان خاص با امام عجل الله تعالی فرجه الشریف در دوران غیبت صغری و نیز شرفیابی برخی از شیعیان به محضر آن حضرت در این دوره مسئله ولادت و حیات آن حضرت عجل الله تعالی فرجه الشریف را بیشتر تثبیت کرد. یکی از ارکان مهم این کتاب در باب بررسی امامت امام دوازدهم شیعیان عجل الله تعالی فرجه

۱. مفید، الارشاد، ۳۴۶: ۱۴۱۳ ق.

۲. نائبان خاص چهارگانه.

فصل دوم: تاریخچه زندگانی حضرت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه □ ۸۷

الشریف براساس منابع معتبر تاریخی - حدیثی نمایندگی و نیابت امام عجل الله تعالی فرجه الشریف است که در زمان مهمی از نظریه مهدویت را به خود اختصاص داده است. امام عجل الله تعالی فرجه الشریف در آن مدت چهار نفر از افراد مورد اعتماد و یاران خاص خود را به عنوان سفیر و نماینده خود برگزیدند. این افراد دشوارترین مراحل زندگی خود را وقف خدمت به امامت کردند و تمام خطرات این مسؤلیت را به جان خریدند. اینان مبارزه با نفس را سرلوحه‌ی کار خویش قرار دادند.^۱

نواب اربعه سفرا و نماینده حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به ترتیب زمانی عبارت بودند از ابو عمرو عثمان بن سعید العمری، محمد بن عثمان بن سعید العمری، حسین بن روح نوبختی، علی بن محمد ثمری.

نائب اول (ابو عمرو عثمان بن سعید العمری)

عثمان بن سعید العمری از سال ۲۶۰ تا ۳۰۰ به عنوان نائب امام عجل الله تعالی فرجه الشریف قرار گرفت. تاریخ وفات عثمان بن سعید روشن نیست. فوت او را در سال ۲۸۰ دانسته‌اند.^۲

احمد بن اسحاق از امام عسکری علیه السلام درباره عمری سؤال کرد امام فرمود: عمری و فرزندش مورد اعتماد هستند آنچه از جانب من به شما برساند، از من است و آنچه را بگوید از زبان من می‌گوید سخن آن دو را بشنو و از آنان اطاعت کن چون مورد اعتماد و امین هستند.^۳

۱. صدر، ۱۸۳: ۱۳۹۸ ق.

۲. حسین، ۱۵۶: ۱۳۷۶ ق.

۳. کلینی، اصول کافی، ۳۳۰: ۱۴۱۳ ق.

عثمان بن سعید کنیه اش ابو عمرو و لقبش العمری سمان بود. علت ملقب شدن به سمان این بود که به تجارت روغن و روغن زیتون اشتغال داشت تا در واقع این شغل کار اصلی را پوشانده از شر حکومت حفظش کند. شیعه اموال و نامه هایشان را به ایشان می رساندند و وی آنها را در پوست گوسفند و یا پوست دیگری که به عنوان ظرف روغن به کار می برد، می نهاد تا کسی به آنها پی نبرد. آنگاه آنها را به سوی امام می فرستاد. رضایت امام عسکری علیه السلام از عثمان بن سعید تاحدی بود که به ابراهیم بن عبده نیشابوری فرمود: از شهر خارج مشو مگر اینکه با عمری که خداوند توسط رضایت من از او خشنود است دیدار کنی. از او اطاعت کن او را بشناس.^۱ امام عسکری علیه السلام درباره عثمان بن سعید عمری فرمودند: عثمان بن سعید نماینده من است و فرزندش محمد، وکیل و نماینده فرزندم مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است. پس از شهادت امام عسکری علیه السلام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف عمری را در نیابتش ابقاء کرد بنابراین عمری به عنوان نائب اول حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف محسوب شدند.^۲ اما وقتی عثمان بن سعید احساس کرد که ناتوان شده و مرگش نزدیک است کار نیابت را به سفارش و تصریح امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف^۳ واگذار کرد و ندای حق را بیک گفت و امام مرگ او را اینگونه به پسرش تسلیت گفت: «انا لله و انا الیه راجعون» تسلیم امر خدا و به قضای او رضا باش پدرت سعادت مند زندگی کرد خدا رحمتش کند. او همواره در کار اولیای

۱. تفرشی، ۱۵۲: ۱۴۱۸ ق.

۲. مجلسی، بحار الانوار، ۳۴۵: ۱۴۰۳ ق.

۳. طوسی، الغیبه، ۲۲۱: ۱۴۱۱ ق.

فصل دوم: تاریخچه زندگانی حضرت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه □ ۸۹

خداکوشا بود و به کاری می پرداخت که او را به درگاه خدانزدیک کند.^۱ عثمان بن سعید رابط امامان و پیروانشان در گوشه و کنار بلاد اسلامی بود. او سؤالات و مشکلات آنها را نزد امام می برد، جواب می گرفت و به آنها می رساند و نامه ها فقط پیرو مسائل اجتماعی و سیاسی شیعیان نبود بلکه مسائل مهم اعتقادی را نیز شامل می شد.

نائب دوم (محمد بن عثمان بن سعید العمری)

محمد بن عثمان بن سعید العمری نام وی محمد بن عثمان کنیه اش ابو جعفر و لقبش عمری است. امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف وی را انتخاب کردند تا جانشین پدرش عثمان شود و اعمال وی را ادامه دهد. امام عجل الله تعالی فرجه الشریف نامه های متعددی به بزرگان شیعه نوشتند تا آنان را آگاه کند که محمد بن عثمان را به عنوان نائب خودشان معین کردند.^۲ حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ضمن توقیعی در پاسخ سؤالات اسحاق بن یعقوب چنین نوشتند: «خداوند از عثمان بن سعید و پدرش، که قبلاً می زیست راضی و خشنود باشد. او مورد وثوق و اعتماد من و نوشته او نوشته من است.»^۳ محمد بن عثمان مانند پدرش سفیر بین حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و تمام شیعه آن زمان بود. او در طول مدت فعالیتش و کلای محلی و منطقه ای را سازماندهی و بر کارکردشان نظارت می کرد و به اداره امور شیعیان اشتغال داشت. توقیع های متعددی از ناحیه امام صادر و توسط او به دیگران

۱. طبرسی، الاحتجاج: ۳۰۷: ۱۳۵۰ ق.

۲. طوسی، الغیبه، ۲۲۰: ۱۴۱۱ ق.

۳. اربلی، ۳۲۲: ۱۴۰۵ ق.

می‌رسید.^۱ تا اینکه محمد بن عثمان سال ۲۳۰۴ یا ۳۳۰۵ دعوت حق را لیبیک گفت او پیش از مرگ از تاریخ وفات خبر داشت و چند بار از جانشین خود حسین بن روح نوبختی در حیات خود خبر داده بود.^۴

نائب سوم (ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی)

ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی نام او حسین بن روح کنیه‌اش ابوالقاسم و لقب وی نوبختی است. قبل از وفات نائب دوم فرمانی از حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف برای عثمان صادر شد که حسین بن روح را در مقام نیابت خاصه جانشین خویش کند. نائب دوم نیز (ابوجعفر) امر امام عجل الله تعالی فرجه الشریف را اطاعت کرده و اعلان کرد که سومین نائب خاص که جای وی خواهد نشست حسین بن روح است. روی همین اصل بزرگان و شخصیت‌های شیعه را جمع کرد و به آنان چنین گفت: اگر مرگ مرا دریافت کار به دست ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی خواهد افتاد. به من امر شده که وی را در مقام نیابت خاصه پس از خود قرار دهم به وی توجه کرده و در کارهای خود بر او اعتماد کنید. نوبختی در دوران حکومت خلیفه عباسی به مدت پنج سال به زندان بود و در سال ۳۱۷ آزاد شد.^۵ حسین بن روح نوبختی تا زمان مرگش در سال ۳۲۶ در رساندن نامه‌های مردم به امام عجل الله

۱. طوسی، الغیبة، ۲۲۳: ۱۴۱۱ ق.

۲. ابن اثیر، ۱۵۹: ۱۴۰۳ ق.

۳. طبرسی اعلام الوری، ۴۱۶: ۱۴۱۷ ق.

۴. مجلسی، بحار الانوار، ۳۵۵: ۱۴۰۳ ق.

۵. حسین، ۱۹۹: ۱۳۷۶ ق.

فصل دوم: تاریخچه زندگانی حضرت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه □ ۹۱

تعالی فرجه الشریف و ابلاغ و جواب نامه های شیعیان به فعالیت در خدمت امام عجل الله تعالی فرجه الشریف مشغول بود. حسین بن روح به عقل و درایت مشهور و معروف بود، موافق و مخالف گواه این بودند تا جایی که اهل سنت و جماعت وی را بزرگ داشته و احترام می کردند. همچنین به او در امر رازداری و افشان کردن راز امام عجل الله تعالی فرجه الشریف زبان زد عام و خاص بود.^۱

نائب چهارم (ابوالحسن علی بن محمد سمري)

ابوالحسن علی بن محمد سمري درباره لقب او بین سمري، سيمري و صيمري اختلاف است.^۲ حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف وی را به عنوان نائب انتخاب و به جناب حسین بن روح، نائب سوم، امر فرمودند که علی بن محمد سمري را جانشین خود قرار دهد. حسین بن روح نوبختی امر امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را تنفيذ کردند.^۳ سمري در نامه ای که به امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف داشتند درباره علوم امام سؤال کردند امام عجل الله تعالی فرجه الشریف در پاسخ نوشتند:

علمنا علی ثلاثة اوجه؛ ما من وغابر و حادث الماضي
متغير و اما الغابر فقذف منی و اما الحادث فقد ففی القلوب
ونقز فی الاسماع و هو افضل علمنا.

علم ما سه گونه است، علم به آنچه گذشته است و دیگر علم به

۱. طوسی الغيبة، ۲۳۸: ۱۴۱۱ ق.

۲. صدر، ۴۱۲: ۱۳۹۲ ق.

۳. طوسی الغيبة، ۲۴۲: ۱۴۱۱ ق.

امور پنهان و سوم علم به آنچه روی می‌دهد علم به گذشته
تفسیر است و علوم پنهانی منوط به شرایط است و علوم جاری
را در دل‌ها می‌اندازیم و در گوش‌ها می‌نشانیم و این برترین
علم‌ها هست...^۱

بعد از آن وقتی کم‌کم وفات سمري نزدیک شد، توقعی از ناحیه امام
مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف خطاب به سمري پیش از آن‌که وی از
دنیا برود صادر شد.

بسم الله الرحمن الرحيم

ای علی بن محمد سمري خداوند به یارانت در مصیبت فقدان تو
پاداش بزرگ عطا فرماید. توشش روز دیگر خواهی مُرد کارهایت را
سرو سامان بده و به هیچ‌کس به عنوان جانشین خود وصیت نکن. اکنون
زمان غیبت کبری فرار رسیده و ظهور من فقط با اجازه خداوند خواهد
بود که پس از زمان طولانی روی خواهد داد. در آن هنگام دل‌های
مردمان بی‌رحم و زمین پر از ظلم و ستم خواهد بود. وقتی مرگ سمري
فرار سید از او پرسیدند چه کسی را به عنوان جانشین انتخاب می‌کنی؟
گفت: خداوند امری دارد که خود به انجام خواهد رسانید.^۲

۲ - ۶ - ۳ - شروع غیبت کبری سال ۳۲۹ هـ. ق

با سپری شدن دوره غیبت صغری، غیبت کبری و طولانی مدت امام
آغاز عجل الله تعالی فرجه الشریف شد که تا کنون نیز ادامه دارد و پس از این
نیز تا زمانی که خداوند اذن ظهور و قیام به آن حضرت عجل الله تعالی

۱. طبری، دلائل الامامة، ۵۲۴: ۱۳۸۳ ق.

۲. مفید، الفصول العشرة، ۱۰: ۱۴۱۴ ق.

فصل دوم: تاریخچه زندگانی حضرت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه □ ۹۳

فرجه الشریف را دهد، ادامه خواهد داشت. در رابطه با غیبت حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف امیر المؤمنین علی علیه السلام فرمودند:

«امام غایب، دو غیبت خواهد داشت که یکی طولانی تر از دیگری خواهد بود. در دوران غیبت او تنها کسانی در اعتقاد به امامت ایشان پایدار می‌مانند که دارای یقینی استوار و معرفتی کامل باشند.»^۱

امام باقر علیه السلام درباره امر غیبت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌فرمایند:

«(امام) قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف دو غیبت خواهد داشت که در یکی از آن دو خواهند گفت: عده‌ای از مردمان می‌گویند او مرده است.»^۲

امام صادق علیه السلام فرمودند:

«امام قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف دو غیبت خواهد داشت یکی کوتاه مدت و دیگری طولانی مدت.»^۳

۳ - ۶ - ۳ - غیبت کبری

نویسنده براین باور است که علی بن محمد سمیری پس از وفاتش چهارمین نائب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بود. طی شدن مسیر طولانی نظریه غیبت و تعیین مصداق عینی آن از سوی رسول مکرم اسلام حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت علیهم السلام تقدیر الهی تحقق

۱. قندوزی حنفی، ۱۱۵: ۱۴۱۶ ق.

۲. نعمانی، الغیبة، ۱۷۳: بی تا.

۳. صافی گلپایگانی، ۲۵۱: ۱۴۱۹ ق.

یافت و در نیمه شعبان سال ۳۲۹ غیبت کبری حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف آغاز شد در پس پرده غیبت پنهان شدند به گونه ای که فقط خداوند از محل و نحوه زندگی ایشان آگاه است. این غیبت تا ظهورشان به اذن خدا ادامه دارد. پس از آن این اندیشه در دل بسیاری از شیعیان بروز کرد. این مذهب پس از طی یک مسیر طولانی اینک با غیبت امام معصوم علیه السلام دچار نوعی سرگردانی خواهد شد. اما این صرفاً یک رعب ذهنی بود چون این مذهب اساس محکمی داشت و یک رویداد ناگهانی و تصادفی نبود، بلکه اسلامی که پیامبر صلی الله علیه و آله آنرا پایه ریزی کرد و پس از خود هدایت آنرا به اذن الله به اوصیانش نهاده است و آنها نیز پایان غیبت کبری این امر مهم را که شامل امور و شئون همه ابعاد زندگی مردم می باشد را تحت نظارت مجتهد جامع الشرایط سپردند.

اسحاق بن یعقوب می گوید: «از عثمان بن سعید نخستین نائب امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف خواست تا نامه مرابه آن حضرت برساند، در آن نامه پرسیده بودم، در عصر غیبت کبری به چه کسی مراجعه کنیم امام در پاسخ سؤال من چنین فرمودند:

«و اما الحوادث الواقعة فارجعوا فیها الی رواة احادینا، فانهم حجتی علیکم وانا حجة الله علیهم».

«در حوادث و رخدادها به راویان حدیث ما فقها مراجعه کنید، که آنها حجت من بر شما هستند و من حجت خدا بر آنها می باشم.»^۱

۱. اربلی، ۴۵۷: ۱۴۰۵ ق.

فصل دوم: تاریخچه زندگانی حضرت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه □ ۹۵

در پیرو این مطلب امام حسن عسکری علیه السلام فرمودند:

«فاما من كان من الفقهاء صائنا لنفسه، حافظا لدينه مخالفا
على هواه مطيعا لامر مولاه فللعوام ان يقلدوه».

هرکدام از فقها که نگهدارنده نفس خود از انحراف و گناه، نگهبان
دین خود و مخالف هوای نفس خود و مطیع فرمان مولایش
خداست، بر مردم لازم است که از او تقلید کنند.^۱

بدیهی است که روایت حدیث کار فقهایی است که به امور دین
اهتمام دارند. از امام موسی بن جعفر علیه السلام روایت شده که فرمودند:

«وقتی مؤمن می‌میرد، فرشتگان آسمان برای او گریه می‌کنند،
چون فقهای مؤمن دژ استوار اسلام هستند که مانند بارویی
تسخیرناپذیر از دین حفاظت می‌کند، منظور وقتی مؤمن فقیه
رحلت کند.»^۲

در یکی از خطبه‌های امیرالمؤمنین علیه السلام آمده است ای مردم،
شایسته‌ترین افراد برای اداره این امر کسی است که بر آن کار تواناتر و به
فرمان خدا آگاه‌تر باشد.^۳ مقصود از این کار در اینجا رهبری و هدایت
مردم در امور دین و دنیا است که در آیه ۶۸ سوره آل عمران قابل رؤیت
می‌باشد.

«إِنَّ أَوْلَى النَّاسِ بِإِبْرَاهِيمَ لَلَّذِينَ اتَّبَعُوهُ وَ هَذَا النَّبِيُّ وَ الَّذِينَ
ءَامَنُوا وَ اللَّهُ وَ لِيُّ الْمُؤْمِنِينَ».

۱. ابی طالب طبرسی الاحتجاج، ۲۶۳: ۱۳۵۰ ق.

۲. حمیری، ۳۰۳: ۱۴۱۳ ق.

۳. نهج البلاغه، خطبه ۱۷۱.

«نزدیک‌ترین مردم نسبت به ابراهیم کسانی هستند که از او پیروی کنند و این پیامبر و امتش که اهل ایمان هستند و خدا دوست و سرپرست مؤمنان است.»^۱

در تفسیر آمده، نزدیک‌ترین مردم به انبیاء کسانی هستند که به آنچه آنان آورده‌اند داناتر باشند.^۲ در این باب، کلینی از امام صادق ع روایت کرده که حضرت فرمودند: رسول خدا ﷺ فرمودند: فقها مادامی که کار دنیا نپردازند، امانت‌دار پیامبران‌اند.^۳

صدوق نیز از امام صادق ع روایت کرده:

«از اینکه داوری خود را نزد اهل جور بپذیرید، بپرهیزید و برای این کار به کسی که از خودتان از قضاوت و داوری ما تا حدودی مطلع باشند، مراجعه نمایید و او را قاضی خود قرار دهید که من او را قاضی شما قرار داده‌ام داوری را نزد او بپذیرید.»^۴

با بررسی‌هایی که انجام شد کاریک فقیه و مجتهد بسیار امر مهم و حساسی است. او استنباط احکام شرعی - فرعی را از روی ادله تفسیر مورد بررسی قرار می‌دهد. در عصر اول اسلام هر آنچه که از جانب خداوند آمده بود درباره عمل، عبادت، بهشت، جهنم، برزخ و قیامت به آن فقه می‌گفتند که با گذشت زمان از هم جدا شدند. اگر کسی از کلام می‌گفت چه کلام نقلی چه کلام عقلی به عنوان متکلم مطرح بود که بستر این علوم همه در مکتب امام باقر ع و امام صادق ع فراهم شده

۱. آل عمران / ۶۸.

۲. فیض کاشانی، ۲۷۱: ۱۴۰۲ ق.

۳. کلینی، اصول کافی، ۱۶: ۱۴۱۳ ق.

۴. صدوق، من لایحضره الفقیه، ۱: ۱۳۶۷ ق.

فصل دوم: تاریخچه زندگانی حضرت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه □ ۹۷

بود. اهل سنت با داشتن باور چهار فقه شافعی، حنفی، مالکی و حنبلی تأکید به این مطلب داشتند. ابن ابی الحدید می‌گفت مردم علم را از امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام یاد گرفتند.

۱- ۷- ۳- توقیعات

توقیع در لغت به معنای نشانه گذاشتن، امضا کردن حاکم، برنامه و فرمان و جواب مختصر که کاتب در نوشته به پرسش‌ها می‌دهد، و دستخط فرمانروا و نوشتن عبارتی در ذیل مراسله می‌آید. در اصطلاح علم حدیث به معنای پاسخ پرسش‌ها با اطلاعیه‌هایی است که به صورت کتبی از طرف امام برای آگاهی شیعیان فرستاده شده است. چنانچه توقیعاتی از امام هادی علیه السلام و امام عسکری علیه السلام نقل شده است.^۱ در نهایت توقیع به نامه‌های حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به دست خط خود ایشان گفته می‌شود که توسط چهارتن نایبان خاص ایشان و همچنین اهل علم دیگری در زمان غیبت صغری به دست شیعیان می‌رسید.^۲

۱- ۷- ۳- توقیعات بر حسب موضوع

خبر دادن از امور پنهانی طبق چندین خبر در کتبی که بحث توقیع را مورد بررسی قرار دادند. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به نایبان به شکل توقیعات از رازهای نهانی و امور پنهانی و آنچه پرسندگان در دل داشته‌اند خبر دادند و بدین طریق موجبات اعتماد به

۱. قمی، سفینه البحار، ۶۷۶: ۱۳۶۳ ق.

۲. تهرانی، ۲۳۷: ۱۹۷۵ م.

نواب و یقین به ارتباطشان با امام علیه السلام را فراهم کردند. این رویدادها مجموعاً شخصی و خصوصی بود، مجموع آنها که به وسیلهٔ راویان مطمئن و در کتب معتبر و مؤلفان محقق نقل و امروزه برای ما نیز مسرت بخش است. حسن بن فضل یمانی ضمن حدیثی می فرماید:

«دو از سه مطلبی را که به خاطر داشتیم دوتای آنها را نوشتیم و سومی را ذکر نکردم. اما جوابی که به من رسید دربارهٔ دو مطلبی بود که نوشتیم و راجع به سومین مطلب که در دل نگه داشته و ننوشته بودم جواب را نوشته بودند.»^۱

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به بیان دیگر به گونه های مختلف با بیان حقایق پنهانی اثبات صحت امامت و ولایت را به نائبان خود می فرمود تا برای طالبان حقیقت تردیدی برجا نماند. توطئه هایی از سوی دشمنان متوجه حضرت عجل الله تعالی فرجه الشریف بود و تفحص برای پیدا کردن و قتل ایشان. در ادامه شبهاتی که جعفر، برادر امام علیه السلام ایجاد کرد در اواسط این فصل در بخش غیبت به بررسی آن پرداختیم. اشکالات را به اذهان القامی کرد که بر حسب وظیفهٔ هدایتی که امام علیه السلام دارد خود را ملزم می دانست، پاسخگو و بر طرف کنندهٔ شبهات آن باشد. تعدادی از توقیعات در اطراف مسائل طرح شده راجع به غیبت بود. مانند نهی از بردن نام امام غایب و مشخص کردن وقت ظهور به سبب غیبت حضرت عجل الله تعالی فرجه الشریف از محمد بن عثمان دومین نایب امام عجل الله تعالی فرجه الشریف اینگونه نقل کردند:

۱. صدوق، کمال الدین، ۴۹۰: ۱۴۰۵ ق.

«از زمان فرج پرسیدم جواب رسید کسانی که وقت برای ظهور من تعیین کنند، دروغ می‌گویند که آن را جز خدا کسی نمی‌داند.»^۱

۲ - ۷ - ۳ - توقیعات برحسب مسائل اعتقادی

توقیعاتی که از ناحیه امام غایب عجل الله تعالی فرجه الشریف صادر شده برخی از آنها در پاسخ پرسش‌هایی است که راجع به مسائل عقیدتی و ایمانی می‌باشد. گروهی از شیعه در باب این موضوع اختلاف نظر دارند که خدای عزوجل آفریدن و روزی دادن را به ائمه علیهم‌السلام تفویض کرد. عده‌ای گفتند «این محال است و چنین نسبتی به خدای تعالی جایز نیست؛ زیرا جز خدا بر خلق اجسام قادر نیست.» دسته‌ای دیگر چنین گفتند «چنین نیست بلکه خدای تعالی ائمه علیهم‌السلام را بر این کار توانا کرده است. آفرینش را به آنان واگذار کرده است از این رو می‌آفرینند و روزی می‌دهند. در این مسئله به شدت بایکدیگر به نزاع پرداختند. تا این که یکی از آنان گفت: شما را چه شده؟ چرا به محمد بن عثمان عمری مراجعه نمی‌کنید که از او پرسید؟ تا در این باب حق مطلب را برایتان روشن کند. به درستی که اکنون او راه به سوی امام عجل الله تعالی فرجه الشریف است. آنها به حل مسئله توسط نائب امام راضی شدند و به پیشنهادش جواب قبول دادند. مسئله را نوشتند و به سوی ایشان فرستادند. از طرف حضرت عجل الله تعالی فرجه الشریف برایشان توقیعی آمد که رونوشت آن این است: به درستی خدای تعالی است که اجسام را آفرید و روزی‌ها را تقسیم کرد. او جسم نیست و در جسم هم حلول

نکرده. «لیس کمثله شیء و هو السميع العليم. هیچ چیز مانند او نیست و اوست شنوا دانا.» اما ائمه علیهم السلام از خدای تعالی سؤال می‌کنند. پس او می‌آفریند و می‌خواهد پس او روزی می‌دهد برای اجابت کردن در خواستشان و بزرگداشت حقشان.^۱

۳ - ۷ - ۳ - توقیعات مربوط به اموال رسیده به امام عجل الله تعالی فرجه الشریف

شماری از توقیعات درباره اموالی است که شیعیان به عنوان خمس و دیگر وجوه شرعی توسط وکلا یا نایبان خاص به حضور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌فرستادند؛ نمونه‌ای در اینباره محمد بن شاذان نیشابوری گوید: «نزد من پانصد درهم که بیست درهم کسر داشت جمع شده بود دوست نداشتم پولی را که می‌فرستم این مقدارش کم باشد، بدین جهت از مال خود بیست درهم وزن کرده به آن افزودم و به اسدی وکیل امام عجل الله تعالی فرجه الشریف رساندم. اما از اینکه کمبودی داشت و من آنرا کامل کردم چیزی ننوشتم. جواب نامه رسید: پانصد درهم که بیست درهم از شما بود به ما رسید.»^۲

۴ - ۷ - ۳ - امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و علم غیب در توقیعات در تمام توقیعاتی که از جانب امام شرف صدور یافت و از طریق نواب اربعه به دست ما می‌رسید در علم غیب امام نشأت دارد. بطوری که به عقیده سفیران امام عجل الله تعالی فرجه الشریف این نامه‌ها از نشانه‌های بارز عصر غیبت صغری بشمار آمده است. امور غیبی از

۱. طوسی، الغیبة، ۱۷۸: ۱۴۱۱ ق.

۲. کلینی، اصول کافی، ۳۲۳ - ۳۲۴: ۱۴۱۳ ق.

فصل دوم: تاریخچه زندگانی حضرت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه □ ۱۰۱

نکات حائز اهمیت آن بشمار می آمد. گروهی نیز از روی ناآگاهی کوشیدند از این طریق نسبت به علم غیب ائمه معصومین علیهم السلام شبهه ایجاد کنند. در واقع اینان نتوانستند بین علوم غیبی که خدا به امامان بخشیده و علم غیب که مخصوص ذات حضرت حق است، تفاوتی قائل شوند. زیرا علم غیب دو نوع است. نخست، علمی که اختصاص به ذات الهی دارد. دوم، علمی که خداوند، رسول و اولیایش را آگاه کرده است.

نوع اول، علمی است که اختصاص به ذات الهی دارد. خدای متعال فرموده است:

«قُلْ لَا يَعْلَمُ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ الْغَيْبَ إِلَّا اللَّهُ...».

«بگو در آسمان و زمین کسی از علم غیب آگاه نیست.»^۱

و نیز آیه شریفه:

«وَعِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ.»

«کلیدهای غیبی فقط نزد اوست و جز او کسی بر آن آگاه

نیست.»^۲

در باب نوع دوم، خداوند متعال درباره علمی که خداوند، رسول و اولیایش را از آن آگاه کرده است، می فرماید:

«ذَلِكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْغَيْبِ نُوحِيهِ إِلَيْكَ.»

«این از خبرهای غیبی است که به تو وحی می کنیم.»^۳

۱. النمل / ۶۵.

۲. انعام / ۵۹.

۳. آل عمران / ۴۴.

ابن ابی‌الحدید در تأیید این مطلب می‌گوید: «نمی‌توان انکار کرد که در میان ابنای بشر کسانی هستند که از غیب خبر می‌یابند. اما همگی منوط به اراده‌ی خداوند است که قدرت و مقدمات آنرا برای بنده‌اش فراهم می‌کند.»^۱ اندیشه‌ی اسلامی منکر اطلاع اولیای خدا و پیامبران بر بعضی علوم غیبی که خداوند به آنان خبر داده باشد، نیست و علمی را که امامان صریحاً یا تلویحاً ابراز کرده، از این نوع است.

امام علی علیه السلام می‌فرماید:

«از من پرسید قبل از آنکه مرا از دست بدهید که علوم اولین و آخرین نزد من است، به خدا سوگند اگر مرا به قضاوت بنشانند، بین یهودیان براساس تورات و بین نصارا براساس انجیل و بین اهل زبور به زبورشان و بین مسلمانان براساس قرآن داوری می‌کنم. در توقیع امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به محمدبن عثمان آمده است که فرموده بود: بهره‌مند شدن از من در زمان غیبت مانند انتفاع از خورشید در پس ابرها است. من موجب امان اهل زمین هستم، آنگونه که ستارگان مایه‌ی امان آسمانیان اند.»^۲

۸-۳- زمانه‌ی خلفای بنی‌العباس در زمان ولادت حضرت مهدی

عجل الله تعالی فرجه الشریف

چنانچه پیشتر بدان اشاره شد در بررسی خلفای بنی‌العباس روایت تاریخی مربوط به دوران انتهایی زندگی امام عسکری علیه السلام نشان ترس

۱. ابن ابی‌الحدید، ج ۵، باب ۵۸، ۱۲: ۱۳۸۷ ق.

۲. مفید، الارشاد، ۳۵: ۱۴۱۳ ق.

فصل دوم: تاریخچه زندگانی حضرت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه □ ۱۰۳

حکومت از مولود امام عسکری علیه السلام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به خوبی دیده می شود. زیرا روایت حاوی جزئیات مربوط به بازرسی خانه امام عسکری علیه السلام مؤید همین مطلب است. زیر نظر داشتن اوضاع خانه و نظایر آن مسائلی است که وضوح مطلب را برای ما بیشتر مشخص می کند. معتمد عباسی با شهادت امام عسکری علیه السلام به زعم خویش به مقصد خود رسیده بود. زیرا تصور می کرد دیگر خطری سر راه حکومت او وجود ندارد.^۱ از طرفی شنیده بود که از حضرت عسکری علیه السلام فرزند باقی مانده پس در صدد یافتن او برآمد و دستور داد عده ای از قابله ها، همسران و کنیزان آن حضرت را معاینه کند و اگر آثار حملی در آنان مشاهده شد، گزارش دهند.^۲ اما به کنیزی مظنون شدند و از طرف خلیفه دستور داده شد تا آن کنیز را در محلی تحت نظر قرار دهند و پس از مدتی سرانجام اثری از حمل ظاهر نشد و کذب گزارش روشن شد. در این هنگام معتمد برای اینکه وانمود کند از امام عسکری علیه السلام فرزند باقی مانده و شیعیان از وجود امام بعدی ناامید شوند دستور داد میراث آن حضرت به برادرش جعفر تقسیم شود.^۳ ولی شیعیان همچنان عقیده داشتند از امام عسکری علیه السلام فرزند باقی مانده است که امامت را به عهده دارد، زیرا تعدادی از آنان فرزند خردسال امام را دیده بودند.^۴ با بررسی منابع معتبر تاریخی - حدیثی به این نتیجه می رسیم که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پس از شهادت

۱. کلینی، اصول کافی، ۵۰۵: ۱۴۱۳ ق.

۲. اربلی، ۱۹۹: ۱۴۰۵ ق.

۳. مجلسی، بحار الانوار، ۳۲۹: ۱۴۰۳ ق.

۴. فتال نیشابوری، ۲۷۶: ۱۴۰۶ ق.

پدرشان حضرت عسکری علیه السلام مدتی در سامراسکونت داشتند. طبیعی است که قدرت مسلط زمانه وجود حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را خطری می‌پنداشت و از وجود این خطر و نیز از خطر خط شیعی که به خلافت عباسیانی که بر مسند حکمرانی نشسته بودند اعتراف و اقرار نداشت غافل نبود. خلیفه عباسی به دفعات عدیده تلاش کرد تا حضرتش را دستگیر و از بین ببرد ولی هر بار نا کام ماند. باری بعد از گذشت شصت و هشت سال بغداد پس از سامراء پایتخت خلفای عباسی شده بود. دستگاه حکومت به بغداد منتقل شد. بغداد در سال ۱۴۷ در زمان منصور دومین خلیفه عباسی به عنوان پایتخت انتخاب شد. معتصم هشتمین خلیفه عباسی در ۲۲۱ پایتخت را به سامراء منتقل کرد. معتمد در سال آخر حکومت خود (۲۷۹) تصمیم خود را مبنی بر بازگشت مرکز خلافت به بغداد اعلام کرد. او در همان شهر درگذشت. معتمد آخرین خلیفه‌ای بود که در سامراء حضور داشت.^۱ در هر حال فشار و اختناق و انواع محدودیت‌ها در مورد خاندان رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم برای یافتن امام دوازدهم عجل الله تعالی فرجه الشریف همچنان ادامه داشت. تا آنکه قیام یعقوب بن لیث صفاری در خراسان و مرگ ناگهانی عبیدالله بن یحیی بن خاقان و آشوب و فتنه صاحب، در بصره پیش آمد و دربار عباسی تمام نیروی خود را برای مقابله با این حرکت‌ها بکار گرفته بود.^۲

۱. حموی، ۱۷۶: ۱۳۹۹ ق.

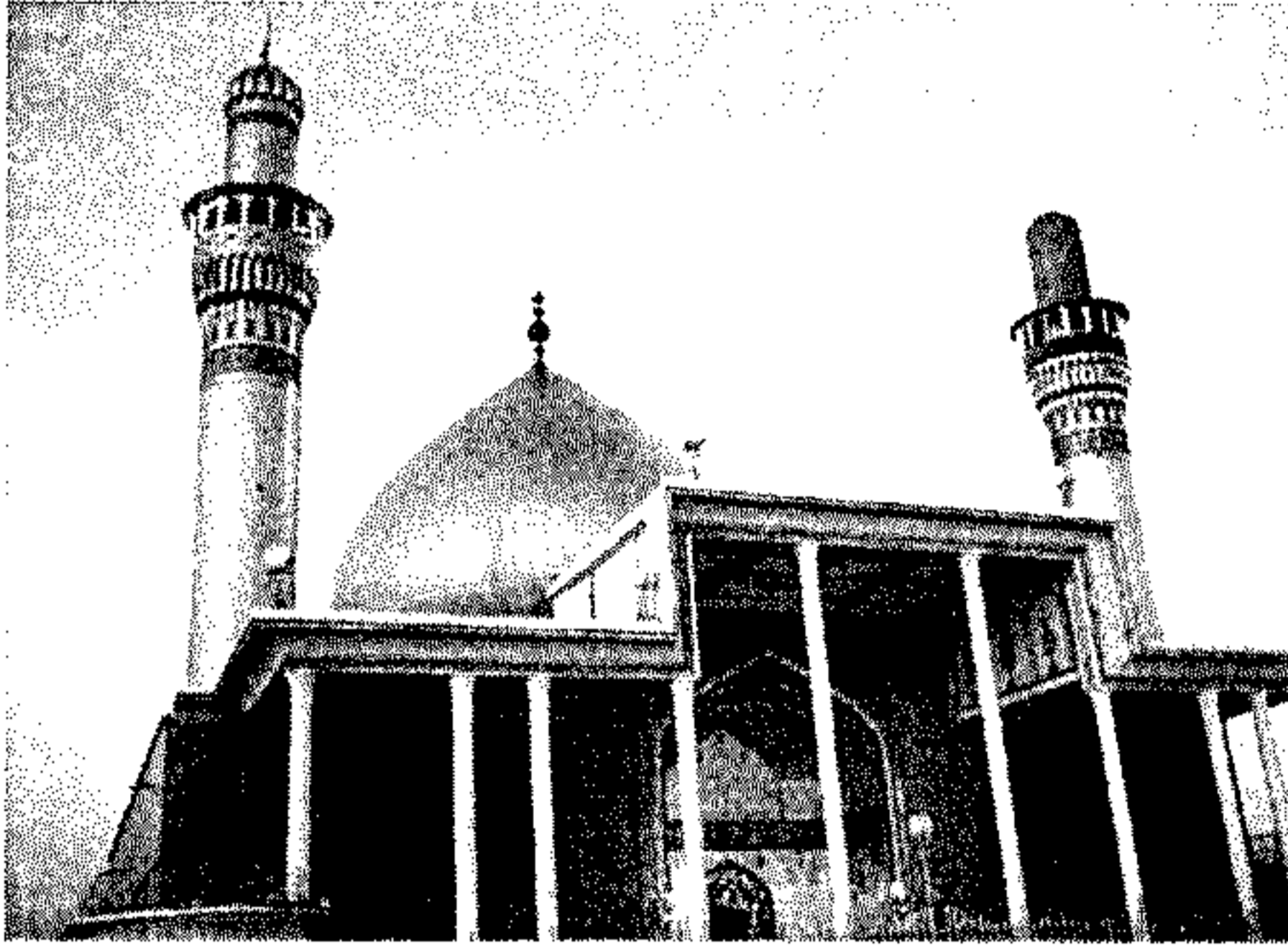
۲. طبری، تاریخ طبری، ۲۲۴: ۱۴۰۹ ق.

۱ - ۸ - ۳ - سرداب سامراء

سرداب به معنی زیر زمین است، محیطی که در زیر زمین ساخته می شود. تا در شدت گرمای تابستان به آن پناه برند. اکثر خانه های گرمسیری عراق از قدیم الایام دارای سرداب بود تا در تابستان مورد استفاده قرار گیرد. خانه امام حسن عسکری علیه السلام از این امر در شهر سامراء مستثنی نبود. مدتی امام هادی علیه السلام، امام عسکری علیه السلام و امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در این سرداب با این مشخصات زندگی می کردند. دوران زندگی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف همزمان با عصر معتمد عباسی بود. او همه تلاشش این بود تا امام عجل الله تعالی فرجه الشریف را دستگیر و مانع از فعالیت ایشان شود. یکی از مأموران او این چنین می گوید: «لشکریان فراوانی برای این امر گسیل شدند. وقتی وارد خانه شدند از آن سرداب صدای قرائت قرآن شنیدند. کنار سرداب جمع شده آن را محاصره کردند تا حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف صعود نکند و از آن جا خارج نشود. فرمانده آن سپاه ایستاده بود تا همه لشکر رسیدند. در این هنگام امام عجل الله تعالی فرجه الشریف از راهی که بر در سرداب بود خارج و از جلوی آنان گذشت تا غائب شد. فرمانده سپاه گفت در سرداب بریزید و او را بگیرید. گفتند مگر از مقابل دیدگان شما گذشت و رفت؟! فرمانده گفت: من او را ندیدم، شما که دیدید چرا به او حمله نکردید؟ سپاهیان گفتند: ما گمان کردیم که تو او را دیدی، چون فرمان ندادی مانع حرکتی از خود نشان ندادیم.»^۱

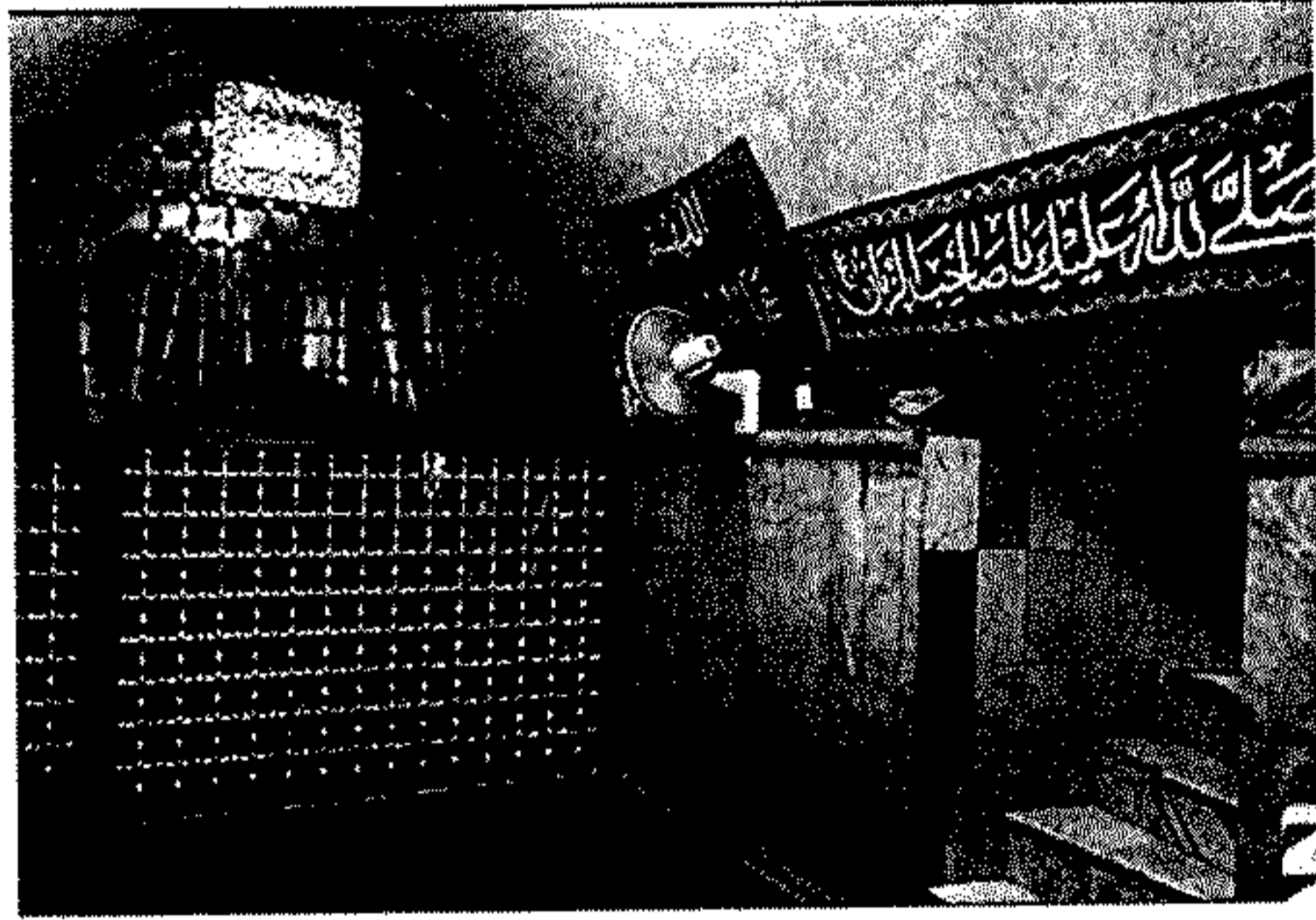
۱. مجلسی، بحار الانوار، ۵۲: ۱۴۰۳ ق.

مرقد امامین عسکریین علیهما السلام

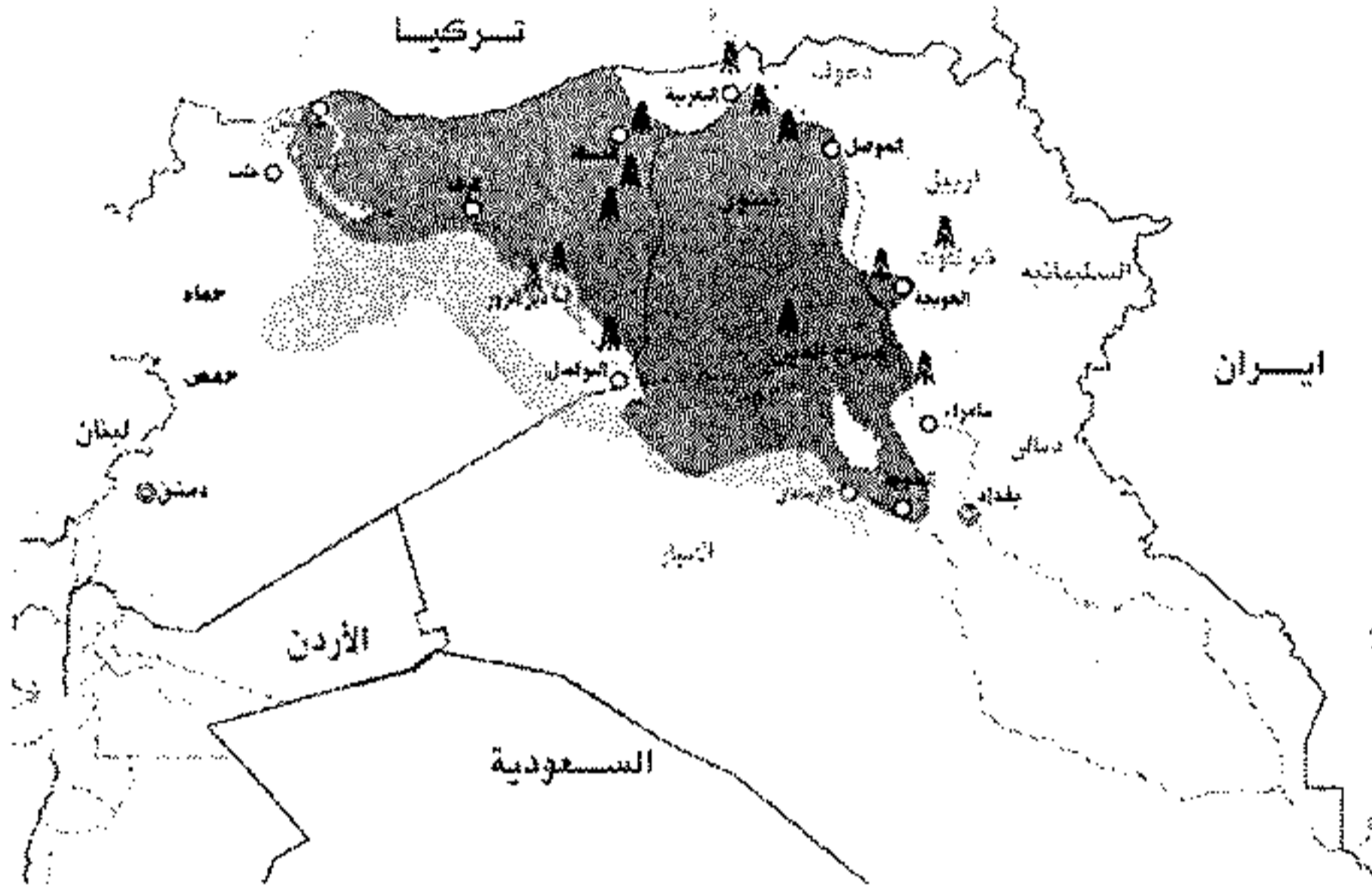


فصل دوم: تاریخچه زندگانی حضرت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه □ ۱۰۷

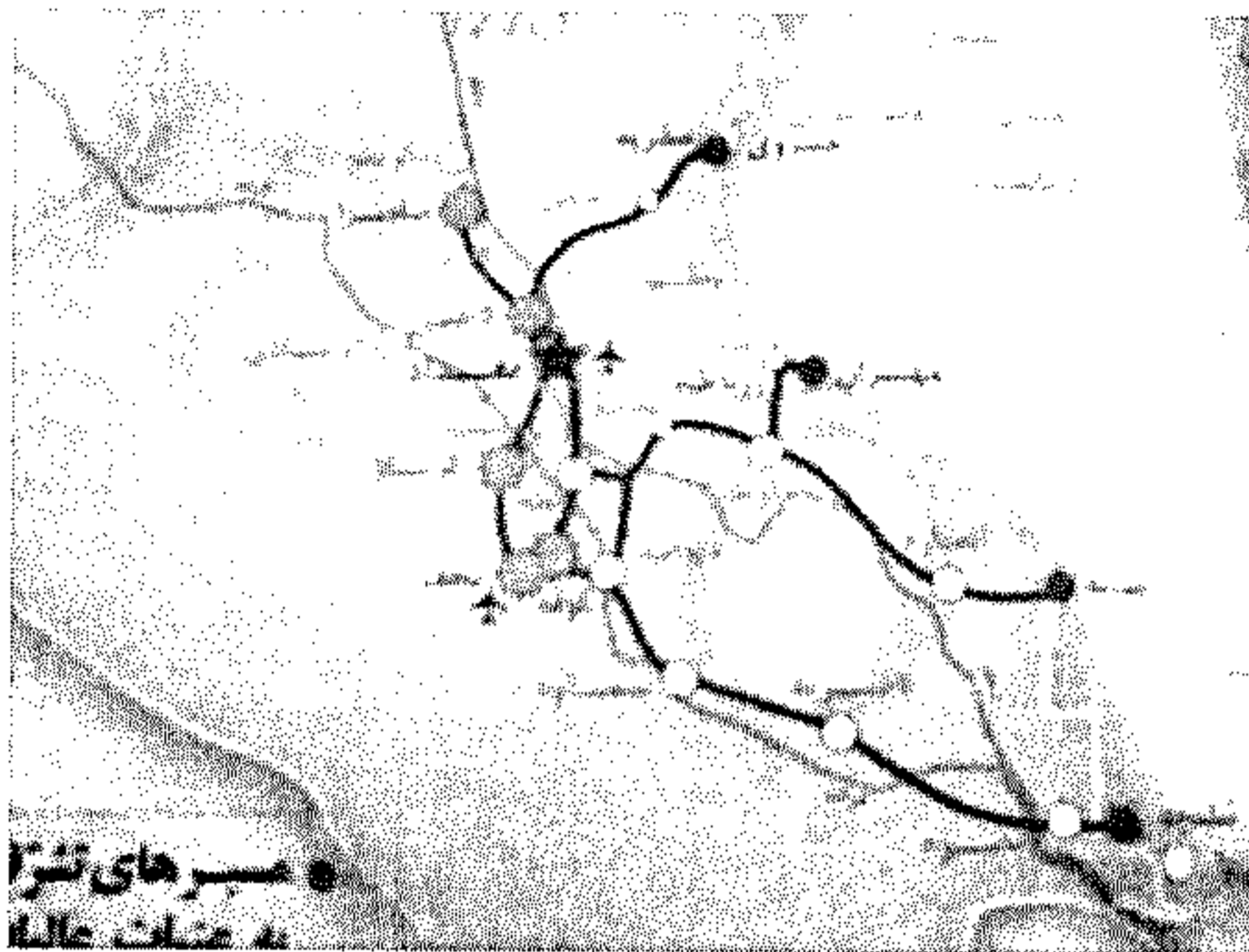
سرداب سامرا



مسیر نقشه رفتن به سامرا



فصل دوم: تاریخچه زندگانی حضرت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه □ ۱۰۹



فصل سوم

امامت امام محمدی عجل الله تعالی فرجه الشریف
از منظر برخی از آیات قرآن

حکومت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف طبق عقیده شیعه و اهل سنت سراسر روی زمین را پر از عدل و داد می نماید، بعد از آنکه ظلم و جور همه جا را گرفته باشد. در بسیاری از روایات معصومین و مصداق کامل آیه ۵۵ سوره نور است حکومت جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف که خداوند وعده فرموده است در آن روز اهل ایمان بر جهان حکومت می کنند. در قرآن کریم آیاتی است که مفسران آنها را به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تأویل نمودند. امام دوازدهم عجل الله تعالی فرجه الشریف فردی است که تحقق وعده الهی را که پیامبر اسلام به انسانیت ابلاغ کرده، بر عهده ایشان نهاده است. در قرآن بارها به حکومت نهایی صالحان تصریح شده است از جمله:

«لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ».

«اسلام بر همه ادیان پیروز خواهد شد.»^۱

این وعده تخلف ناپذیر الهی است و درست فرموده است.

﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ
لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ
لَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَ لَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ
خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ
ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ﴾.

«خداوند با کسانی از شما که ایمان آورده و عمل صالح انجام داده‌اند وعده فرموده که در ظهور امام قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف در زمین خلافت دهد، چنانکه امم صالح پیامبران گذشته را جانشین پیشینیان خود ساخت و دین پسندیده آنان را بر همه جا مسلط و نافذ گرداند. بر همه مؤمنان پس از ترس و هراس از دشمنان، ایمنی کامل عطا فرماید که مرا عبادت کرده هیچ به من شرک نوززند و هرکه بعد از آن وعده کافر شود پس از آن گروه همان فاسقان تبه کارند.»^۱

محمد بن ابراهیم النعمانی فی الغیبه: عَنْ أَبِي بصير، عَنْ
أبي عبد الله عليه السلام فِي (مَعْنَى) قَوْلِهِ: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا
مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا
اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ وَ دِينَهُمُ الَّذِي
ارْتَضَى لَهُمْ وَ لَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي
لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا قَالَ: (نَزَلَتْ فِي) الْقَائِمِ وَاصْحَابِهِ.»^۲

۱. نور / ۵۵.

۲. نعمانی، الغیبه، ۱۲۶: بی تا.

فصل سوم: امامت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف... □ ۱۱۵

محمد بن ابراهیم نعمانی در کتاب الغیبه گوید: «از ابوبصیر از امام ابو عبدالله صادق علیه السلام برایمان حدیث گفت که آن حضرت در (معنی) فرموده خداوند: درباره حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف و اصحاب او نازل گشت.»

فی الاثناء مطلب المذكور: «عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ عليه السلام فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: فَوَرَّتْ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ أَنَّهُ وَ لَحَقَّ مِثْلَمَا أَنْكُمْ تَنْطِقُونَ قَالَ: قَوْلُهُ: إِنَّهُ وَ لَحَقَّ قِيَامُ الْقَائِمِ عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفِ.»^۱

شایان ذکر است از اسحاق بن عبدالله از علی بن الحسین علیه السلام درباره خدای عزوجل به پروردگار آسمان و زمین سوگند که این مطلب حق است همچنان که بایکدیگر سخن می گویند. فرمودند: اینک فرموده همانا آن حق است قیام حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف است. ذیل این توضیحات به نظر می رسد این وعده الهی برای برپایی یک جامعه عاری از ظلم و ستم است. جامعه ای که عدالت آن در سراسر جهان حکم فرما خواهد شد و در آن از ظلم و ستم اثری نخواهد بود و شریعت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در آن جاری می شود تا جایی که آسمان و زمین از شوقشان می بارند و می ریزند. امنیت سراسر عالم را فرا می گیرد، اگر بانویی تنها با طبق جواهر دور دنیا رود هیچ احدی بر او تعرض نمی کند و نیز اگر قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف خروج کند، میان درندگان صلح می شود. حتی بانویی راه می رود و میان عراق و شام

۱. البحرانی، المحجّة، ۱۴۹: ۱۴۱۳ ق.

نمی‌گذارد پای خود را مگر بر گیاه و به هیجان نمی‌آورد او را درنده‌ای.^۱ در واقع این‌گونه می‌توان گفت که همه آسمان و زمین، پرندگان، حیوانات، ماهیان، دریا از ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف شادمان می‌شوند بارش رحمت باران الهی با وعده حقیقش که آمدن مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف را وعده می‌دهد، به روی قلب‌ها، اندیشه‌ها، عقل‌ها می‌بارد و از شب‌ها قلب امام معصوم عجل الله تعالی فرجه الشریف است که آرامش حقیقی برپا می‌شود. و اینجاست که با انتخاب مسیر حق و یا باطل، انسان‌ها جایگاه خود را، با توجه به مصداق آیات قرآنی، إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا و إِمَّا كَفُورًا.^۲ در این عالم هستی جستجو می‌کنند.

در روایات مربوط به فرار سیدن و وعده الهی برای ظهور موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف آمده است، صیحه‌ای در ماه رمضان که صدای جبرئیل است به گوش خلایق می‌رسد، آنگاه منادی به نام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از آسمان ندا می‌دهد هر کس در مغرب و مشرق عالم است آن ندا را می‌شنود به این ترتیب، همه خفتگان بیدار می‌شوند، همه آنان که ایستاده‌اند، به حالت نشسته می‌روند و همه نشستگان به پای می‌خیزند.^۳

در پی ندای آسمانی، برخی مردگان سر از قبرها بیرون می‌آورند و می‌خواهند، با قلبی مطمئن با عهدی که با حضرت عجل الله تعالی فرجه

۱. طبرسی نوری، نجم‌الثاقب، ۲۰۵: ۱۴۱۵ ق.

۲. انسان / ۳.

۳. نعمانی، الغیبه، ۲۵۴: بی‌تا.

فصل سوم: امامت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف... □ ۱۱۷

الشرف در دنیا داشتند، وفای عهد کنند.^۱ آن‌ها که در طول تمام سالیان عمرشان با شناختی که از امام عجل الله تعالی فرجه الشریف به دست آورده بودند چشم انتظار آمدن موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف بودند و با عمق وجودشان مطیع امر، اوامر ایشان بوده و تمام ابعاد زندگیشان را بر الگوی امامت و انسان‌مداری استوار کردند. گذر زمان از زمان عمرشان رد شد و پیمانۀ عمرشان به سر رسید و تمام نجواهای عاشقانه با امامشان به امانت سپردند و بار سفر از دنیا بستند. هنگامه ظهور سر از قبر بیرون می‌آورند و دنبال موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف آخرین منجی بشریت که بارها در کتاب معجزه حضرت محمد ﷺ قرآن کریم وعده داده شده بود لبیک گویان پشت سر امام عجل الله تعالی فرجه الشریف به راه می‌افتند.

علامه طباطبایی، درباره این آیه به اجمال می‌فرماید:

«آنچه از کل این آیه بر می‌آید، این است که خدای سبحان به کسانی که ایمان آورده و عمل صالح انجام می‌دهند وعده داده است که برایشان جامعه‌ای صالح، عاری از کفر و نفاق خواهد ساخت که بر ایمان و عمل مردمان آن تنها حق حاکم باشد و آنان وارثان زمین خواهند شد و بدون ترس از دشمن خواهند زیست، از ستم ستمگران و حاکمیت مستبدان آزاد خواهند بود. این جامعه پاک و پاکیزه و مبتنی بر فضیلت از روزگار رسول خاتم ﷺ تاکنون تحقق نیافته است و برابر آنچه در اخبار متواتر و نقل از پیامبر ﷺ و ائمه آمده، این ویژگی‌ها فقط بر

۱. طبرسی، مجمع البیان، ۷۴: ۱۳۷۹ ق.

جامعه در روزگار ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تطبیق می‌کند.»^۱

ابن بابویه گوید: پس جندل عرض کرد ای رسول خدا! من دیشب در خواب موسی بن عمران علیه السلام را دیدم که به من فرمود: ای جندل! به دست محمد صلی الله علیه و آله و سلم مسلمان شو و به جانشینان بعد از او دست بیاویز، پس من مسلمان شدم و خداوند این نعمت را به من روزی فرمود اکنون مرا از جانشینان بعد از خودت خبر ده تا به آنان متمسک گردم. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: ای جابر! اوصیای من پس از من به شماره نقبای بنی اسرائیل می‌باشد. عرضه داشت: آنها دوازده تن بودند همچنان که در تورات یافته‌ام رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: آری امامان بعد از من دوازده تن می‌باشند، عرضه داشت: ای رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آیا همگی آنها در یک زمان خواهند بود؟ فرمود: نه، ولی جانشینی پس از جانشین دیگر که البته تو جز سه تن از آنها را درک نخواهی کرد.

جندل عرض نمود: ای رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم ما یاد آنها را در تورات یافته‌ایم و البته موسی بن عمران به تو و جانشینان بعد از تو از خاندانت به ما مژده داده است. سپس رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم این آیه را تلاوت کردند: خداوند وعده داده کسانی که از شما ایمان آورده و کارهای نیک انجام داده‌اند اینکه البته آنها را در زمین جایگزین خواهد ساخت همچنان که آنان را پیش از ایشان بودند به خلافت رسانید و به راستی که دینشان را که برایشان پسندیده مکننت خواهد داد و پس از ترسشان به جای آن امنیت‌شان خواهد بخشید.

آن‌گاه جندل عرض کرد: ای رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم ترس آنها چیست؟

۱. طباطبایی، ۱۵۵: ۱۴۱۱ ق.

فرمود: ای جندل! در زمان هریک از آنان کسی هست که معترض او شود و اذیتش کند، پس هرگاه خداوند خروج قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف را تعجیل فرماید زمین را پراز قسط و عدل سازد همچنان که از ستم و ظلم آکنده باشد. سپس رسول خدا ﷺ فرمود: خوشا به حال صبرکنندگان در زمان غیبت او، خوشا به حال کسانی که بر شیوه آنان پایدار ماند، آنها ایند که خداوند در کتابش آنان را وصف کرده و فرموده: آنانکه به غیب ایمان دارند. سپس فرمود: آنها حزب خدایند، بدانید که البته حزب خداوند رستگارانند.^۱ ابن الاصقع^۲ می گوید: سپس جندل بن جناده تا زمان حضرت حسین بن علی عليه السلام زندگی کرد. آنگاه به طائف رفت پس از آن نعیم بن ابی قیس برایم گفت که در طائف بر او وارد شدم در حالی که بیمار بود. سپس شیر درخواست کرد و آن را آشامید و گفت این چنین رسول خدا ﷺ به من وعده فرمود که آخرین توشه ام از دنیا آشامیدنی شیر باشد. آنگاه درگذشت خدای تعالی رحمتش کند. او در طائف در محلی که به کوراء معروف است دفن شد.^۳

وعده خداوند در هر آیه ای از قرآن آمده باشد عملی می شود. ذیل آیه سوره انبیاء پروردگار می فرماید:

﴿وَعَدَّا عَلَيْنَا إِنَّا كُنَّا فَاعِلِينَ﴾.

«این وعده ماست که انجام خواهیم داد.»^۴

۱. مجادله / ۲۲.

۲. روایت کننده این خبر از جابر بن عبدالله.

۳. حائری قزوینی، ۲۷۰: ۱۳۷۶ ق.

۴. انبیاء / ۱۰۴.

خداوند به بنی اسرائیل وعده آمدن موسی عَلَيْهِ السَّلَامُ را بشارت داد و موسی عَلَيْهِ السَّلَامُ را برای آنها فرستاد. برای امت محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وعده آمدن منجی را داد. امید و رجاء از خصوصیات بارز مسلمانان است. امید است که آن روز، روز عزت مؤمنین است، این وعده پروردگار عالمیان عملی شود.

﴿لَا يَحْزَنُهُمُ الْفَزَعُ الْأَكْبَرُ وَ تَتَلَقَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ هَذَا يَوْمُكُمْ الَّذِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ﴾.

«هیچ‌گاه آن هراس عظیم آنان را اندوهگین نخواهد ساخت و فرشته‌ها به استقبال ایشان می‌آیند، و می‌گویند: این همان روزی است که در دنیا به شما وعده داده می‌شد.»^۱
سیر نظریه پردازان قرآن کریم در جای دیگر برای اثبات این وعده الهی تذکر می‌دهد و می‌فرماید:

﴿وَ إِنْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ إِلَّا لَيُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ وَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكُونُ عَلَيْهِمْ شَهِدًا﴾.

«همه اهل کتاب، قبل از مرگش به او ایمان خواهند آورد و او در روز قیامت گواه آنان خواهد بود.»^۲

این آیه خبر حتمی بودن روز نجات و صلح جهانی موعود را به جهانیان عرضه می‌دارد. حتی برخی تفاسیر منظور این آیه را عیسی عَلَيْهِ السَّلَامُ دانسته‌اند. این طور به نظر می‌رسد از منظر قرآن و روایات اسلامی ظهور حضرت عیسی عَلَيْهِ السَّلَامُ این پیامبر الهی همزمان با آمدن موعود

۱. انبیا / ۱۰۳.

۲. نساء / ۱۵۹.

فصل سوم: امامت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف... □ ۱۲۱

حضرت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است. زیرا قرآن ذیل آیات سوره نساء نص صریح قرآن است که کشته شدن عیسی علیه السلام را بطور قطع نفی می کند.

﴿وَقَوْلِهِمْ إِنَّا قَتَلْنَا الْمَسِيحَ عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ رَسُولَ اللَّهِ وَمَا قَتَلُوهُ وَمَا صَلَبُوهُ وَلَكِنْ شُبِّهَ لَهُمْ وَإِنَّ الَّذِينَ اخْتَلَفُوا فِيهِ لَفِي شَكٍّ مِنْهُ مَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ إِلَّا اتِّبَاعَ الظَّنِّ وَمَا قَتَلُوهُ يَقِينًا﴾^۱

﴿بَلْ رَفَعَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا﴾^۲

زیرا گفتند، ما مسیح بن مریم، پیامبر خود را کشتیم، در حالی که او را نکشتند و بر صلیب نکشیدند. بلکه کسانی در مورد قتل او اختلاف کردند، اشتباه کردند. از آن عقیده در شک هستند و بر آن آگاهی ندارند و فقط از گمان خویش پیروی می کنند، بطور یقین مسیح را نکشتند. بلکه خدا او را به سوی خود، بالا برد و خداوند توانا و حکیم است.

مقصود آیه ﴿إِلَّا لِيُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ﴾ حضرت عیسی علیه السلام بوده است که قبل از مرگش، اهل کتاب به او ایمان می آورند. یعنی در زمان قیام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف خداوند عیسی علیه السلام را از آسمان فرو می فرستد و همه ادیان یکی و اسلام دین واحد می شود. در تفسیر علی بن ابراهیم آمده است: که عیسی علیه السلام قبل از قیامت از آسمان فرود می آید و احدی از یهود و نصارا نخواهد ماند که به او ایمان نیاورد و او پشت سر

۱. نساء / ۱۵۷.

۲. نساء / ۱۵۸.

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نماز خواهد خواند.^۱
 در روایت آمده است، حضرت عیسیٰ علیه السلام به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می گوید: همانا من به عنوان وزیر فرستاده شده‌ام نه امیر و فرمانروا.^۲ حضرت عیسیٰ علیه السلام وزیر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و پرده‌دار آن حضرت است.^۳

﴿الم، ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ. الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ﴾.

«الم (از رموز و اسرار قرآن است). این کتاب که هیچ تردیدی در آن نیست، روشنگر راه پرهیزکاران است. آنان که به غیب ایمان آورند و نماز را برپای دارند و از آنچه به ایشان روزی داده‌ایم انفاق می‌کنند.»^۴

در رابطه با لفظ ایمان، عده‌ای ایمان را فرمانبرداری از خداوند و یا انجام دادن وظایف و دوری گزیدن از گناهان معنا کرده‌اند و برخی علاوه بر رعایت مقررات واجب و پرهیز از گناهان، بجا آوردن کارهای مستحب را نیز به آن می‌افزایند. در این رابطه از امام رضا علیه السلام نقل کرده‌اند که فرمودند:

«انّ الايمان هو، التصديق بالقلب و الاقرار بالسان و العمل بالأركان و اتباع الرسول».

۱. طوسی، التبیان، ۳۸۶: ۱۳۷۶.

۲. ابن طاووس، ۱۶۰: ۱۴۳۵ ق.

۳. بحرانی، غایة المرام، ۲۶۰: ۱۴۲۲ ق.

۴. بقره / ۲ - ۳.

فصل سوم: امامت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف... □ ۱۲۳

«ایمان، تصدیق به قلب، اقرار با زبان و عمل با ارکان و اعضا است و پیروی از پیامبر خدا رسول اکرم ﷺ است.»^۱

ابن بابویه قال: «عن علی بن ابی حمزه، عن یحیی بن (ابی) القاسم قال: سألت الصادق ﷺ عن قول الله عزوجل: الم ذلك الكتاب لا ريب فيه هدى للمتقين الذين يؤمنون بالغيب فقال: المتقون شيعه علی ﷺ و الغيب. فهو الحجة (الغایب).»

ابن بابویه گوید: از علی بن ابی حمزه، از یحیی بن (ابی) القاسم که گفت: از امام صادق ﷺ درباره فرموده خدای عزوجل: الم، این کتاب که هیچ تردیدی در آن نیست، روشنگر راه پرهیزکاران است آنان که به غیب ایمان آوردند پرسیدم، حضرت صادق ﷺ فرمود: «متقیان، شیعیان علی ﷺ هستند و غیب همان حجت (غائب) است.»^۲

به نظر می‌رسد ایمان همان شناخت ژرف و واقعی خدا و پیام آوران او با باور عمیق به برنامه‌ها و مقرراتی است که آنان از سوی آفریدگار هستی آوردند؛ چرا که هر که مطلبی رانیک دریافت، بطور طبیعی آنرا گواهی می‌کند و بدان ایمان می‌آورد. آیه شریفه بیانگر این نکته است، علت اینکه در آیه مورد بحث ایمان به واژه غیب گره زده می‌شود، آن است که آنان وقتی به غیب ایمان می‌آورند، آنچه را که پیام آوران از طریق ارتباط با جهان غیب آورده‌اند، گرچه خود نمی‌بینند با

۱. صدوق، عیون اخبار الرضا ﷺ، ۲۴۰: ۱۴۰۴ ق.

۲. حائری قزوینی، ۳۶: ۱۳۷۶ ق.

اطمینان خاطر و آرامش قلب می‌پذیرند. قرآن این ایمان به غیب را پیش از هر برنامه عبادی و اعتقادی واجب ترسیم می‌کند. آنگاه آن دو برنامه مهم را که برپا داشتن نماز و ارتباط با خدا و انفاق به محرومان و ارتباط با مردم است، به ایمان پیوند می‌دهد.^۱ می‌فرماید:

﴿الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ﴾^۲ و شاهد ذلك قوله تعالى: ﴿وَيَقُولُونَ لَوْلَا أُنزِلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِنْ رَبِّهِ فَقُلْ إِنَّمَا الْغَيْبُ لِلَّهِ فَانْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنتَظِرِينَ﴾^۳

و شاهد آن فرموده خدای تعالی است. کافران گویند چرا آیتی از پرورگارش بر او نازل نمی‌شود، پس بگو همانا غیب مخصوص خداست، پس منتظر باشید که ما نیز از منتظران هستیم.^۴

«فی حدیثٍ یذکرُ فیهِ الأئمَّةُ الاثنی عشرَ القائمِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: طُوبَى لِمَنْ صَبَرَ فِي غَيْبِهِ، طُوبَى لِلْمُقِيمِينَ عَلَى مَحَبَّتِهِمْ أَوْلِيَاءَ مَنْ وَصَفَهُمُ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ فَقَالَ: الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ ثُمَّ قَالَ: أَوْلِيَاءَ حِزْبِ اللَّهِ الْآنَ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ.»^۵

۱. طبرسی، مجمع البیان، ۱۳۰: ۱۳۷۹ ق.

۲. بقره / ۳.

۳. یونس / ۲۰.

۴. صدوق، کمال‌الدین، ۳۴۰: ۱۴۰۵ ق.

۵. الخزاز القمی الرازی، ۶۰: بی‌تا.

خداوند در این آیه اهل ایمان حقیقی را از ایمان لسان که با گفتن شهادتین آغاز می شود از هم جدا کرده است. در آیات قرآن، پروردگار اشاره به «یؤمنون بالغیب» دارد. زیرا وجود خداوند غیب است همچنین بهشت و دوزخ نیز غیب است چنان می فرمایند «یؤمنون بالصلاة؟»

به دلیل اینکه تنها نماز نشانه ایمان افراد نخواهد بود. شیطان رجیم قبل از آنکه از درگاه پروردگار رانده شود. بنابر روایت معصوم علیه السلام، شش هزار سال به درگاه خدا سجده کرد. دو رکعت نماز شیطان چهار هزار سال طول کشید. در همین رابطه از حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام سؤال شد چرا افرادی هستند که اهل صلاه هستند واجبات دینشان را انجام می دهند ولی در نتیجه کار عاقبت به شر از این دنیا می روند؟ حضرت در پاسخ به این سؤال، شیطان را مثال زدند. آنجا که خداوند امر کرد به شیطان که به آدم سجده کند، سجده نکرد. گستاخی شیطان هتک حرمتی بود به پروردگار و راه را برای دیگر نافرمانی ها باز کرد. حضرت فرمودند:

﴿لَمْ يَكُنْ مِنَ السَّاجِدِينَ﴾.

«شیطان سجده کننده واقعی نبود.»^۱

به همین دلیل است که بزرگان دین نشانه ایمان را علاوه بر صلاه امور دیگری همچون ایمان به غیب، اطاعت - بندگی، صدق نیت که در دعای مخصوص امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف آمده بر شمردند و چون وجود امام دوازدهم شیعیان عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز غیب

است، اگر ایمان به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در افراد شکل گیرد یکی دیگر از نشانه‌های ایمان به پروردگار در انسان‌های مؤمن تجلی می‌کند.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ﴾.

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید اطاعت نمایید خدا را و اطاعت نمایید پیغمبر ﷺ و اولی الامر از خودتان را.»^۱

اینگونه به نظر می‌رسد در آیه شریفه، مردم را به رعایت مقررات خدا و انجام دستور پیامبر و اطاعت از زمامداران عدالت پیشه و آگاه در قلمرو مقررات تشویق می‌کند و منظور از فرمان‌برداری از پیامبر ﷺ اقتدا به آن حضرت ﷺ و انجام دستور و به جان خریدن فرمان ایشان و هشدارپذیری از هشدارهای آن بزرگوار است. سفارش به اطاعت رسول الله ﷺ و اولی الامر حضرت به صورت جداگانه‌ای در آیه کاملاً مشخص است و نظیر این فرمان در آیات دیگر هم کاملاً مشهود است.

﴿مَنْ يُطِعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ﴾.

«هرکس از پیامبر فرمان‌برداری نماید درحقیقت خدا را فرمان برده است.»^۲

﴿وَ مَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ. إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ﴾.

۱. نساء / ۵۹.

۲. نساء / ۸۰.

فصل سوم: امامت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف... □ ۱۲۷

«و از روی هوس سخن نمی‌گوید. نیست این سخن جز وحی که نازل می‌شود.»^۱

و آن پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ برگزیده از روی هوا و هوس سخن نمی‌گوید و آن گفتار ایشان جز وحی الهی که به او فرود می‌آید چیز دیگری نیست. ابن بابویه گوید: جابر بن یزید جعفی. گوید: شنیدم جابر بن عبدالله انصاری می‌گفت: هنگامی که خداوند عزوجل بر پیامبرش حضرت محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ این آیه را نازل کرد: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید اطاعت کنید خدا را و اطاعت کنید پیغمبر و اولی الامر از خودتان را» عرض کردم: یا رسول الله، خدا و رسولش را شناختیم، اولی الامر که خداوند طاعتشان را به طاعت تو مقرون ساخته چه کسانی هستند؟ آن حضرت صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود: «آنان خلفای من هستند ای جابر و امامان مسلمین پس از من می‌باشند. اولی شان علی بن ابیطالب عَلَيْهِ السَّلَام سپس همانم و هم‌کنیه ام حجت خدا در زمین بقیه الله فرزند حسن بن علی عَلَيْهِ السَّلَام»^۲

آنکه خدای تعالی به وسیله ی او مشارق و مغارب زمین را بر دست‌های او فتح خواهد کرد، آنکه از شیعیان و دوستانش غیبتی خواهد داشت که در زمان غیبتش بر اعتقاد به امامتش ثابت نمی‌ماند مگر کسی که خداوند دلش را برای ایمان آزمایش کرده باشد.^۳ جابر گوید: «به آن حضرت عرضه داشتیم: یا رسول الله، آیا برای شیعیانش نفعی از او در زمان غیبت است؟ فرمود: آری سوگند به آنکه مرا به پیغمبری مبعوث

۱. نجم / ۳ - ۴.

۲. صدوق، کمال‌الدین، ۲۵۳: ۱۴۰۵ ق.

۳. عیاشی، ۴۴۹: بی تا.

ساخت. آنها در عصر غیبت به نور او روشنائی می‌گیرند و به ولایت او نفع می‌برند، همچنان که مردم از نور خورشید سود می‌برند هر چند که ابری آنها بپوشاند. ای جابر، این از مکنون سرالهی و مخزون علم او است، آنرا جز از اهلش مخفی مدار.»

در آیه ﴿یا ایها الذین آمنوا اطیعوا الله و اطیعوا الرسول واولی الامر منکم﴾ مسئله مهم اطاعت مورد بررسی می‌باشد. این امر در مورد رسول الله ﷺ و امامان معصوم علیهم‌السلام به کمال خود رسید.»

چنانچه طبق آیه ﴿یا ایها الرسول بلغ ما أنزلنا الیک من ربک و ان لم تفعل فما بلغت رسالتہ﴾ ای پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم! آنچه را از سوی خدا به تو نازل شد، (به مردم) برسان و اگر چنین نکنی، رسالت او را انجام نداده‌ای. ^۱

بر این باوریم حضرت رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم که به عنایت پروردگار نیز سرچشمه رحمت و پاکی و هدایت است و خود می‌دانند، امام کامل کننده رسالت است. رسالت بیست و سه ساله ایشان تنها با معرفی امام و وصی بعد از خودشان به کمال می‌رسد. خداوند این فرمان را به رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌دهد. همان‌طور که به موسی علیه‌السلام فرمان می‌دهد، هارون را به جانشینی خود معرفی کند و بعد می‌فرماید، «اولی الامر منکم» اینجا، به خود رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم باز می‌گردد که از جنس خود پیامبر باشد، مربوط می‌شود به امامان دوازده گانه، سپس خداوند در آیه شریفه سوره ابراهیم اشاره به «و ذکرهم بآیام الله» ^۲ می‌کند. خداوند به

۱. مائده / ۶۷.

۲. ابراهیم / ۵.

پیامبر خود می‌فرماید: «روزهای خدا» را برای آنان یادآوری کن تمام روزها، مخصوص خدا است. خداوند برای روزهایی استثناء قائل شده است. مثل تعیین پیغمبری رسالت، تعیین امامت و چون روز تعیین شعائر دینی است از این جهت دارای اهمیت می‌باشد. خداوند در این آیه می‌فرماید: «تذکر بده، به امر مهمی که در یک روز همه جهان تحت فرمان خدا در می‌آید. روز ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و روز رجعت و روز قیامت از آثار آن روز مهم می‌باشد. به نظر می‌رسد، با توجه به این آیات قرآن در آیات متعددی فرمانبرداری از پیامبر ﷺ را خاطر نشان می‌سازد. در نتیجه اطاعت از فرمایش پیامبر ﷺ همان اطاعت از خداست و این بدان دلیل است که آن حضرت با دو عنصر اساسی وحی و رسالت و آگاهی ژرف و نیز عصمت و معصومیت از لغزش و گناه، از همگان ممتاز شده است و تصور اشتباه در او نمی‌رود.

«و اولی الامر منکم. و صاحبان امر را اطاعت کنید.»

تفکر شیعه بر این باور است، امامان از خاندان رسالت هستند، آنانند که خدا اطاعتشان را واجب ساخته و فرمانبرداری از آنان مانند فرمانبرداری از خدا و پیامبر عنوان شده است. زیرا اطاعت بدون قید و شرط و بطور مطلق از کسی در صورتی زیبنده است که او معصوم و درون و برونش مطهر و یکسان باشد و از هر لغزش و خودخواهی پاکیزه باشد. معتقدیم همه انسان‌ها در هر مقام و منصب و جایگاهی که باشند امکان خطا از اعمال و افکار آنها بر می‌آید و تنها امام معصوم است که نه تنها از اعمال او خطایی بر نمی‌آید، حتی فکر خطا بر ذهن ایشان وارد نمی‌شود. این مهم به قوه تسلط به اذن الهی به امام مربوط

است. در قرآن آمده است:

﴿وَقُلْ رَبِّ ادْخِلْنِيْ مُدْخَلَ صِدْقٍ وَّاَخْرِجْنِيْ مُخْرَجَ صِدْقٍ
وَاجْعَلْ لِّيْ مِنْ لَّدُنْكَ سُلْطٰنًا نَّصِيْرًا﴾.

«و بگو: پروردگارا! مرا در هر کاری به درستی وارد کن و به درستی خارج ساز، و از جانب خود برایم حجتی یاری بخش پدید آور.»^۱

﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِيْ الزَّبُوْرِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ اَنَّ الْاَرْضَ يَرِثُهَا
عِبَادِي الصّٰلِحُوْنَ﴾.

«و ما بعد از تورات، در زبور (کتاب داوود) نوشتیم بندگان شایسته‌ام، وارث (حکومت) زمین خواهند شد.»^۲

چنانچه بررسی شد این آیه نشان این مطلب است که در زبور پس از ذکر نوشتیم که زمین را بندگان شایسته کردار به میراث خواهند برد. روشنی چشم‌ها با ظهور او و زمانی محقق خواهد شد که امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف قیام فرماید و اصلاح همه جانبه را در زندگی انسان‌ها و در سراسر جهان آغاز کند. آنگونه که در آیه مذکور آمده است. به باور دیگر «زبور» به مفهوم کتاب‌هایی است که پس از تورات فرود آمد و واژه ذکر به مفهوم خود تورات است. با این بیان منظور این است که ما پس از تورات در زبور نوشتیم. از دیدگاه دیگر «زبور» کتاب داوود است و ذکر کتاب موسی و برخی واژه ذکر را به مفهوم قرآن گرفته‌اند.

۱. اسراء / ۸۰.

۲. انبیاء / ۱۰۵.

فصل سوم: امامت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف... □ ۱۳۱

علی بن ابراهیم: «فی تفسیر المنصوب الی الصادق علیه السلام فی معنی الآیه قال: قال: الکتب کلها ذکر (الله)، ان الارض یرثها عبادی الصالحون قال: القائم علیه السلام و اصحابه.»^۱

علی بن ابراهیم در تفسیرش که منصوب به امام صادق علیه السلام است در معنی این آیه گوید، فرموده: تمام کتاب‌های آسمانی ذکر خداوند است. البته بندگان صالح من زمین را به ارث خواهند برد. فرمود: حضرت قائم علیه السلام و اصحاب اویند.

این وعده، وعده‌ای الهی است که خداوند آنرا به مؤمنان و مستضعفان در برپایی دولت بزرگ و عدالت مطلقه هدیه داده است. حکم آنرا در آیات ۶-۵ سوره قصص صادر می‌کند و در این آیه ۱۰۵ سوره انبیاء این وعده را عملی می‌داند. این وعده‌ای اجتناب‌ناپذیر، مقدر شده از سوی پروردگار است که مطهر شدن زمین را به دست مردی از نوادگان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و فرزندان حضرت فاطمه علیها السلام مُحقق می‌داند. ﴿أَنَّ الْأَرْضَ يَرثُهَا عِبَادِي الصَّالِحُونَ﴾ منظور از بندگان صالح، کسانی هستند که صبر و تحمل‌شان به درازا می‌کشد و سختی‌ها را بر خود هموار می‌کنند و در راه خدا از سرزنش ملامت‌کنندگان نمی‌هراسند. در همین راستا محمد بن العباس: «قال حدثنا، عبدالله بن الحسن عن أبيه، عن أبي جعفر علیه السلام قال: قَوْلُهُ عَزَّوَجَلَّ: أَنَّ الْأَرْضَ يَرثُهَا عِبَادِي الصَّالِحُونَ هم اصحاب المهدی علیه السلام آخر زمان. محمد بن عباس، گوید: عبدالله بن الحسن از پدرش از حضرت امام ابو جعفر باقر علیه السلام برایمان حدیث گفت که آن بزرگوار فرمود: اینک خدای

۱. البحرانی، المَحَجَّة، ۱۴۱: ۱۴۱۳ ق.

عزوجل فرموده: البته بندگان صالح من زمین را به ارث خواهند برد. آنان اصحاب حضرت مهدی علیه السلام در آخر الزمان می باشند.^۱ منظور از وراثت زمین، به ارث بردن همین زمین است که سرانجام کران تا کران آن در قلمرو قدرت امت اسلام و پیروان حضرت خاتم محمد صلی الله علیه و آله و سلم قرار خواهد گرفت و دین آسمانی او جهان گستر خواهد شد. علامه طباطبایی طبق آیه ۱۰۵ سوره انبیاء اشاره می کند: «به زودی زمین از گروه شرک و گناه پاک گشته و جامعه بشری صالح که خدای را بندگی کردند و به وی شرک نوزیدند در آن زندگی کنند.» همچنان که آیه ۵۵ سوره نور که در همین فصل به آن اشاره کردیم، بیان می کند.^۲

﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ
لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ
وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى﴾.

«خدا به کسانی از شما که ایمان آورده و نیکوکار شوند، وعده می دهد که خلافت بر زمین را به آنان خواهد داد. همان گونه که به مردم (صالح) پیشین نیز خلافت بر زمین را بخشید و دین و آیینی را که برای آنها پسندیده است، پا برجا و ریشه دار می سازد.»^۳

و نیز در حدیث آمده که «إِنَّ الْأَرْضَ لَا تَخْلُو مِنْ قَائِمِ اللَّهِ بِحُجَّةٍ». زمین از حجت قائم خداوند خالی نمی ماند. این حدیث را هم فریقین و

۱. قُمی، تفسیر قمی، ۷۷: بی تا.

۲. طباطبایی، ۱۲۰: ۱۴۱۱ ق.

۳. نور / ۵۵.

فصل سوم: امامت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف... □ ۱۳۳

هم اهل شیعه آنرا نقل نموده‌اند. «امام باقر علیه السلام در این حدیث بر خالی نماندن زمین از امام قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف شاهد و حاضر در میان امت تصریح کرده است.^۱

از این طریق می‌توان این درک را از احادیث ائمه اهل بیت علیهم السلام دریافت که زمین هیچ‌گاه بدون امام نمی‌ماند و گرنه مردم را در خود فرو می‌برد. سلیمان جعفری می‌گوید:

«از ابوالحسن علیه السلام پرسیدم: آیا زمین از حجت خدا خالی می‌ماند؟ فرمود: اگر زمین لحظه‌ای از حجت الهی خالی بماند، اهلش را فرو می‌برد.»^۲

براساس این دیدگاه حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرمایند:

«لَوْلَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا الْيَوْمَ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَبْعَثَ رَجُلًا صَالِحًا مِنْ أَهْلِ بَيْنِي يَمَلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا قَدَّمَلْتُمْ ظُلْمًا وَجُورًا.»

«اگر تنها یک روز از عمر این جهان باقی مانده باشد، خدا آن روز را به گونه‌ای طولانی می‌کند که مردی شایسته کردار و اصلاح‌گر از خاندان مرا برانگیزد و او به یاری حق، زمین و زمان را همان‌گونه که از ستم و بیداد آکنده شده است، لبریز از عدل و داد سازد.»^۳

﴿وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُّوا فِي الْأَرْضِ وَ

۱. شرح نهج البلاغه، ج ۱۸: ۱۳۸۷ ق.

۲. الصفار، ۵۰۹: ۱۴۰۴ ق.

۳. طبرسی، مجمع البیان، ۶۶: ۱۳۷۹ ق.

نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ».

«و ما اراده کردیم بر آنان که در زمین مستضعف شدند، منت گذاریم و آنان را پیشوایان و وارثان زمین قرار دهیم.»

سوره قصص مربوط است به ذکر داستان موسی عليه السلام و فرعون و مردمان بنی اسرائیل. موسی عليه السلام در شرایطی به دنیا آمد که فرعون در اوج قدرت بود و بر بنی اسرائیل از هیچ آزاری دریغ نکرده بود. برای اینکه موسی عليه السلام به دنیا نیاید، فرعون امر کرده بود که هر پسری به دنیا می آید کشته شود. حال در چنین اوضاعی موسی عليه السلام به دنیا آمد و در دامن دشمنش فرعون و همسر او آسیه عليها السلام پرورش یافت.

سرانجام به وسیله حضرت موسی عليه السلام بنی اسرائیل نجات می یابند و فرعون و فرعونیان نابود می شود. پیامبر خاتم رسول خدا صلی الله علیه و آله احوال قوم آخرالزمان را تشبیه به بنی اسرائیل کرده اند، و نیز با توجه به این تمثیل همان طور که از آیات سوره قصص پیدا است، قوم آخرالزمان که در دوران غیبت کبری حضرت عجل الله تعالی فرجه الشریف به سر می برند، امید است که به دست عصاره انبیاء امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نجات یابند و به اذن پروردگار است که با ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با حکومت جهانی ایشان فرعون های زمانه نابود شوند.

زیرا همان طور که در فصول قبلی به این آیه پرداختیم امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به هنگام ولادت این آیه را تلاوت کردند. در روز ولادت، حضرت عجل الله تعالی فرجه الشریف لبیک را به خداوند عرضه داشتند. همانطور که از آیه بر می آید، «علی الذین استضعفوا فی الأرض.» اینطور به نظر می رسد با بیان این آیه حضرت می خواهند به

فصل سوم: امامت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف... □ ۱۳۵

اذن الله به مستضعفان مقام خلیفه الله حقیقی را هدیه کنند و آنان را به عزت رسانند. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با سجده‌شان و با تلاوت آیات سوره قصص مسیر هدفشان را معرفی می‌کنند.

ابو جعفر محمد بن جریر الطبری قال: «اخبرنا ابوالفضل قال: عن سلمان قال: قال لي رسول الله ﷺ: ان الله تبارك وتعالى لم يبعث نبيا ولا رسولا الا جعل له اثني عشر نقيبا. فقلت يا رسول الله ﷺ لقد عرضت هذا من اهل كتابين.»^۱

ابو جعفر محمد بن جریر طبری گوید: ابوالفضل به ما خبر داد، از سلمان، حدیثم داد که سلمان گفت: رسول خدا ﷺ به من فرمود خداوند تبارک و تعالی هیچ پیغمبر و رسولی را مبعوث نفرمود مگر اینکه دوازده نقیب برایش قرار داد. عرض کردم: یا رسول الله ﷺ این را از اهل دو کتاب (تورات و انجیل) دانسته‌ام.

قال سلمان فقلت: «يا رسول الله ﷺ بابي انت وامي فما لمن عرف هؤلاء؟ فقال: يا سلمان من عرفهم حق معرفتهم و اقتدى بهم و والى وليهم و تبرأ من عدوهم فهو والله منا يرد حيث نرد و يسكن حيث نسكن فقلت: يا رسول الله ﷺ فهل يمكن ايمان بهم بغير معرفه باسمائهم و انسابهم؟ فقال: لا (يا سلمان).»^۲

۱. طبری، دلائل الامامة، ۲۳۷: ۱۳۸۳ ق.

۲. البحرانی، المحجّة، ۱۶۹: ۱۴۱۳ ق.

(سلمان گوید): عرضه داشتم ای رسول خدا ﷺ پدر و مادرم فدایت باد. برای کسی که ایشان را بشناسد چه پاداشی خواهد بود؟ فرمود: ای سلمان هرکس آنان را به راستی بشناسد و ایشان را الگوی خود قرار دهد و دوستانشان را دوست بدارد و از دشمنانشان بیزاری جوید، چنین کسی به خدا سوگند از ما خواهد بود. هر کجا وارد شویم او نیز وارد خواهد شد و هر جا مسکن کنیم او نیز سکنی یابد. عرض کردم: ای رسول خدا ﷺ آیا می‌توان بدون شناختن نام‌ها و نسب‌هایشان به آنان ایمان داشت؟ فرمود: نه ای سلمان.

به نظر می‌رسد کلام مذکور عصاره‌ای از زیارت جامعه کبیره است که شیخ صدوق آن را در من لایحضره الفقیه و عیون اخبار الرضا آورده است. زیارت جامعه کبیره از عطایایی است که از سوی امام هادی علیه السلام بر ما عنایت شده و حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تا کیدات ویژه‌ای بر این زیارت دارند. یک دوره معارف اهل بیت نسبت به مقام امامت می‌باشد. سلام‌ها و تجدید عهد‌ها، تجدید برائت‌ها، دعاها، درخواست‌ها از امام، خود نیز مجموعه‌ای کامل است. در ارتباط سلمان با رسول خدا ﷺ این اصول مورد بررسی قرار گرفته است. در فرازی از زیارت آمده «السَّلَامُ عَلٰی مَحَالِّ مَعْرِفَةِ اللَّهِ. سلام بر شما که دل‌هایتان محل معرفت خداست.»^۱ اینطور به نظر می‌رسد تا کید

۱. زیارت جامعه کبیره. توسط علی بن محمد الهادی علیه السلام به درخواست یکی از اصحاب ایراد کرده‌اند. این زیارت را شیخ طوسی در تهذیب و صدوق در فقه و عیون اخبار الرضا به سندی معتبر نقل کرده‌اند، برای زیارت هریک از امامان معصوم علیهم السلام. این زیارت انشاء و گفتار امام هادی علیه السلام نسبت به سایر امامان معصوم علیهم السلام است.

فصل سوم: امامت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف... □ ۱۳۷

رسول خدا ﷺ بر این است که اگر کسی در صدد شناخت رسول ﷺ و ائمه معصومین علیهم السلام باشد، به معرفت خدا نیز می رسد. ائمه علیهم السلام دل هایشان محل معرفت خدا است و آنها معادل «حکمة الله و حَفَظَة سِرِّ الله وَ حَمَلَة کتاب الله هستند.»

عرضه داشتیم: یا رسول الله چگونه به شناخت ایشان دست یابم در حالی که حسین علیه السلام را شناخته ام؟ سپس تمامی ائمه ۱۲ گانه را معرفی کرد.

سپس حسن بن علی العسکری علیه السلام آن صامت امین سر خداوند، پسرش محمد بن حسن الهادی المهدی (الناطق) آن قائم به حق حد (به امر خدا) علیه السلام.

آن گاه رسول خدا ﷺ فرمودند: «ای سلمان تو او را درک خواهی کرد و هر کسی مانند تو با معرفت راستین از او پیروی کند او را درک خواهد کرد. سلمان گوید: شکر خدای را بسیار کردم. رسول خدا ﷺ فرمودند: سلمان! این حتماً تحقق خواهد یافت. سلمان گوید: در این هنگام گریه و اشتیاقم شدت یافت. پیامبر خدا ﷺ عرضه داشتند: سوگند به خداوندی که مرا به حق فرستاد، من، علی، فاطمه، حسن و حسین و آن نه (معصوم دیگر) و هر کسی که از ما است و با ما و در راه ما ستم دیده، خداوند احقاق حق می کند توسط مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف آری به خدا قسم ای سلمان ابلیس برای مقابله با اولشکریانش را جمع می سازد و تمامی آنان که ایمانشان خالص بوده و نیز همه کافران حقیقی آورده می شوند تا از یکدیگر قصاص کشند. خونخواهی کنند و پروردگار تو بر احدی ظلم نمی کند و تأویل این آیه تحقق می یابد که می خواهیم بر آنان که در زمین مستضعف شدند منت گذاریم و آنان را

پیشوایان و وارثان زمین قرار دهیم. ایشان را در زمین مکنت و توان بخشیم و به فرعون و هامان و لشکریانشان آنچه را که می‌ترسیدند نشان دهیم.^۱

﴿وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا﴾.

«و بگو حق آمد و باطل نابود شد، که باطل نابود شدنی است.»^۲
بر این باوریم حضرت رسول اکرم ﷺ هنگامی که پیروزمندانه وارد مکه شدند، برگرد خانه خدا و جای جای کعبه سیصد و شصت بت قرار داشت، آن حضرت با اعلان انزجار از بت پرستی و شرک فرمودند: «جاء الحق و زهق الباطل. حق فرارسید و باطل رفتنی است.» با تلاوت این آیه بت‌ها به لرزه در آمدند و شرک‌گرایان به جای پذیرش حق، با خود گفتند، راستی که افسونگری بی‌نظیر است!

محمد بن یعقوب: از ابی حمزه، از حضرت ابو جعفر امام باقر علیه السلام روایت آورده است که درباره فرموده خدای عزوجل: و بگو که حق آمد و باطل نابود شد که همانا باطل محو شدنی و سزاوار نابودی است. فرمود: هرگاه قائم علیه السلام به پاخیزد دولت باطل از بین می‌رود و زایل می‌شود.^۳ در اثناء سوره اسراء اشاره به پیشوایان هر گروه شده است.

﴿يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمَامِهِمْ﴾^۴

۱. طوسی، الغيبة، ۱۱۳: ۱۴۱۱ ق.

۲. اسراء / ۸۱.

۳. کلینی، روضة من الكافي، ۲۸۷: ۱۳۶۲ ق.

۴. اسراء / ۷۱.

روزی به یاد بیاورید که هر گروهی از مردم را با پیشوایان خودشان صدا می‌زنیم. برایین باوریم محوریت امر عالم از همان ابتدا بر دو مورد می‌چرخد. گاه می‌گوییم حق و باطل، خیر و شر و گاه نار و نور. این صف‌بندی در طول تاریخ بین پرچم‌داران کفر و پرچم‌داران حق بوده است. پیشوایان و امامان در دنیا بر دو گروه‌اند، پیشوایان هدایت و عدالت، دیگری پیشوایان گمراهی.

بر همین اساس است که خداوند در قرآن می‌فرماید:

﴿اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَ
الَّذِينَ كَفَرُوا أَوْلِيَاؤُهُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُم مِّنَ النُّورِ إِلَى
الظُّلُمَاتِ أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ﴾.

«خدا، یار مؤمنان است، آنان را از تاریکی‌های جهان بیرون آورده و به سوی نور می‌برد و آنان که کافر شدند، طاغوت یار آنان است، آنها را از عالم نور به تاریکی گمراهی می‌افکند، این گروه اهل دوزخ بوده و در آن جاودان خواهند ماند.»^۱

در این مسیر دو وادی بیشتر وجود ندارد که اگر از وادی شرک و شیطان که پیشوایان این مسیر از سردمداران طاغوت هستند انسان خروج کند مسیر بعدی، راه نور و ایمن است که پیشوایان این مسیر در جاده صراط‌المستقیم ایستاده‌اند. اگر انسان در این مسیر قرار گیرد، در عالم توحید قرار می‌گیرد. هر زمانی در قرآن کلمه یوم آمد. اشاره به روز و وقت معین قیامت می‌باشد سیوطی به سندش از رسول خدا ﷺ در ذیل آیه فوق نقل کرده که حضرت فرموده:

«یدعی کل اناس بامام زمانهم و کتاب ربهم و سنته نبیهم».

«آن روز مردم با نام و نشان امام زمان خود، کتاب پروردگار خویش و سیره و سنت پیامبرشان فرا خوانده می‌شوند.»^۱

﴿وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَ مَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيَّهِ سُلْطَانًا فَلَا يُسْرِفُ فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مَنْصُورًا﴾^۲

و کسی را که خداوند خونش را حرام شمرده، نکشید جزء به حق! و آن کسی را که مظلوم کشته شده، برای ولایت سلطه و حق قصاص قرار دادیم، اما در قتل اسراف نکند؛ زیرا او با قانون قصاص و دیه مورد حمایت است.

چنانچه می‌دانیم تنها کلام قرآن کریم است که همیشه به حقیقت سخن گفته است. در این رابطه در راه تضمین حق، حیات انسان که طبیعی‌ترین حق بشری است، قرآن می‌فرماید: ﴿وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ﴾. و کسی را که خدا جان و خونش را پاس داشته و محترم شمرده است، جزء براساس حق و عدالت نکشید. آری خون‌ها و جان‌ها را خدا گرامی داشته است. هر انسانی قلمی از نقاشی رب العالمین است. مگر اینکه کسی خود به دست خودش راه ضلالت و گمراهی را پیشه کار خود قرار دهد.

زیرا خداوند در قرآن این چنین می‌فرماید:

۱. سیوطی، در المنثور، ۶۰: ۱۴۰۴ ق.

۲. اسراء / ۳۳.

فصل سوم: امامت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف... □ ۱۴۱

﴿إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا﴾.

«ما راه را به او نشان دادیم، خواه شکرگزار باشد یا ناسپاس.»^۱

پس اگر کسی کفرگرا و حق ستیز باشد یا پس از ایمان و اسلام راه کفر در پیش گیرد و یا دست به ریختن خون بی گناہانی بزند در این چند صورت به دست خویش حرمت جان و حق حیات خویش را پایمال ساخته است.

﴿وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيَهُ سُلْطَانًا﴾.

کسی که به ناروا کشته شود، مابه سرپرست و خونخواه او این حق را داده ایم که از قاتل خون بها بگیرد و یا او را مورد عفو قرار دهد و یا به کیفر گناه بزرگش او را بکشد.

آن طور که از مفهوم آیه برمی آید، خداوند به هنگام قتل مظلوم، ولی دم را یارای می فرستد تا انتقام خون به ناحق ریخته را بگیرد. خون امام حسین علیه السلام به ناحق توسط دشمنانشان که از گروه مسلمین نیز بودند به دلیل عدم آگاهی از امام زمانشان سبب شد این خون که ثار الله بود ریخته شود. تنها توسط امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف که ولی دم امام حسین علیه السلام است حق و حقوق غصب شده شان گرفته می شود.

ابوالقاسم جعفر بن محمد بن قولویه: در کتاب کامل الزیارات می نویسد: از محمد بن سنان، از مردی برایم حدیث آورد که گفت: از حضرت امام ابو عبدالله صادق علیه السلام راجع به فرموده خدای تعالی و هر آنکه مظلوم کشته شود پس البته که ما برای ولی او حکومت و تسلط دادیم (بر قاتل). پس مبادا، در کشتن اسراف کند که او منصور است.

پرسیدم فرمود: آن قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف اهل بیت است. خروج می کند و به انتقام خون حسین علیه السلام دشمنان را می کشد. پس چنانچه اهل زمین را به قتل رساند مسرف نخواهد بود و اینکه فرمود پس مبادا در کشتن اسراف کند یعنی کاری انجام نمی دهد که به سبب آن اسراف کرده باشد. سپس حضرت صادق علیه السلام فرمود: به خدا سوگند ذراری و نوادگان کشندگان حسین علیه السلام را به سبب کارهای پدرانشان به قتل می رساند.^۱

ابن بابویه قال: «عَنْ عَبْدِ السَّلَامِ بْنِ صَالِحِ الْهَرَوِيِّ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا عليه السلام يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ مَا تَقُولُ فِي حَدِيثِ رَوَى عَنِ الصَّادِقِ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ: إِذَا أَقَامَ خَرَجَ الْقَائِمُ عليه السلام قَتَلَ ذُرَارِيَّ قَتَلَهُ الْحُسَيْنُ عليه السلام لِفِعَالِ آبَائِهِمْ فَعَالَ عليه السلام: هُوَ كَذَلِكَ، فَقُلْتُ فَقَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى، مَا مَعْنَاهُ؟ فَقَالَ: صَدَقَ اللَّهُ فِي جَمِيعِ أَقْوَالِهِ وَلَكِنْ ذُرَارِيَّ قَتَلَهُ الْحُسَيْنُ يَرْضُونَ لِفِعَالِ آبَائِهِمْ وَيَفْتَخِرُونَ بِهَا، وَمَنْ رَضِيَ شَيْئًا كَانَ كَمَنْ آتَاهُ، وَلَوْ أَنَّ رَجُلًا قُتِلَ فِي الْمَشْرِقِ فَرَضِيَ بِقَتْلِهِ رَجُلٌ فِي الْمَغْرِبِ لَكَانَ الرَّاضِيَ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ شَرِيكَ الْقَاتِلِ، فَإِنَّمَا يَقْتُلُهُمُ الْقَائِمُ عليه السلام إِذَا خَرَجَ لِرِضَا هُمْ بِفِعَالِ آبَائِهِمْ.

«ابن بابویه گوید: از عبدالسلام بن صالح هروی حدیثمان داد که گفت: به حضرت ابوالحسن علی بن موسی الرضا علیه السلام عرض

۱. قولویه القمی، ۶۳: بی تا.

فصل سوم: امامت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف... □ ۱۴۳

کردم. یا بن رسول الله ﷺ چه می فرمایید درباره حدیثی که از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمود: هرگاه قائم علیه السلام قیام خروج کند ذراری و نوادگان قاتلان حسین علیه السلام را به خاطر کارهای پدرانشان به قتل خواهد رساند؟ فرمود: همین طور است. عرض کردم پس قول خدای عزوجل و هیچ نفسی بار دیگری را بر دوش نمی گیرد معنایش چیست؟ فرمود: خداوند در تمامی اقوالش راست گفته. ولی ذراری کشتندگان امام حسین علیه السلام به کرده پدرانشان راضی هستند و به آن جنایتها افتخار می کنند و هرکس به کاری راضی باشد همچون کسی است که آنرا انجام داده و چنانچه مردی در مشرق کشته شود و مرد دیگری در مغرب به کشته شدنش راضی باشد، آنکه رضا داده نزد خدای عزوجل شریک قاتل خواهد بود، بنابراین تنها بدین جهت هست حضرت قائم علیه السلام وقتی خروج کند آنها را می کشد که از کردار پدرانشان راضی اند.»^۱

عیاشی: بِإِسْنَادِهِ عَنْ سَلَامِ بْنِ الْمُسْتَنِيرِ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام فِي قَوْلِهِ: وَ مَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لِوَلِيِّهِ سُلْطَانًا فَلَا يَسْرِفُ فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مَنْصُورًا قَالَ: هُوَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ علیه السلام قُتِلَ مَظْلُومًا وَ نَحْنُ أَوْلِيَاؤُهُ وَ الْقَائِمُ مِنَّا علیه السلام إِذَا أَقَامَ طَلَبَ بِثَارِ الْحُسَيْنِ علیه السلام.

«عیاشی: بسند خود از سلام بن المستنیر، از حضرت امام ابوجعفر باقر علیه السلام روایت کرده که درباره فرموده خداوند و هر آنکه

۱. صدوق، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ۱۵۱: ۱۴۰۴ ق.

مظلوم کشته شود پس البته که ما برای ولی او حکومت و تسلط دادیم بر قاتل پس مبادا در کشتن اسراف کند که او منصور است فرمود: او حسین بن علی علیه السلام است که مظلوم کشته شد و ما یم اولیای او و قائم از ما چون بپاخیزد خون حسین علیه السلام را مطالبه می‌کند.^۱

بر این باوریم آنچه از موعود در اذهان داریم این است که بنا است آن حضرت عجل الله تعالی فرجه الشریف دنیا را متحول ساخته و دست به اصلاح همه جانبه بزند و تمدنی که براساس تزویر بنیان نهاده شده است، از ریشه برکند. براساس ارزش‌های الهی - تمدنی نو بنیان نهد. این میسر نخواهد شد، مگر اینکه مردم تجربه حکومت‌ها و تمدن‌های مختلف را به دیده عبرت‌نگریسته باشند و ناکامی آنها را در نیل تحقق آرمان‌های بشریت به چشم حقیقت بین مشاهده کرده باشند تا انتظار جهانی برای تشکیل حکومت حضرت تحقق پیدا کند و زمینه پذیرش آن برای همگان فراهم آید.

فحوای سوره عصر

در این سوره سخن از زیانکار بودن انسان به میان می‌آید، و فقط آن دسته از انسان‌هایی که دارای ایمان، عمل صالح، سفارش یکدیگر به حق و صبر می‌کنند را استثناء کرده و زیانکار نمی‌داند.

﴿وَالْعَصْرِ * إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ * إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَ تَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَ تَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ﴾

۱. تفسیر عیاشی، ۲۹۰: بی تا.

فصل سوم: امامت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف... □ ۱۴۵

قسم به عصر (نورانی رسول ﷺ یا دوران ظهور ولی عصر عجل الله فرجه). که انسان همه در خسارت و زیانست. مگر آنان که به خدا ایمان آورده و نیکوکار شدند و به درستی و راستی و پایداری در دین یکدیگر را سفارش کردند.

این سوره نخست از سوگند پر معنی به «عصر» شروع می‌شود و سپس سخن از زیانکار بودن انسان‌ها که در طبیعت زندگی تدریجی نهفته است به میان می‌آورد فقط یک گروه را از این اصل کلی جدا می‌کند. آنها که دارای این چهار برنامه ایمان، عمل صالح، سفارش یکدیگر به حق و صبر که این چهار اصل برنامه‌های اعتقادی - فردی - عملی - اجتماعی - اسلام را در بر می‌گیرد که از ضروریات زندگی انسان می‌باشد.

همان‌طور که به آن پرداختیم، واژه «عصر» در اصل به معنی «فشردن» است و سپس به وقت عصر اطلاق شده، به این دلیل که برنامه‌ها و کارهای روزانه در آن پیچیده و فشرده می‌شود و این واژه به معنی مطلق «زمان» و دوران تاریخ بشر و یا بخشی از زمان، مانند عصر ظهور اسلام و قیام پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و امثال آن بیان شده است، لذا به نظر می‌رسد در تفسیر این سوگند، سراسر زمان و تاریخ بشریت که مملو از درس‌های عبرت و حوادث مختلف است، چنان عظمتی دارد که شایسته سوگند الهی قرار گرفته است.

و در آیه دو سوره، اشاره می‌شود که این سوگند مهم برای این امر یاد شده است، می‌فرماید: به یقین انسان‌ها در زیانند. ﴿إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ﴾ سرمایه‌های وجودی خود را چه بخواهند یا نخواهند از دست می‌دهند، ساعات و ایام و ماه‌ها و سال‌های عمر به سرعت می‌گذرد،

نیروهای آدمی به تحلیل می‌رود و توان و قدرت کاسته می‌شود و تنها تصمیم انسان است که مسیر را برای او مشخص می‌کند.

و از نظر جهان‌بینی اسلام، دنیا یک بازار تجارت است. همان‌گونه که در حدیثی از امام هادی علیه السلام آمده است «الدنیا سُوقٌ رِبَعٌ فیها قَوْمٌ وَ خَسِرَ آخِرُونَ» دنیا همانند بازاری است که عده‌ای در آن (برای آخرت) سود می‌برند و عده‌ای دیگر ضرر و خسارت متحمل می‌شود.^۱

در آیه سه می‌فرماید: تنها یک راه برای جلوگیری از این خسران عظیم و زیان‌قهری و اجباری وجود دارد، می‌فرماید: مگر کسانی که ایمان آورده و اعمال صالح انجام داده‌اند و یکدیگر را به حق سفارش کرده و یکدیگر را به شکیبایی و استقامت توصیه کرده‌اند. ﴿إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَ تَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَ تَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ﴾

و قرآن کریم برای نجات از آن خسران عظیم، چند برنامه تنظیم کرده است. بر این اصول تکیه می‌کند: اصل اول در این برنامه مسأله «ایمان» است، زیر بنای همه فعالیت‌های انسان را تشکیل می‌دهد، چرا که تلاش‌های عملی انسان از مبانی فکری و اعتقادی او سرچشمه می‌گیرد، نه مانند حیوانات که حرکاتشان به خاطر امر غریزی است. اعمال انسان تبلوری است از عقاید و افکار او و به همین دلیل است تمام انبیای الهی قبل از هر چیز مبانی عقیدتی امت‌ها را صیقل کردند و با شرک که سرچشمه انواع پراکندگی‌ها است به مبارزه پرداختند. تا به مفهوم یکدیگر به یک زمین تزکیه شده‌ای دست یابند تا بتوانند، هر آنچه را که خداوند امر فرموده در این زمین بکارند تا به محصول

۱. امین، ۶۵: ۱۴۰۶ ق.

ایده آل الهی دست یابند. بطور مثال، همان طور که در یک ظرف اگر غذایی را طبخ می‌کنیم پس از شستشوی آن، ماده غذایی دیگر را در آن قرار می‌دهیم که این از اصول کار است. پس تفکر آدمی به مراتب مهم‌تر می‌باشد که از یک زمین پاک بهره‌مند باشد تا ما را به مقصود برساند. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

﴿لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْ أَنفُسِهِمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَ يُزَكِّيهِمْ وَ يُعَلِّمُهُمُ﴾.

«ایمان و عمل صالح هرگز تداوم نمی‌یابد مگر اینکه حرکتی برای دعوت به سوی حق و شناخت و معرفت آن، پس به سوی استقامت و صبر در طریق انجام این مهم از سوی دیگر صورت پذیرد و مسأله توأسی به حق، یعنی فراخوان همگانی به سوی حق و تشخیص انسان‌ها از حق و باطل و در مسیر زندگی از آن منحرف نشوند.»^۱

و اصل مهم، شکیبایی و «صبر» و سفارش کردن یکدیگر به آن مطرح است، چرا که بعد از مسأله شناخت و آگاهی، هر کس در مسیر عمل در هر گام با موانعی روبرو است. اگر استقامت و صبر نداشته باشد هرگز نمی‌تواند احقاق حق کند و عمل صالحی انجام دهد و یا ایمان خود را حفظ کند.

سوگند به عصر، که همانا انسان در زیان کاری و خسران است.^۲
مگر آنانکه ایمان آورده‌اند و کارهای نیک انجام داده و یکدیگر را

۱. آل عمران / ۱۶۴.

۲. عصر / ۱، ۲، ۳.

به حق سفارش کرده و به صبر و پایداری توصیه کرده‌اند.

عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَنَانَ، عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ قَالَ: «سَأَلْتُ
الصَّادِقَ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ عليه السلام عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ: [وَالْعَصْرُ
إِنِ الْإِنْسَانُ لَفِي خَسْرٍ] قَالَ [الْعَصْرُ] عَصْرُ خُرُوجِ الْقَائِمِ عليه السلام
[إِنِ الْإِنْسَانُ لَفِي خَسْرٍ] اَعْدَاءَنَا [إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا] بِآيَاتِنَا،
[وَعَمَلُوا الصَّالِحَاتِ] بِمَوَاسِمَاتِ الْإِخْوَانِ، [وَتَوَاصَوْا
بِالْحَقِّ] بِالْأَقَامَةِ، [وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ] فِي الْفِتْرِهٖ»^۱.

از محمد بن سنان، از مفضل بن عمر که گفت:

از امام صادق حضرت جعفر بن محمد عليه السلام درباره قول به خدای
عزوجل: [سوگند به عصر، که همانا انسان در زیانکاری و خسران
است] پرسیدم، آن حضرت فرمود: [سوگند به عصر] عصر خروج
حضرت قائم عليه السلام است، [همانا انسان در زیانکاری و خسران است]
یعنی: دشمنان ما [در زیانند]، [مگر آنانکه ایمان آوردند] [یعنی]
[آنانکه] به آیات ما [ایمان آوردند] [و کارهای نیک انجام دادند] با
مواسمات برادران دینی، [ویکدیگر را به حق سفارش نمودند] به
امامت، [یکدیگر را به صبر و پایداری توصیه کردند] یعنی: در دوران
فترت [زمان غیبت که عقاید سست می‌شود]^۲

به لحاظ لغوی علامه مصطفوی در تفسیر روشن خود، درباره سوره
عصر این چنین می‌گوید: عصر یعنی فشردن چیزی به منظور رسیدن به
نتیجه. عصر فشردن برای رسیدن محصول، به عمر انسان هم عصر

۱. صدوق، کمال‌الدین، ۶۵۶: ۱۴۰۵ ق.

۲. حائری قزوینی، ۴۳۷: ۱۳۷۶ ق.

می‌گویند چون جسم انسان دستخوش فشارهایی می‌شود و در نهایت عصاره انسان به شکل روح خارج می‌شود و به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف امام عصر می‌گویند چون عصاره همه زمان‌ها است و دنیا خلق شده است برای زمان ظهور امام عجل الله تعالی فرجه الشریف و همه فشارهای دنیا برای عصاره شدن ما است و یاوران امام عصر بهترین عصاره‌های نسل‌های پیشین هستند.

بدین ترتیب به دوران‌های اجتماعی تاریخی بشر (دوران ظهور اسلام و نبی اکرم ﷺ دوران زندگی انسان از طفولیت تا پیری) دوران ظهور امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف و مسائل اجتماعی آن نیز عصر می‌گویند. علامه طباطبایی اشاره می‌فرماید: که عصر دوران آغاز غلبه حق بر باطل است. جاء الحق و زهق الباطل (اسراء / ۸۱) که عصر و زمان، امام عصر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به انجام می‌رسد.

ان الانسان لفي خسر. همه انسان‌ها در خسارت هستند الا آنها که ایمان و عمل صالح و توأصی به حق و توأصی به صبر پیشه‌ی کار خود قرار داده‌اند. آنها که به حد اعلای ایمان دست یافتند، به مرحله‌ای می‌رسند که دیگر حالا ایمان را فقط برای خود نمی‌خواهند، بلکه اهتمام به گسترش سلطنت حق پیدا می‌کنند و به دنبال این مهم هستند، که همه جهانیان طعم، ایمان واقعی را بچشند. در واقع این فرد معتقد می‌شود، هر یک نفری که به ایمان دست یافت، از همین دنیا وارد بهشت شده است و سبب خوشحالی خدا و رسولش را فراهم کرده است. قرآن می‌فرماید: ان الانسان لفي خسر. انسان اگر در هر عصر و زمانی که باشد، حال می‌خواهد عصر حَجَر باشد یا عصر فضا، همین که

انسان خود را باخت و از ایمان حقیقی فاصله گرفت، در شرایط نابودی و خسران قرار گرفته است.

ما در دنیای امروز مجبور به تجارت هستیم، و بهای هر چیز معین است زیرا طبق عقل نظری، خداوند انبیاء را فرستاده تا با فهم خود انتخاب کنیم. در جهان مادی امروز، که اکثر آدمیان همه چیز را در حد ظاهر خود می بینند، انتخاب ها سخت تر شده است. انبیاء و امامان مانند خورشید همواره سعی در روشن کردن تفکر و اندیشه خلق بوده اند، تا در این بین به زیباترین ایده آل ها در مسیر حق دست یابند.

بعد از آن عقل عملی مطرح می شود، ترازویی است برای سنجیدن آدمی که به درستی بتوانیم سبک و سنگین کنیم. در این نمایش زندگی ما باید سرمایه را بشناسیم که اگر جواهرشناس باشیم فرق بین جواهر و شیشه را به راحتی تشخیص می دهیم.

سرمایه بازارها و مشتری ها که آدمیان هستند را باید شناخت و طرف معامله در این مسیر باید مشخص شود، گاهی ممکن است یک ورزشکار یک عمر کار و فعالیت کند تا تمام عمرش برای این مهم سپری شود که فقط دستش را ببرند بالا تمام عمر او همین، بعدش هم هیچ. در واقع مشخص است که او معامله با آدم ها نموده است نه خدا که این انسان ها برای مدتی تشویق می کنند.

این تأثیرات از سوی آنها مقطعی است و آنها نمی توانند شما را اجابت کنند. قرآن می فرماید، اینها حتی نمی توانند یک پشه خلق کنند پس در این نوع زندگی جز خسارت، سرمایه دیگری به دست نیامده است. گاه ممکن است در این سبک و سنگین ها ایمان را انتخاب کنیم. وقتی ایمان را انتخاب کردیم هر چقدر بیشتر شکر کردیم، ایمانمان

بیشتر می شود. و با کفر ایمانمان کمتر می شود.

در هر صورت، در این بازارها اگر کسی غیر از خداوند را انتخاب کرد در منطق قرآن خاسر است.

چون قدرت شناخت و انتخاب از طرف پروردگار موهبتی است به همین دلیل با انتخاب خودمان است که معین می کنیم خسارت کرده ایم و یا سرمایه دار شده ایم. اگر به کمتر از خدا خودمان را فروختیم، خاسر شده ایم. این دستور عمل پروردگار است که در کتاب خویش هم فرموده است. وقتی دل و عمل را به نزد خدا سپردیم، اوست که ما را بارور می کند و ما را به هدف می رساند. ایمان عمل می آورد و عمل صالح عمل متناسب با امر پروردگار پدید می آورد. در این شرایط است که انسان به جایی می رسد حتی نمی تواند ببیند دیگران خسارت می کنند. او جامعه پرداز می شود و این نوع پرستش، جامعه موحد را شکل می دهد. جامعه موحدی که یکبار در عصر نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم شکل گرفت. جامعه عصر خویش را به درک و فهم رساند و آنها را با نور حق قرآن تشنه هدایت گرداند. در سوره «شمس» کاملاً دوران شکل گیری نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و آمدنشان بیان شده. «شمس» نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم هستند و ضحی، پرتو خورشیدی که همان اسلام است یعنی اسلام، شعاع ذیل وجودی نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم است.

هر کس با معرفت وارد اسلام شود، یعنی پرتو نور نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بر او تابیده است و در اینجا، خود فرد مهم است که حجاب های درون خود را کنارزند تا از شعاع نور نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بهره مند شود. حال دقیقاً این تغییرات اگر در انسان شکل گرفت نور الهی در آنها ایجاد می شود. در تکمیل مطالب ذکر شده این سؤال مطرح می شود که چطور یک

جامعه‌ای با وجود تکنولوژی مدرن هنوز عقب افتاده است؟ زیرا فرهنگ و دانش و هویت انسانی افراد جامعه باید متناسب با ایدئولوژی مدرن شکل گیرد. چرا جوامع امروزی با گذشت هزار و چهارصد سال از آمدن اسلام، هنوز به تجلی ظهور امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف نرسیده است؟ این طور به نظر می‌رسد، که خورشید گاهی ممکن است در حجاب کافران قرار گیرد. ولی خداوند خود فرموده است: **وَ النَّهَارُ إِذَا جَلَّهَا^۱** شمس امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف از وجود نبی اکرم **ﷺ** تجلی و ظهور پیدا می‌کند. این دوران باطل را شیاطین شکل داده‌اند به زودی مانند خانه عنکبوت از بین می‌رود.

عصر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف هم مانند همان عصر نبی اکرم **ﷺ** است. در واقع شکل‌گیری یک فضا است. یک فضای نورانی که نورها در پرتو هم شکل می‌گیرد. این ما هستیم که کدام مسیر را انتخاب کنیم طبق آنچه خداوند از همان اول خلقت برای آدمیان بیان کرده است: قرآن می‌فرماید: **﴿ فِي بُيُوتٍ أُذِنَ اللَّهُ أَنْ تَرْفَعَ وَ يُذَكَّرَ فِيهَا اسْمُهُ. ۲﴾**

با نور امام و ولایت امام است که آدمیان از هدایت امام بهره‌مند می‌شوند. این چراغ پر فروغ همان امام است. بیوت، خانه‌های گلی نیست، بلکه امام خود ارکان بیت‌النور است. همه اصول بشری در این خانه‌ها نورانی می‌شود. حال در مقابل عصر نبی اکرم **ﷺ** و عصر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در زمان غیبت آن حضرت همان عصر

۱. شمس / ۳.

۲. نور / ۳۶.

نور است، عصر اولیای طاغوت و عصر حکمرانی شیطان وجود دارد. برای مثال، در عصر حضرت موسی کلیم الله ﷺ، همسر فرعون، آسیه رضی الله عنها زندگی می‌کند. گرچه از لحاظ تاریخی آسیه رضی الله عنها در خانه فرعون است ولی روحش در تلاقی محبت پیامبر گونه موسی رضی الله عنه است. قرآن نیز دسته‌بندی می‌کند، عصر نور، عصر تاریکی.

دوران ظهور شاخصه‌هایی دارد. در دوران ظهور است که عدل به معنای واقعی جلوه‌گر می‌شود.

ولی قبل از آنکه عدل در دوران ظهور اتفاق افتد، باید در وجود انسان‌ها به نقطه کمال برسد. آن وقت است که در عالم بیرون به نحوه صحیح عدالت متبلور می‌شود. کلمه عدل الهی خود امام عجل الله تعالی فرجه الشریف است. حیات بشری به خود امام عجل الله تعالی فرجه الشریف باز می‌گردد. وقتی فضای جامعه شد، فضای امام عجل الله تعالی فرجه الشریف، تمام جامعه زنده می‌شود.

اگر در این جامعه امنیتی احساس شد به دلیل ولایت امام عجل الله تعالی فرجه الشریف است. عصر امام با همه شاخصه‌هایش فرع امام است. دوران ذیل امام عجل الله تعالی فرجه الشریف تعریف می‌شود. امام عجل الله تعالی فرجه الشریف حقیقتی است در لباس بشر خلق شده حضرت عجل الله تعالی فرجه الشریف کلمه تامه خدا است. این دوران اگر ما در آن وارد شدیم رابطه‌مان هم با خدا از این مسیر واقع می‌شود. در نهایت ارتباطمان با افراد از این کانال معین می‌شود، لذا به همین دلیل است که می‌گوییم «امام العصر» و امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف باید برای ما قبل از عصر ظهور حجت باشد، یعنی از ابتدای امر باید خودمان را با ایشان تنظیم کنیم.

بدین ترتیب وجود امام عجل الله تعالی فرجه الشریف، یک روح است برای تمام عوالم وجود سرپرستی که امام عجل الله تعالی فرجه الشریف به عالم دارند. برای مثال، اشراف روح است به عالم وجودی بدن ما. اگر سوزنی به کف پای ما زده شود، لازم نیست با چشم بینم همین درد را که احساس می‌کنیم، همان اشراف روح است بر بدن ما و تنها مسئله‌ای که باعث می‌شود همه سرمایه‌انسان‌ها به فعالیت برسند، ورود به فضای محیط ولایت است. در حقیقت باید وارد این محیط شویم تا سرمایه‌هایمان رشد کند زیرا خارج از این محیط جز خسارت، محصول دیگری به دست نمی‌آید.

نتیجه گیری

جهان حال حاضر، بدون ظهور امام عجل الله تعالی فرجه الشریف در تب آشفته‌گی‌ها و جنگ‌ها در حال سوختن است و از هر سوی امواج تاریکی‌های جاهلیت بر همه جا سایه گسترده است و از هر کوی فریاد بی عدالتی‌ها به گوش می‌رسد، و ناله محرومان مظلومان شنیده می‌شود. آیا این شام، روشنی در پی ندارد؟ آیا مظلومان را منتهی نیست؟ جامعه حکومت شده به وسیله امام علیه السلام، جامعه‌ای قانون‌مند است، زیرا قانون به منزله روح برپیکر جامعه و امام علیه السلام روح حاضر در بین مردمان است. و قانون کامل مورد نیاز جامعه در هر زمان و مکان از تفکر افراد بشر تراوش نمی‌کند، هیچ بشری نمی‌تواند تمام جوانب و شئون همه انسان‌ها را در تمام زمان و مکان‌ها دریابد. و فقط امام معصوم علیه السلام است که می‌تواند حقیقت و مصلحت عمومی را در نظر بگیرد و عدالت را بر معنای واقعی وضع نماید و عدل را بشناسد و عدالت را بگستراند. شاید جای سؤال برای ما باشد شاید جای سؤال برای ما باشد چرا زمینه آن قیام جهانی و حکومت آسمانی هنوز فراهم نشده؟ و آمادگی لازم در

رسیدن جامعه به بلوغ هنوز در میان مردم به وجود نیامده؟ این یکی از شرایط و ارکان اساسی تربیت است که بدون استعداد و قابلیت و آمادگی تربیت ممکن نیست. بنابراین باید قدم اول را در ایجاد استعداد و زمینه لازم برداشت که چون انسان به این مرحله رسید احساس نیاز می‌کند و وقتی آن مهم را خود درک کرد قدر آن را می‌داند. با توجه به این مسئله وقتی انسان با این بی‌عدالتی‌ها روبرو شد احساس نمود که گروهی طرفدار حق و گروهی طرفدار باطل هستند و متوجه صف‌بندی‌ها در طول تاریخ بین پرچم‌داران توحید و پرچم‌داران کفر بوده است. می‌داند تنها با انتخاب موضع خویش هست که می‌تواند تعیین نماید که در کدام جبهه از حق یا باطل قرار گیرد. جنگ و کشمکش به پهنای تاریخ بین این دو گروه ادامه داشته، و بدین ترتیب خداوند برای تقویت حق، بارها حجت‌های ظاهری مثل پیامبران و حجت باطنی عقل که پیامبر درون است به همراه معجزات فراوانی را برای آنها ارائه نمود. ولی گویا باید برای تعادل بین روزگار و تقویت حق، در نهایت، بعد از پیامبران - ائمه اطهار، جانشینی از آنها برای ایجاد عدالت و قسط بفرستد! که این فرستاده را تمام اقوام و ادیان الهی در کتب خود به عنوان مصلح و منجی نجات انسان‌ها معرفی نموده‌اند. لذا ما این منجی را آخرین فرزند پیامبر بزرگوار اسلام حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم حضرت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌دانیم.

جمله و نقش اثرگذار مهدویت و آموزه‌های آن بر فرد و جامعه برکسی پوشیده نیست. این که شیعیان به این امر بنیادین، باوری استوار دارند و آن را یکی از اعتقادهای ریشه‌ای خویش بر می‌شمرند، روشن و

غیر قابل انکار است.

اعتقاد به امامت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف که در این کتاب در آموزه‌های تاریخی - حدیثی معتبر مورد توجه قرار گرفت. تنها یک باور اسلامی نیست، بلکه عنوانی مهم برای خواسته‌ها و آرزوهای همه انسان‌ها با کیش‌ها و مذاهب گوناگون همچنین بازتاب الهام فطری تمام مردم است که با همه اختلافاتشان در عقیده، دریافتند که برای انسانیت، در روی زمین، روز موعود فرا خواهد رسید. که با فرارسیدن آن، هدف نهایی و مقصد بزرگ پروردگار عالمیان تحقق می‌یابد. از نگاه آموزه‌های اسلامی، انسان کامل مظهر جامع اسمای حسنای الهی است و اسمای خداوند هیچگاه بدون مظهر نبوده است لذا فیض الهی به وسیله انسان کامل که اوست خلیفه حقیقی خدا در زمین از طریق وجود او، نصیب عالمیان می‌شود.

به این دلایل امام علیه السلام که مظهر وجود انسان کامل است، در عالم ضرورت انکارناپذیر یافته و هرگز جهان بدون وجود امام علیه السلام حقیقی است که پابرجا نخواهد ماند. نجات و رستگاری آرزویی است، که همواره بشر به دنبال آن بوده است و با قرار گرفتن در مسیر صراط‌المستقیم امامت، انسان به این سعادت خواهد رسید. زیرا انسان فطرتاً طالب سعادت و رستگاری است و این نیاز را به اشکال گوناگون بیان نموده است ظهور منجی و برقراری حکومتی واحد در سراسر گیتی بر اساس عدالت در همه جنبه‌های وجودی انسان به معنای واقعی کلمه از جمله باورهایی است که بیشتر مکاتب دینی و فکری دنیا در آن مشترکند. در این میان اسلام خالص به عنوان مترقی‌ترین مکتب انسان‌ساز به نحوی جامع با ارائه ایدئولوژی منسجم به این بحث

پرداخته است. از این رو بر همه ما انسان‌ها است این مسیر را به حقیقت تمام ادامه دهیم تا پیوسته با تبیین زوایای مختلف بحث امامت پژوهی، آن را زنده نگه داریم.

جای تردید نیست که مسئله امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف یکی از با اهمیت شخصیت دینی و مذهبی است که پژوهش، مطالعه و اندیشیدن درباره آن به جان آدمی نورانیت، معنویت و عشق می‌بخشد. و پیمودن در این مسیر، در واقع قدم گذاشتن در جاده سعادت و صمیمیت است. و مانیز در این کتاب از زوایای تاریخی - حدیثی سعی در شناساندن معرفی هرچه بهتر این موضوع و شناخت امامت حضرت عجل الله تعالی فرجه الشریف به جهانیان را سرلوحه کار خود قرار داده‌ایم.

منابع و مأخذ

- ١ - قرآن كريم
- ٢ - ابن ابى الحديد، شرح نهج البلاغه، ١٣٨٧ ق. قاهره، دارالاحياء الكتب العربيه.
- ٣ - اربلى، على عيسى بن ابى الفتح، كشف الغمه فى المعرفه الاثمه، ١٤٠٥ ق. بيروت دارالاضواء.
- ٤ - ابن طقطقا، محمد بن على، الفخرى فى الآداب السلطانيه و الدول الاسلاميه، ١٣٨٦ ق، بيروت، دارالصادر.
- ٥ - ابن طاووس، رضى الدين ابوالقاسم بن موسى، الملاحم و الفتن التشرىف بالمنن فى التعريف بالفتن، ١٤٣٥، نشر ذوى القربى.
- ٦ - ابن شهر آشوب، ابوجعفر محمد بن سروى مازندرانى، مناقب آل ابى طالب، ١٤١٢ ق، بيروت، ج ٤، دارالاضواء.
- ٧ - ابراهيم، حسن، تاريخ سياسى اسلام، ترجمه ابوالقاسم پاينده، ١٣٦٠، چاپ چهارم، تهران، ج ٢، جاويدان.
- ٨ - الكنجى الشافعى، محمد بن يوسف، البيان فى اخبار، صاحب الزمان عجل الله تعالى فرجه الشريف، ١٤١٥ ق. قم، مؤسسه نشر اسلامى.
- ٩ - الشافعى (ابن عساكر)، على بن الحسن، تاريخ مدينه دمشق، بى تا، بيروت، دارالفكر.

- ١٠ - امين، محسن، اعيان الشيعة، ١٤٠٦ ق، بيروت، دارالتعارف.
- ١١ - ابن اثير، عزالدين على بن محمد، الكامل في التاريخ، ترجمه محمد حسين روحاني، ١٤٠٣ ق، بيروت، ج ٧، دارالصادر.
- ١٢ - الصفار، ابو جعفر محمد بن حسن، بصائر الدرجات، تحقيق: محسن كوجه باغي تبريزي، ١٤٠٤ ق، قم، نشر كتابخانه آيت الله مرعشي نجفي.
- ١٣ - الخزار القمي الرازي، على بن محمد، كفايه الاثر، بي تا، قم، الانتشارات بيدار.
- ١٤ - القمي، على بن ابراهيم، تفسير القمي، بي تا، قم، ج ٢، انتشارات علامه.
- ١٥ - البخاري، محمد بن اسماعيل، صحيح البخاري، ١٣٢٠ ق. قاهره، مكتبه عبدالحميد احمد حنفي.
- ١٦ - ابن داود، رجال، بي تا، قم، منشورات الرضى.
- ١٧ - بحراني، هاشم بن سليمان، المَحَجَّه فيما نزل في القائم الحُجَّه، تحقيق محمد الميلاني، ١٤١٣، بيروت، نشر و توزيع حسن محمد ابراهيم على.
- ١٨ - بحراني، هاشم بن سليمان، غايه المرام و حُجَّه الخِصام في تعيين الامام من طريق الخاص والعام، بيروت، مؤسسه تاريخ العربى ١٤٢٢ ق.
- ١٩ - بيهقي، احمد بن حسين بن على، ١٤١٦، چاپ اول، بيروت، دارالفكر، قاهره.
- ٢٠ - بدوى، عبدالرحمن، تاريخ الالحاد في الاسلام، ١٩٤٥ م، قاهره.
- ٢١ - ترمذى، محمد بن عيسى، تحقيق و شرح شاکر، احمد، نشر دارالحديث، قاهره، مصر، ١٤١٩ ق.
- ٢٢ - تهراني، آقا بزرگ، الذريعه الى تصانيف الشيعة، ١٩٧٥ م، بيروت، ج ٨، دارالاضواء.
- ٢٣ - جويني خراساني، ابراهيم بن محمد، فرائد السمطين، تحقيق، محمد باقر محمودى، ١٤٠٠، چاپ اول، مؤسسه محمودى.
- ٢٤ - حر عاملى، محمد بن حسن. اثبات الهداه بالنصوص و المعجزات، ١٣٦٠ ق، تهران، ج ٧، چاپ چهارم، دارالكتب الاسلامى.
- ٢٥ - حر عاملى، محمد بن حسن، وسائل الشيعة في تحصيل مسائل الشريعه، بي تا، بيروت، دارالاحياء التراث العربى.

- ۲۶ - حائری قزوینی، مهدی، سیمای حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در قرآن ۱۳۷۶ ش، چاپ سوم، تهران، دفتر نشر آفاق.
- ۲۷ - حموی، یاقوت، معجم البلدان، ۱۳۹۹ ق، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی.
- ۲۸ - حمیری، عبدالله بن جعفر، قرب الاسناد، ۱۴۱۳ ق، ج اول، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام دارالاحیاء التراث العربی.
- ۲۹ - جلی، حسن بن یوسف، کشف المراد، ۱۴۲۲ ق، ج ۱، قم، انتشارات جامعه مدرسین.
- ۳۰ - خنبل، احمد بن محمد، المسند، انتشارات دارالمنهاج، دمشق، ۱۴۲۹ ق.
- ۳۱ - خنقی، حاکم حسکانی، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل فی الآیات النازله فی اهل البيت علیهم السلام، ترجمه حسن علی نجابت، ۱۳۹۳ ق، ج ۱، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- ۳۲ - خنبل شیبانی، احمد بن محمد، مُسند، بی تا، بیروت دارالفکر.
- ۳۳ - حسین، جاسم، تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم عجل الله تعالی فرجه الشریف، ترجمه سید محمد تقی آیت الهی، ۱۳۷۶، چاپ اول، تهران، مؤسسه امیر کبیر.
- ۳۴ - حسینی تفرشی، میر مصطفی، نقدالرجال، ۱۴۱۸، قم، انتشارات الرسول المصطفی.
- ۳۵ - خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی، تاریخ بغداد، تحقیق مصطفی عبدالقادر عطا، ۱۴۱۷، ج ۴، چاپ اول، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- ۳۶ - سیوطی، جلال الدین، تاریخ الخلفاء، به کوشش محمد محیی الدین عبدالحمید، ۱۳۷۱، قاهره، انتشارات دارالمعرفه.
- ۳۷ - سیوطی، جلال الدین، الدر المنثور فی تفسیر ماثور، ج ۱، ۱۴۰۴ ق، دارالکتب العلمیه.
- ۳۸ - شبراوی الشافعی، عبدالله بن محمد، الاتحاف بحب الاشراف، ۱۳۶۱ ق، قم، منشورات الرضی، المطبعه الادبیه.

- ۳۹ - شریف رازی، محمد، گنجینه دانشمندان، ۱۳۵۲، تهران، چاپ اول، نشر اسلامی.
- ۴۰ - صدوق، ابوجعفر محمد بن علی بن الحسین بابویه، کمال الدین و تمام النعمه، تصحیح علی اکبر غفاری، ۱۴۰۵، ق، ج ۱، ج ۲، ج ۳، موسسه نشر اسلامی زیر نظر جامعه مدرسین.
- ۴۱ - صدوق، ابوجعفر محمد بن علی بن الحسین بابویه، کمال الدین و تمام النعمه، علل الشرایع، تحقیق حسین الاعلمی، ۱۴۰۸، چاپ اول، بیروت، موسسه الاعلمی.
- ۴۲ - صدوق، ابن بابویه الامامه و التبصره من الحیره، ۱۴۱۸، ق، قم، دارالسیره.
- ۴۳ - صدوق، ابن بابویه من لایحضره الفقیه، تصحیح علی اکبر غفاری، ۱۳۶۷، تهران، نشر صدوق.
- ۴۴ - صدوق، ابن بابویه عیون اخبار الرضا، ۱۴۰۴، ق، چاپ اول، بیروت، موسسه الاعلمی للمطبوعات.
- ۴۵ - صدوق، ابن بابویه، معانی الاخبار، بی تا، قم، جامعه مدرسین.
- ۴۶ - صدر، سید صدرالدین، المهدی فی احوال الحجه المنتظر، ۱۳۹۸، بیروت، دارالزهراء.
- ۴۷ - صدر، محمد، تاریخ الغیبه الصغری، ۱۳۹۲، ق، بیروت دارالتعارف للمطبوعات.
- ۴۸ - صافی گلپایگانی، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، ۱۴۱۹، ق، چاپ اول، قم، موسسه حضرت معصومه (س).
- ۴۹ - طبرسی ابوعلی، فضل بن الحسن، اعلام الوری باعلام الهدی، ۱۴۱۷، نشر مؤسسه آل البيت الاحیاء التراث.
- ۵۰ - طبرسی، ابوعلی فضل بن الحسن، تفسیر مجمع البیان، فی تفسیر القرآن، ترجمه علی کرمی، ۱۳۷۹، ق، انتشارات ناصر.
- ۵۱ - طبرسی، ابوعلی فضل بن الحسن، تاج الموالید فی موالید الائم، ۱۴۲۲، بیروت، نشر دارلقاری.

- ۵۲ - طبرسی، احمد بن علی ابی طالب، الاحتجاج، ۱۳۵۰، نجف اشرف، المطبعه المرتضویه.
- ۵۳ - طبرسی نوری، حسین، نجم الثاقب فی احول الامام الحجه الغائب، تحقیق، یاسین موسوی، ۱۴۱۵ ق، چاپ اول، قم، انوار المهدی.
- ۵۴ - طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن، الامالی، ترجمه صادق حسن زاده، ۱۴۱۴ ق، چاپ اول، قم، انوار المهدی.
- ۵۵ - طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، ۱۳۷۶ ق، چاپ اول، نجف اشرف، مکتبه الامین.
- ۵۶ - طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن، اختیار معرفه الرجال (معروف به رجال کشی)، تصحیح حسن مصطفوی، بی تا، مشهد، دانشگاه مشهد.
- ۵۷ - طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن الغیبه، تحقیق، عبادالله تهرانی و شیخ علی احمد ناصح، ۱۴۱۱، چاپ اول، قم، موسسه المعارف اسلامیه.
- ۵۸ - طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن الابواب، رجال طوسی، تحقیق محمد صادق بحر العلوم، ۱۴۱۱، چاپ دوم، قم، دارالذخائر.
- ۵۹ - طبری، محمد بن جریر بن رستم، دلائل الامامه، ۱۳۸۳، قم، ج ۱، دارالذخائر.
- ۶۰ - طبری، محمد بن جریر بن رستم، تاریخ الرسل و الامم و الملوک تاریخ طبری، ترجمه ابوالقاسم پاینده، ۱۴۰۹ ق، ج ۸، تهران، انتشارات اساطیر.
- ۶۱ - طباطبایی، محمد حسین، تفسیر المیزان، ۱۴۱۱ ق، چاپ اول، ج ۱۸-۳-۲، بیروت، موسسه الاعلمی.
- ۶۲ - عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر عیاشی، بی تا، تهران، المکتبه العلمیه الاسلامیه.
- ۶۳ - فتال نیشابوری، محمد بن حسن، روضه الواعظین و بصیره المتعظمین، ۱۴۰۶ ق، بیروت، موسسه الاعلمی للمطبوعات.
- ۶۴ - فیض کاشانی، محسن، تفسیر الصافی، ۱۴۰۲، ج ۱، بیروت، موسسه الاعلمی للمطبوعات.

- ۶۵ - قندوزی بلخی حنفی، سلیمان بن ابراهیم، ینایع المودّه لذوی القربی، تحقیق سید علی جمال اشرف حسینی، ۱۴۱۶ ق، چاپ اول، ج ۳، قم، دارالاسوه للطباعه و النشر.
- ۶۶ - قولویه القمی، جعفر بن محمد، کامل الزیارات، بی تا، مؤسسه نشر الفقاهه.
- ۶۷ - قشیری، مسلم بن الحجاج، صحیح مسلم، بی تا، قاهره، مکتبه محمد علی صبیح.
- ۶۸ - قمی، عباس، سفینه البحار و مدینه الاحکام مع تطبیق النصوص الوارده فیها علی بحار الانوار، ۱۳۶۳، تهران، مؤسسه انتشارات فراهانی.
- ۶۹ - قمی، عباس، تتمه المنتهی فی وقایع ایام الخلفاء، ۱۳۳۳ ش، چاپ دوم، تهران، شرکت سهامی طبع کتاب.
- ۷۰ - قمی، عباس منتهی الامال، ۱۳۷۱، تهران، ج ۲، انتشارات کتابچی، ترجمه کاظم عابدینی.
- ۷۱ - کرین، هانری، تاریخ فلسفه اسلامی، ترجمه جواد طباطبایی، ۱۳۷۲، چاپ اول، انتشارات مینوی خرد.
- ۷۲ - کلینی، محمد یعقوب بن اسحاق، اصول کافی، تحقیق محمد جواد فقیه، یوسف التجاعی، ۱۴۱۳، بیروت، ج ۱، چاپ اول، دارالاضواء.
- ۷۳ - کلینی، محمد یعقوب روضه من الکافی، تصحیح علی اکبر غفاری، ۱۳۶۲ ق، تهران، چاپ چهارم، دارالکتب الاسلامیه.
- ۷۴ - مفید، محمد بن نعمان عکبری بغدادی، الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، ۱۴۱۳، قم، ج ۱، مکتبه بصیرتی.
- ۷۵ - مفید، محمد بن محمد بن نعمان عکبری بغدادی، الفصول العشره فی الغیبه، ۱۴۱۴، بیروت، دارالمفید.
- ۷۶ - مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ترجمه محمد جواد نجفی، ۱۴۰۳ ق، بیروت، چاپ سوم، ج ۵۱ - ۱۳ - ۵، دارالاحیاء التراث العربی.
- ۷۷ - مجلسی محمدباقر، جلاء العیون، تاریخ چهارده معصوم، محقق علی امامیان، ۱۳۸۲، قم، نشر سرور.

- ۷۸ - مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین، التنبیه و الاشراف، ترجمه ابوالقاسم پاینده، ۱۳۶۵ ش، تهران، چاپ دوم، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۷۹ - مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، بی تا، بیروت، ج ۴، دارالاندلس للطباعة.
- ۸۰ - مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین، اثبات الوصیه الامام علی بن ابی طالب علیه السلام، ۱۴۱۷، قم، موسسه صدر.
- ۸۱ - مصطفوی، حسن، تفسیر روشن ۱۳۸۰، مرکز نشر کتاب.
- ۸۲ - مظفر، محمد حسین، تاریخ الشیعه، بی تا، قم، نشر دفتر فرهنگ اسلامی.
- ۸۳ - مالکی، علی بن محمد بن احمد ابن صباغ، الفصول المهمه فی معرفه احوال الائمة علیهم السلام، بی تا، دارالحدیث.
- ۸۴ - نعمانی، محمد بن ابراهیم، الغیبه، تحقیق علی اکبر غفاری، بی تا، تهران، مکتبه صدوق.
- ۸۵ - نجاشی، احمد بن علی، فهرست اسماء مُصنّفی الشیعه یا (رجال نجاشی)، بی تا، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- ۸۶ - یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، تاریخ یعقوبی، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، ۱۳۹۴ ق، چاپ چهارم نجف، المکتبه الحیدریه.
- ۸۷ - زیارت نامه حضرت امام رضا علیه السلام.
- ۸۸ - زیارت جامعه کبیره
- ۸۹ - hadith.righ.ac.ir
- ۹۰ - <https://www.normags.ir>
- ۹۱ - mfh.journals.ikiu.ac.ir
- ۹۲ - journal.isihistory.ir
- ۹۳ - journal.ptc.ac.ir
- ۹۴ - tarikh.nashryat.ir
- ۹۵ - tuhistory.tabrizu.ac.ir